



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

بافت نظریه دانشونما در ۱۳۸۵م ظهور

میهن بیان حکیم

ناوود علاءحسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهربان ترین حاکم: نقد نظریه خشونت در عصر ظهور

نویسنده:

داود ملاحسنی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--------------------------------------------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۸ | مهربان ترین حاکم: نقد نظریه خشونت در عصر ظهور |
| ۸ | مشخصات کتاب |
| ۸ | اشاره |
| ۱۴ | تشکر و قدردانی |
| ۱۵ | فهرست مطالب |
| ۱۸ | مقدمه |
| ۲۲ | فصل اول: روایات بیانگر کشتار و خونریزی در عصر ظهور (دیدگاه افراطی) |
| ۲۲ | اشاره |
| ۲۴ | ۱. روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور |
| ۲۴ | اشاره |
| ۲۴ | ۱-۱. روایات صریح |
| ۳۰ | ۱-۲. روایات غیر صریح |
| ۳۲ | ۲. روایات مربوط به کشتار و خونریزی پس از ظهور |
| ۳۳ | ۳. روایات مربوط به کشتار و خونریزی هنگام ظهور |
| ۳۳ | اشاره |
| ۳۴ | ۳-۱. روایات ابوبصیر |
| ۴۱ | ۳-۲. روایات ابوهیره |
| ۴۴ | ۳-۳. روایات مفضل بن عمر |
| ۴۷ | ۳-۴. روایات ابوجارود |
| ۵۰ | ۳-۵. روایات مرفوعه، مرسل و غیر مسند |
| ۶۷ | ۳-۶. روایات متفرقه |
| ۸۵ | پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی |
| ۸۵ | اشاره |

| | |
|-----|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۸۵ | الف) جنگ ذات العیون (سال دوازده هـ - ق، زمان خلیفه اول ابوبکر) |
| ۸۹ | ب) کشتار هفتاد هزار نفر برای یک قسم (سال دوازده هـ - ق، زمان خلیفه اول ابوبکر) |
| ۹۰ | پ) کشتار سی هزار نفر در یک روز (سال ۱۲ هجری قمری، زمان خلیفه اول ابوبکر) |
| ۹۱ | ت) کشتار یک صد هزار نفر را در یک روز (سال سیزده هـ - ق، زمان خلیفه دوم عمر) |
| ۹۱ | د) کشتار چهل هزار نفر، در یک روز (سال ۱۴، زمان خلیفه دوم عمر) |
| ۹۳ | ذ) جنگ برای آب و غذا و غنیمت (سال چهارده هـ - ق، زمان خلیفه دوم عمر) |
| ۹۴ | و) فتح همدان و کشته های بی شمار (سال ۲۷ هـ - ق، زمان خلیفه سوم عثمان) |
| ۹۵ | هـ -) پول بدهید، از شهرتان خارج می شویم (سال ۲۷ هـ - ق، زمان خلیفه سوم عثمان) |
| ۹۶ | ی) جنگ گرگان، همه را کشتند، جز یک نفر (سال سی هـ - ق، زمان خلیفه سوم عثمان) |
| ۹۷ | ۴. یک شبهه و پاسخ به آن |
| ۱۰۵ | نتیجه گیری |
| ۱۰۸ | فصل دوم: انقیاد تام خلایق بدون هیچگونه خونریزی و کشتار (دیدگاه تفریطی) |
| ۱۰۸ | اشاره |
| ۱۰۹ | ۱. بیان و نقد روایاتی که این دیدگاه را بازگو و تقویت می کند |
| ۱۱۱ | ۲. روایات متعارض و بیان دیدگاه صحیح |
| ۱۱۴ | نتیجه گیری |
| ۱۱۶ | فصل سوم: همسانی سیره حکومتی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (دیدگاه میانه) |
| ۱۱۶ | اشاره |
| ۱۱۷ | ۱. وحدت رویه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام |
| ۱۲۰ | ۲. چگونگی رفتار امیرالمومنین علی علیه السلام با دشمنان |
| ۱۲۴ | ۳. چگونگی مقابله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با دشمنان حقیقی |
| ۱۲۷ | نتیجه گیری نهایی |
| ۱۳۰ | ملحقات و ضمائم |
| ۱۳۰ | اشاره |
| ۱۳۱ | فهرست روایات |
| ۱۳۷ | اسامی و شرح حال تفصیلی راویان |

۱۴۳ حال رجال در یک نگاه

۱۴۶ فهرست منابع

۱۵۴ درباره مرکز

مهربان ترین حاکم: نقد نظریه خشونت در عصر ظهور

مشخصات کتاب

سرشناسه: ملاحسنی، داود، ۱۳۶۷ -

عنوان و نام پدیدآور: مهربان ترین حاکم ((نقد نظریه خشونت در عصر ظهور)) / نویسنده داود ملاحسنی.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س م.

شابک: ۷-۶۳-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: مهدویت

موضوع: مهدویت -- احادیث

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م ۷۳/م ۲۲۴ BP

رده بندی دیویی: ۴۶۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۲۵۴۹۳

ص: ۱

اشاره

سرشناسه: ملاحسنی، داود، ۱۳۶۷ -

عنوان و نام پدید آور: مهربان ترین حاکم ((نقد نظریه خشونت در عصر ظهور)) / نویسنده داود ملاحسنی.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص؛ ۲۱/۵ * ۴۱/۵ س م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۶۳-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: مهدویت

موضوع: مهدویت -- احادیث

رده بندی کنگره: ۲۲۴ BP / م ۷۳ م ۱۳۹۳ ۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۲۵۴۹۳

مهربان ترین حاکم

مؤلف: داوود ملاحسنی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

ویراستار: فاطمه اکبری

طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۶۳-۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

تمامی حقوق ض محفوظ است.

قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ:

۲۶ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) / فاکس:

۳۷۷۴۴۲۷۳ و ۳۷۷۳۷۱۶۰

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

www.mahdi۳۱۳.com

www.mahdaviat.ir

info@mahdaviat.ir

Entesharat_bonyad@chmail.ir

ص: ۲

تقدیم به:

یگانه منجی بشریت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همو که؛

اگر چه سینه ها لبریز فریاد است و روح و جان ما آلوده از ظلم و بیداد ولی به امید وی دست دعایمان به سمت آسمان رفته و روز جمعه دلها مان به سمت کعبه می چرخد... به این امید که پیش از رفتن خورشید از دروازه های شب طلوع دیگری جان جهان را آذین سازد.

ص: ۵

تشکر و قدردانی

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمّد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

براساس وظیفه شایسته است که:

از پدر و مادر عزیزم، این دو معلم بزرگوارم که همواره بر کوتاهی و درشتی من، قلم عفو کشیده؛ کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یآوری بی چشم داشت برای من بوده اند؛

و از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر دیاری که در کمال سعه صدر، با خوش خلقی و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نکردند و زحمت راهنمایی این پایان نامه را برعهده گرفتند؛

و همچنین از جناب حجت الاسلام والمسلمین نصرت الله آیتی (عضو هیئت علمی پژوهشکده آینده روشن) و حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی برای هدایت های علمی ایشان تشکر می کنم.

باشد که این کم ترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

فصل اول: روایات بیانگر کشتار و خونریزی در عصر ظهور (دیدگاه افراطی)

۱. روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور ۱۵

۱-۱. روایات صریح ۱۵

۱-۲. روایات غیر صریح ۲۱

۲. روایات مربوط به کشتار و خونریزی پس از ظهور ۲۳

۳. روایات مربوط به کشتار و خونریزی هنگام ظهور ۲۴

۳-۱. روایات ابوبصیر ۲۵

۳-۲. روایات ابوهریره ۳۲

۳-۳. روایات مفضل بن عمر ۳۵

۳-۴. روایات ابوجارود ۳۸

۳-۵. روایات مرفوعه، مرسل و غیر مسند ۴۱

۳-۶. روایات متفرقه ۵۸

پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی ۷۶

الف) جنگ ذات العیون (سال دوازده هـ - ق، زمان خلیفه اول ابوبکر) ۷۶

ب) کشتار هفتاد هزار نفر برای یک قسم (سال دوازده هـ - ق، زمان خلیفه اول ابوبکر) ۸۰

ج) کشتار سی هزار نفر در یک روز (سال ۱۲ هجری قمری، زمان خلیفه اول ابوبکر) ۸۱

د) کشتار یک صد هزار نفر را در یک روز (سال سیزده هـ - ق، زمان خلیفه دوم عمر) ۸۲

ه) کشتار چهل هزار نفر، در یک روز (سال ۱۴، زمان خلیفه دوم عمر) ۸۲

و) جنگ برای آب و غذا و غنیمت (سال چهارده هـ - ق، زمان خلیفه دوم عمر) ۸۴

ز) فتح همدان و کشته های بی شمار (سال ۲۷ هـ - ق، زمان خلیفه سوم عثمان) ۸۵

ح) پول بدهید، از شهرتان خارج می شویم (سال ۲۷ هـ - ق، زمان خلیفه سوم عثمان) ۸۶

ط) جنگ گرگان، همه را کشتند، جز یک نفر (سال سی هـ - ق، قمری، زمان خلیفه سوم عثمان) ۸۷

۴. یک شبهه و پاسخ به آن ۸۸

نتیجه گیری ۹۶

فصل دوم: انقیاد تام خلائق بدون هیچگونه خونریزی و کشتار (دیدگاه تفریطی)

۱. بیان و نقد روایاتی که این دیدگاه را بازگو و تقویت می کند ۱۰۰

۲. روایات متعارض و بیان دیدگاه صحیح ۱۰۲

نتیجه گیری ۱۰۵

فصل سوم: همسانی سیره حکومتی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (دیدگاه میانه)

۱. وحدت رویه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام ۱۰۸

۲. چگونگی رفتار امیرالمومنین علی علیه السلام با دشمنان ۱۱۱

۳. چگونگی مقابله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با دشمنان حقیقی ۱۱۵

نتیجه گیری نهایی ۱۱۸

ملحقات و ضمائم ۱۲۱

فهرست روایات ۱۲۲

اسامی و شرح حال تفصیلی راویان ۱۲۸

حال رجال در یک نگاه ۱۳۴

مبحث مهدویت، بحثی مشترک میان تمامی ادیان و مذاهب است و همگی منتظر یک منجی هستند که با آمدن وی تمامی جهان پر از عدل و داد شود. باید گفت در این میان دشمنان و فرصت طلبان نیز وارد این بحث مهم شده، هر کدام به فراخور حال خویش به این بحث بسیار مهم آسیب زده، آن را منحرف کرده و چهره قیام و عدالت فراگیر او را مخدوش ساخته اند.

از جمله مباحثی که در این میان بسیار مهم و قابل توجه است، اندیشه و ذهنیت رایج مسلمانان است. آنان بر این باورند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با چهره ای خشن ظهور می کند و با تکیه بر شمشیر و کشتار مخالفان خود به تشکیل حکومت و کسب قدرت موفق می شود. این ذهنیت و تصور از چهره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایاتی ریشه دارد که در این باره در برخی کتابها نوشته می شود و گاه بر روی منبرها برای مردم بازگو می گردد. به موجب پاره ای از این روایات، که از نظر سندی و متنی مشکل جدی دارند، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام ظهور چنان با خشونت و درشتی با مردم رفتار می کند و کشتار و خونریزی به راه می اندازد که بیشتر آنان آرزو می کنند ای کاش هرگز او را نبینند و عده ای دیگر نیز نسبت به ایشان دچار تردید می شوند و او را از آل محمد صلی الله علیه و آله نمی دانند.

در مقابل این دیدگاه برخی دیگر بر این باورند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام ظهور از راه ولایت و تصرف تکوینی همه خلایق را مطیع و مسخر خود می کند و کارها را با اعجاز و به صورت غیر عادی انجام می دهد؛ بنابراین اصلاً از کشتار و جنگ با مخالفان هیچ خبری نیست آن چنان که حتی به اندازه خونریزی حجامت هم خونی ریخته نمی شود و تمامی امور به آسانی و بدون هیچ زحمتی پیش می رود.

ما در این نوشتار بر آنیم که به نقد و بررسی این دو دیدگاه افراطی و تفریطی بپردازیم و یک دیدگاه میانه و درست از چهره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام ظهور و قیام به نمایش بگذاریم و به این نتیجه برسیم که روایاتی که این دو اندیشه نادرست را بیان می کنند، دچار مشکل سندی و محتوایی هستند؛ همچنین نشان دهیم که ظهور حضرت نه آن قدر با خونریزی و کشتار انجام می شود که از دیدگاه عقل و شرع بعید به نظر می رسد و نه آن چنان از جنگ با دشمنان به دور است که بتوان گفت همه کارها به آسانی و راحتی انجام می پذیرد بلکه از آن جا که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر رحمه للعالمین است و خواستار هدایت همه مردم می باشند، آنان را به سوی حق دعوت می کند اما به ناچار با دشمنان حقیقی خداوند که به هیچ وجه حق را نمی پذیرند و همواره خواستار سلطه جویی، قدرت طلبی و ظلم و ستم بر مردم هستند، وارد جنگ می شود تا آنها را از بین ببرد و زمین را از آلودگی وجود آنان پاک کند و عدل و عدالت را در همه زمین برقرار نماید.

با توجه به اینکه در برخی روایات مربوط به ویژگی ها و شرایط ظهور حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطالبی غیر واقعی و برساخته از دروغ به پیشوایان

معصوم دین نسبت داده شده است، زدودن غبار دروغ و افتراء از چهره احادیث مربوط به قیام مصلح کل و موعود آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پاسخگویی به شبهات و نیز بیان واقعیت های قیام براساس عدالت و معنویت آن حضرت، امری بایسته و ضروری می نماید.

هدف از انجام این تحقیق پاکسازی افکار درباره چهره قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خشونت و کشتار به چهره ای از عدل و داد و رأفت و ایجاد انگیزه و گرایش در مردم برای هرچه نزدیک تر شدن قیام و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

حال با توجه به این توصیفات این پرسش اصلی پیش می آید که:

- چگونه و با چه مبنا و معیاری می توان درستی روایاتی را که بیانگر قیام امام همراه با خشونت و کشتار است را شناسایی کرد؟

- مصادر و سندهای روایاتی که بر قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همراهی آن با شمشیر و خشونت دلالت می کند تا چه حد دارای اعتبار و قابل پذیرش هستند؟

- آیا دیدگاهی که قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بدون هیچگونه درگیری توصیف می کند، پذیرفتنی و قابل اثبات است؟

- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش از رویارویی و درگیری چه اقدامات اولیه ای برای هدایت و اصلاح مخالفان انجام می دهد؟

در مقام پاسخ به این پرسش ها می توان چنین فرضیاتی را ارائه و به بررسی آنها پرداخت:

- با معیار بررسی سند روایاتی که بیانگر قیام همراه با درگیری و کشتار افراطی است، مشخص می شود که این روایات دارای مشکل سندی و غیر قابل اعتماد هستند.

- اسناد و بعضی از منابع این روایات که بر قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همراهی آن با شمشیر و خشونت دلالت می کند، دچار تردید و ضعف است.

- روایاتی که بیانگر دیدگاه تفریطی هستند و قیام حضرت را بدون کوچکترین درگیری و کشتار معرفی می کنند، مشکل جدی سندی و دلالتی دارند و بی اعتبار می باشند.

- سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است؛ بنابراین رفتار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام رویارویی با مخالفان نیز پیرو سیره جد بزرگوارشان خواهد بود. قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه با جنگ و درگیری هایی است که پیش از آن هدایت و روشننگری انجام شده باشد؛ اما این جنگ ها به صورت افراطی و تفریطی که برخی روایات بیانگر آن است، انجام نمی گیرد.

و همچنین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام قیام با دشمنان حقیقی خدا، با آنان به طور قاطع برخورد می کند و با دوستان خدا رؤوف و مهربان است.

فصل اول: روایات بیانگر کشتار و خونریزی در عصر ظهور (دیدگاه افراطی)

اشاره

ص: ۱۳

اخبار و روایاتی که در آنها کشتار و خونریزی در حجم گسترده ای مطرح شده اند، به سه دسته تقسیم می شوند. دسته ای از آنها به ملاحم، فتن و خونریزی های پیش از ظهور مربوط می شود و به دوران ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ ارتباطی ندارد و تنها به اوضاع نابسامان جهان پیش از ظهور اشاره می کند که ممکن است برخی آن را به اشتباه به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده باشند.

دسته ای دیگر از این روایات به دوران پس از حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی دوران رجعت مربوط می باشد که باید گفت این مقوله هم با دوران ظهور و حکومت امام ارتباطی ندارد. در این جا توضیح یک نکته ضروری می نماید و آن این که ما در بیان روایات کشتار به هنگام رجعت در پی بررسی سندی و متنی آنها نیستیم و فقط این حقیقت روشن را بیان می کنیم که برخی از کشتارهایی که ممکن است به حضرت نسبت داده شود، مربوط به دوره رجعت است و هیچ ارتباطی به ایشان ندارد.

دسته آخر این روایات که در آنها کشتار در حجم وسیع مطرح شده است و مهم ترین و گسترده ترین بخش تحقیق ما را دربر می گیرد کشتارها و خونریزی های وسیع مربوط به هنگام ظهور و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که باید گفت این روایات از نظر سندی و متنی مشکل جدی دارند و برخی از آنها

با اغراض گوناگونی به کتاب های روایی وارد شده اند. این روایات نیز در ادامه خواهد آمد و به دقت نقد و بررسی خواهد شد.

پس از مروری کلی بر این سه دسته از روایات، هر یک از این دسته ها را به طور جداگانه بررسی می نمایم.

۱. روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور

اشاره

روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور به دو شکل است: گروهی از آنها به روشنی می گوید که پیش از روی دادن ظهور امام در جهان مرگ و کشتار زیاد است و گروهی دیگر از روایات بیانگر جنگ ها و قتل و غارت ها بین صنوف گوناگون همچون سفیانی و مخالفان وی می باشد که نشانگر کشتار و خونریزی گسترده پیش از ظهور است.

۱-۱. روایات صریح

ابتدا به بیان روایاتی می پردازیم که به طور صریح به کشتارها و خونریزی های وسیع پیش از ظهور اشاره می کند:

۱-۱-۱. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَيْضٌ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةٍ خَمْسَةُ الْمَوْتِ الْأَحْمَرِ السَّيْفُ وَالْمَوْتِ الْأَيْضِ الطَّاعُونَ. (۱)

سلیمان بن خالد گوید:

ص: ۱۵

۱- (۱) محمد بن علی، ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۶۵۵.

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو مرگ و میر عمومی رخ می دهد، یکی مرگ سرخ و دیگر مرگ سپید، تا به جایی که از هر هفت تن پنج تن برود. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سپید با طاعون است.

۱-۲. قَالَ عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى الرضا عليه السلام: «قَدَامَ هَذَا الْأَمْرَ قَتْلُ بِيُوحٍ». قُلْتُ: وَ مَا الْبِيُوحُ؟ قَالَ: «دَائِمٌ لَا يَفْتُرُ». (۱)

امام رضا علیه السلام فرموده:

پیش روی این امر (قیام حضرت) کشتاری بیوح می باشد. پرسیدم: بیوح چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: کشتاری وسیع و دائم که قطع نمی شود.

۱-۳. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُشَلِّمٍ قَالَا: سَمِعْنَا أَبَاعِبِدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثَلَاثُ [ثُلَاثًا] النَّاسِ. فَقِيلَ لَهُ: إِذَا ذَهَبَ ثَلَاثُ [ثُلَاثًا] النَّاسِ فَمَا يَبْقَى؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا الثُّلَاثَ الْبَاقِيَةَ. (۲)

ابوبصیر و محمد بن مسلم گویند از امام صادق علیه السلام شنیدیم که می فرمود:

این امیر واقع نشود تا آنکه دوسوم مردم از بین بروند، گفته شد: چون دوسوم مردم از بین بروند پس چه کسی باقی می ماند؟ فرمود: آیا دوست نمی دارید که شما آن ثلاث باقی باشید؟!

۱-۴. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّدَاءُ حَقٌّ؟ قَالَ: إِي وَ اللَّهِ حَتَّى يَسْمَعَهُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى

ص: ۱۶

۱- (۱) عبدالله بن جعفر، حمیری، قرب الاسناد، تحقیق موسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۷۰.

۲- (۲) ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۵-۶۵۶.

زراره گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم که آن آواز (آسمانی) حقیقت دارد؟ فرمود: آری به خدا قسم؛ چندان که هر قومی به زبان خودشان آن را می شنوند و فرمود: این امر نخواهد شد تا زمانی که نه دهم مردم از بین بروند.

۵-۱-۱. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الرَّازِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَيْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصْتِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟... ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ ذَلِكَ الطَّاعُونَ؛ الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ وَالطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَى شَيْءٍ هُمَا؟ فَقَالَ: أَمَّا الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ فَالْمَوْتُ الْجَارِفُ وَ أَمَّا الطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ. (۲)

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده؛ گوید:

به آن حضرت عرض کردم: فدایت کردم خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چه زمانی خواهد بود؟... سپس فرمود: ای ابامحمد ناگزیر پیش از وقوع آن، دو طاعون روی خواهد داد: طاعون سفید و طاعون سرخ، عرض کردم: فدایت کردم آن دو چه هستند؟ فرمود: [اما] طاعون سفید مرگ همه گیر و عمومی است و اما طاعون سرخ

ص: ۱۷

۱- (۱) نعمانی، محمدبن ابراهیم، غیبت نعمانی، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۲ ق، ص ۲۸۲-۲۸۳، ب ۱۴، ح ۵۴.

۲- (۲) نعمانی، محمدبن ابراهیم، غیبت نعمانی، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۲ ق، ص ۳۰۱، ب ۱۶، ح ۶.

۱-۱-۶. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ ابْنِ الْحَسَنِ الْجُعْفِيِّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَ يُصَبُّ بِئِهِمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ فَإِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ: وَ لَنْبَلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱).

ابوعبدالله عليه السلام فرمود:

ناچار باید پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سالی باشد که مردم در آن سال گرسنه بمانند و از دو ناحیه ترس و سختی آنان را فرا گیرد از کشتار و از کم بود ثروتها و جانها و میوه ها و این مطلب در کتاب خدا به طور روشن بیان شده است؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: علیه السلام وَ لَنْبَلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ ۲

۱-۱-۷. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَعْلَمِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَيْنَ يَدَيْ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرٍ وَ مَوْتُ أْبْيَضٍ وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرٌ كَالدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ

ص: ۱۸

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

پیشاپیش قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخی فصلی و ملخی غیر فصلی که همچون خون سرخ رنگ است، خواهد بود اما مرگ سرخ به وسیله شمشیر است و اما مرگ سفید یعنی طاعون.

۸-۱-۱. حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَمِينٍ، عَنْ كَيْسَانَ الزُّوَاسِيِّ الْقَصَّارِ، وَكَانَ ثِقَةً قَالَ: حَدَّثَنِي مَوْلَايَ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: لَا يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثَلَاثًا، وَيَمُوتَ ثَلَاثًا، وَيَبْقَى ثَلَاثًا. (۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نمی کند مگر اینکه یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم دیگر آن بمیرند و یک سوم آخر باقی بمانند.

۹-۱-۱. وَ عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَصَبِيِّ عَنْ أَبِي الْمُطَّلِبِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانِ الزَّاهِرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مَدِيحِ بْنِ هَارُونَ بْنِ سَعْدِ بْنِ سَعْدِ، قَالَ: سَمِعْتُ أبا الطُّفَيْلِ عَامِرَ بْنَ وَائِلَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِعُمَرَ... عُمَرُ وَ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا تَقُولُ، فَهَلْ لَكَ عَلَامَةٌ؟ قَالَ: نَعَمْ قَتْلُ فَطِيحٍ، وَ مَوْتُ سَرِيحٍ، وَ طَاعُونَ شَنِيعٍ، وَ لَا يَبْقَى مِنَ النَّاسِ فِي ذَلِكَ إِلَّا ثَلَاثُهُمْ. (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به سوال عمر که از ایشان پرسید آیا برای آن (خروج قائم) علامتی است؟ فرمود:

ص: ۱۹

۱- (۱) نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدی، ص ۲۸۶، ب ۱۴، ح ۶۱.

۲- (۲) نعیم بن حماد، مروزی، الفتن، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۹۵۹.

۳- (۳) خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، چاپ اول، بیروت، موسسه البلاغ، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۱-۳۲.

بلی، کشتاری وحشتناک و موتی سریع و طاعونی نفرت انگیز؛ و در آن زمان تنها یک سوم مردم باقی می ماند.

۱۰-۱-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقَدَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ ابْنِ الْحَسَنِ الْجَعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: ... لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ سَدِيدٍ [سَدِيدٍ] مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ وَفِتْنَةٍ وَبَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَطَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَسَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ... (۱)

امام باقر علیه السلام فرمودند:

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نمی کند مگر در حال ترس سخت مردم و زلزله ها و گرفتاری و بلایی که مردم را فرا می گیرد و پیش از آن طاعون و شمشیری برنده در میان عرب.

۱۱-۱-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقَدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَ سَعْدَانُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيُّ قَالُوا جَمِيعًا: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّزَادِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتُ وَ قَتْلٌ حَتَّى يَلْحِقَ النَّاسَ عِنْدَ ذَلِكَ إِلَى الْحَرَمِ فَيَنَادِي مُنَادٍ صَادِقٌ مِنْ شِدَّةِ الْقِتَالِ فِيهِمُ الْقَتْلُ وَ الْقِتَالُ؟ صَاحِبُكُمْ فَلَانٌ. (۲)

عبدالله بن سنان گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید:

ص: ۲۰

۱- (۱) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۱۳.

۲- (۲) همان.

مردم را مرگ و کشتاری فرا گیرد تا آن جا که مردم در آن حال به حرم پناه جویند، پس ندا کننده ای صادق از شدت کشتار آواز دهد: کشت و کشتار برای چیست؟ صاحب شما، فلانی است.

۱۲-۱-۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَقْمَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ قَيْسٍ وَ سَعْدَانُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيُّ قَالُوا جَمِيعًا: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ زِيَادِ الْخَارِقِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أُطُولُ مِنَ الْأُخْرَى فَقَالَ: نَعَمْ وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْتَلِفَ سَيْفُ بَنِي فُلَمانٍ وَ تَضَعُ بَيْتَ الْحَلْقَةِ وَ يَطْهَرُ الشُّمَيْزِيُّ وَ يَشْتَدُّ الْبَلَاءُ وَ يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتٌ وَ قَتْلٌ يَلْجَأُونَ فِيهِ إِلَى حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (۱)

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ابوجعفر علیه السلام می فرمود: قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف را دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر است. فرمود: آری و این کار نخواهد شد تا آنکه بنی فلان شمشیر به روی همدیگر بکشند و حلقه جنگ تنگ تر شود و سفیانی ظاهر شود و گرفتاری به شدت برسد، مردم را مرگی و کشتاری فرا گیرد که به حرم خدا و حرم رسولش صلی الله علیه و آله پناه برند.

۲-۱. روایات غیر صریح

دسته ای دیگر از احادیث بیانگر جنگ هاو کشتار گروه های مختلف از جمله سفیانی و... می باشد که می توان گفت این روایات به گونه ای کشتار زیاد پیش از

ص: ۲۱

ظهور (به طور غیر صریح) را نشان می دهد.

۱-۲-۱. حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ هِشَامِ الْمُعَيْطِيِّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ الْوَلِيدِ بْنِ عُقْبَةَ بْنِ أَبِي مُعَيْطٍ، سَمِعَ ابْنَ عَبَّاسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ فَيَقَاتِلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ، وَيَغْلِي الْأَطْفَالَ فِي الْمَرَاجِلِ. (۱)

ابن عباس گوید: سفیانی قیام می کند و چنان می جنگد تا آن جا که شکم زنان را می درد و کودکان را در دیگ های جوشاند.

۱-۲-۲. حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بْنُ نَافِعٍ، عَنْ جَرَّاحٍ، عَنْ أَرْطَاءَ، قَالَ: يَدْخُلُ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ فَيَسْبِيهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، وَيَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا سِتِّينَ أَلْفًا. (۲)

ارطاه گوید: سفیانی داخل کوفه می شود و سه روز آن جا را به بند می کشد و شش هزار نفر از اهالی آن جا را می کشد.

۱-۲-۳. حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بْنُ نَافِعٍ، عَنْ جَرَّاحٍ، عَنْ أَرْطَاءَ، قَالَ: يَقْتُلُ السُّفْيَانِيُّ كُلَّ مَنْ عَصَاهُ، وَيَنْشُرُهُمْ بِالْمَنَاشِيرِ وَيَطْبَحُهُمْ بِالْقُدُورِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ. (۳)

نیز ارطاه گوید: سفیانی هر کس را که با او به مخالفت پردازد می کشد و آن ها را ااره کرده و در دیگ های می جوشاند به مدت شش ماه.

۱-۲-۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّيْهَرِيُّ، عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ مَسْلَمَةَ، سَمِعَ ابْنَ أَبِي بَلِيْلٍ، يَقُولُ: يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمُرُ بِقَتْلِ كُلِّ مَنْ كَانَ فِيهَا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ حَتَّى الْحَبَالَى. (۴)

ص: ۲۲

۱- (۱) مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۸۸۹.

۲- (۲) همان، ص ۳۰۸، ح ۸۹۳.

۳- (۳) همان، ص ۹۴، ح ۲۲۳.

۴- (۴) همان، ص ۳۲۶، ح ۹۳۱.

روایت است که ابوقبیل گفته: سفیانی سپاهی را به سوی مدینه روانه می کند و به آنها دستور می دهد که هر کس در مدینه است را بکشند، حتی زنان باردار را.

۲. روایات مربوط به کشتار و خونریزی پس از ظهور

همانطور که پیش از این یادآور شدیم، دسته ای از روایات جنگ و کشتار نیز مربوط به دوران پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به اصطلاح دوران رجعت مربوط است و به دوران ظهور و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباطی ندارد که عبارتند از:

۱-۲. عَنْ رُفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرَهُ إِلَيَّ الدُّنْيَا الْحَسِينُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابُهُ وَيَزِيدُ بْنُ معاويةَ وَأَصْحَابُهُ فَيَقْتُلُهُمْ حَدُّو الْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ (۱).

امام صادق علیه السلام فرموده اند: همانا اولین کسی که به دنیا رجعت می کند، امام حسین علیه السلام به همراه یارانشان و یزید بن معاویه نیز به همراه یارانش می باشند، سپس امام علیه السلام آنها را موبه مو می کشد.

۲-۲. وَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ حَدَّثَنَا ابْنُ فَضَائِلٍ حَدَّثَنَا سَعْدُ الْجَلَّابُ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ: ... إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْفَعُ إِلَيَّ سَيْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَبْعَثُنِي إِلَى الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ وَ لَا آتِي عَلَيَّ عَدُوٌّ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَهُ... (۲)

ص: ۲۳

۱- (۱) عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر عیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، بی تا، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۲۳.

۲- (۲) راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، تصحیح موسسه امام مهدی، چاپ اول، قم، موسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۸۴۸، ح ۶۳.

امام صادق علیه السلام فرمود که امام حسین علیه السلام به اصحابش فرمودند: همانا امیرالمومنین علیه السلام شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من می سپرد و مرا به شرق و غرب می فرستد. و من به دشمنی بر نمی خورم تا اینکه خون او را می ریزم.

۲-۳. قَالَ جَابِرٌ: قَالَ ابُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَبِّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ قَالَ: هُوَ أَنَا إِذَا خَرَجْتُ أَنَا وَشِيعَتِي، وَ... وَنَقُتِلُ بَنِي أُمِّيَّةَ، فَعِنْدَهَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ. (۱)

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: همانا مراد من هستم هنگامی که من و شیعیانم قیام کنیم... و بنی امیه را می کشیم، آن هنگام کسانی که کفر ورزیده اند، آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند.

نکته

چنانکه آمد، برخی روایات جنگ و کشتار مربوط به زمان پیش و پس از دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که برخی به اشتباه این کشتارها را نیز به حضرت نسبت داده، چهره ای خشن تر از ایشان نشان می دهند اما بررسی این روایات نشان می دهد که نباید این کشتارها را به اشتباه به ایشان نسبت داد.

۳. روایات مربوط به کشتار و خونریزی هنگام ظهور

اشاره

در این بخش به بیان روایاتی می پردازیم که به دوران ظهور و حکومت حضرت بقیه الله علیه السلام اشاره دارد و در آنها چهره ای خشن و خونریز از حضرت به

ص: ۲۴

نمایش گذاشته شده است. البته خواهیم دید که این روایات از نظر سندی مشکل جدی دارد و در اسناد آنها راویان دروغگو، غالی و ناشناخته وجود دارد که در ادامه به بررسی و نقد آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱. روایات ابوبصیر

۳-۱-۱. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ (قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ) عَنْ أَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصِيرٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدِ الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفُ لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. (۱)

ابوبصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: آن قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، به امری نوین و کتابی تازه و قضایی جدید قیام خواهد نمود، بر عرب سخت گران است (یا سخت خواهد گرفت) او را کاری جز با شمشیر نیست، توبه هیچ کس را نمی پذیرد، و در کار خدا از ملامت هیچ شخص خرده گیری باک ندارد.

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن علی کوفی وجود دارد که وی فردی بسیار بدنام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند. این شخص در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می زیسته و از معاصران فضل بن شاذان بوده است. فضل بن شاذان از بزرگان روات شیعه و مورد توجه امام حسن عسکری علیه السلام می باشد؛ این مرد بزرگوار در وصف محمد بن علی کوفی می گوید:

ص: ۲۵

۱- (۱) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، صفحه ۲۳۸، ب ۱۳، ح ۱۹.

«رجل كذاب: او مردی بسیار دروغگوست. همچنین فضل در مورد وی گفته است: كِدْتُ أَقْنْتُ عَلَيْهِ: نزدیک بود در قنوت نماز لعن و نفرینش کنم.» (۱)

۲-۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ ابْنِ الْحَسَنِ الْجُعْفِيِّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: ... إِذَا خَرَجَ يَوْمَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَسُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ وَ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلُ لَا يَسْتَبْقَى أَحَدًا وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنَّهُمْ... (۲)

هنگامی که آن حضرت خروج کند، با امری نوین و فرمانی جدید و طریقه ای نو و حکمی تازه قیام خواهد کرد، بر عرب سخت گران است، او را کاری جز کشتار نباشد، و هیچ یک را باقی نگذارد و در راه خدا سرزنش هیچ ملامت کننده ای او را تحت تأثیر قرار نمی دهد...

بررسی روایت

در سند روایت علی بن ابی حمزه بطائنی وجود دارد، این مرد یکی از سران و بزرگان واقفیه است. (۳)

شیخ طوسی نیز به واقفی بودن وی اشاره می کند. (۴) ابن غضائری نیز او را مورد

ص: ۲۶

۱- (۱) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش، ص ۵۴۶.

۲- (۲) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۱۳.

۳- (۳) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، چاپ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ۱۳۶۵ ش، ص ۲۵۰.

۴- (۴) محمد بن حسن، الفهرست، ۱ جلد، تصحیح جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهه، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۸۳.

لعن قرار داده است. (۱) بنا بر این ویژگی ها، این راوی نمی تواند مورد اعتماد باشد. همچنین حسن بن علی بن ابی حمزه از دیگر راویان این روایت نیز فردی دروغگو و غالی (۲) است. (۳)

۳-۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ ابْنَ الْحَسَنِ الْجَعْفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ وَ قُرَيْشٍ إِلَّا السَّيْفُ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفُ وَ مَا يَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ اللَّهُ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الشَّعِيرُ الْجَشِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ. (۴)

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند میان او و عرب و قریش جز شمشیر چیزی نخواهد بود، از آنان چیزی دریافت نخواهد کرد جز شمشیر و چرا شما به فرا رسیدن زمان خروج قائم شتاب می کنید، به خدا قسم لباس او جز جامه درشت و خوراکش جز نان جوین نامطبوع نخواهد بود، و جز شمشیر چیزی در کار نیست و مرگ در سایه

ص: ۲۷

۱- (۱) واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، ۱ جلد، تحقیق سید محمد رضا جلالی، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق، ص ۸۳

۲- (۲) غالی: کسانی هستند که در مقام ائمه علیهم السلام غلو نموده، ایشان را تا سر حد مقام الوهیت رسانده اند (ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد شهرستانی، الملل و النحل، تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۲ ق، ج ۱، ص ۱۷۳)

۳- (۳) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۴۴۳.

۴- (۴) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۹، ب ۱۳، ح ۲۱.

شمشیر است. (جز شمشیر و مرگ در سایه آن چیزی در کار نیست)

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که شرح حال وی گذشت. اما دیگر راوی ضعیف این سند حسن بن علی بن ابی حمزه است که وی شخصی بسیار ضعیف، دروغگو و غالی است (۱) و علامه حلی در خلاصه الاقوال، وی را واقفی می داند. (۲)

۳-۱-۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِيُّ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبُرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) ۳ فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ وَ لَّا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَّا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرِهِ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ! فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرْنِي وَ أَقْتُلْهُ. (۳)

ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر این قول خدای تعالی هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى

ص: ۲۸

۱- (۱) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۴۴۳.

۲- (۲) حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، تصحیح سید محمد صادق بحر العلوم، چاپ دوم، قم، مکتبه الرضی، ۱۳۸۱ ق، ص ۲۱۳.

۳- (۳) ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰، ب ۵۸، ح ۱۶.

الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَرِهُوا الْمُشْرِكُونَ فرمود: به خدا سوگند تاویل این آیه هنوز نازل نشده است و نازل نخواهد شد تا آنکه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند و چون خروج کرد کافران به خدای عظیم و مشرکان به امام را ناخوش آید و اگر کافر یا مشرکی در دل صخره ای باشد، آن صخره گوید: ای مؤمن! در دل من کافری است آن را بشکن و او را بکش.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که ویژگیهایش پیش از این بیان شد.

۳-۱-۵. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصْتِيرٍ فِي قَوْلِهِ (... أَنَّهُلَهُمْ رُؤُوسًا) لَوْ قَتَلَ بَعْثَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَنْتَقِمَ لِي مِنَ الْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِيَةِ - مِنْ قُرَيْشٍ وَبَنِي أُمَيَّةَ وَ سَائِرِ النَّاسِ. (۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند که این (مهلت) برای زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ پس انتقام مرا از زورگویان و طاغوت قریش و بنی امیه و سائر مردم دیگر می گیرد.

بررسی روایت

در سند روایت علی بن ابی حمزه و حسن بن علی بن ابی حمزه وجود دارد که شرح حال هر دو پیش از این بیان شده.

۳-۱-۶. عَنْهُ (فَضْلُ بْنُ شَاذَانَ) عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ

ص: ۲۹

عَلِيٌّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي حَدِيثٍ لَهُ اخْتَصَرْنَاهُ قَالَ: ... ثُمَّ يَتَوَجَّهُ إِلَى الْكَوْفَةِ فَيُنزِلُهَا وَ تَكُونُ دَارُهُ وَ يُبْهَرُجُ سَبْعِينَ قَبِيلَةً مِنْ قَبَائِلِ الْعَرَبِ؛ (۱)

... سپس قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف به سوی کوفه می رود و در آن جا سکنی می گزیند و آن جا منزلش میشود و هفتاد قبیله از قبائل عرب را می کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که پیش از این درباره او گفته شد. (۲)

۷-۱-۳. وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنُّنٌ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ... قُلْتُ: وَ مَا سُنُّهُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؟ قَالَ: إِذَا قَامَ سَارَ بِسِيرِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ آثِمَارَ مُحَمَّدٍ وَ يَضَعُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرْجًا هَرْجًا حَتَّى رَضِيَ اللَّهُ قُلْتُ: فَكَيْفَ يَعْلَمُ رِضَا اللَّهِ؟ قَالَ: يُلْقَى اللَّهُ فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ. (۳)

ابوبصیر گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: «در صاحب این امر روشها و شیوه هایی از چهار پیامبر است... پس عرض کردم: سنت محمد صلی الله علیه و آله کدام است؟ فرمود: چون قیام کند، همچون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار خواهد کرد، جز اینکه او آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله را

ص: ۳۰

۱- (۱) طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق، ص ۴۷۵.

۲- (۲) رک: ص ۱۷.

۳- (۳) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۱۶۸، ب ۱۰، ح ۵.

روشن می سازد و شمشیر برگردن خویش حمایل ساخته، هشت ماه به شدت کشت و کشتار می کند تا اینکه خدا راضی شود، پرسیدم: چگونه از رضایت خاطر خداوند آگاه می گردد؟ فرمود: خداوند به دل او رحمت می اندازد».

بررسی روایت

در سند روایت حسن بن علی بن ابی حمزه وجود دارد که پیش از این توصیف شد. این روایت افزون بر مشکل سندی از نظر متنی نیز مشکل دارد؛ زیرا مضمون آن با روایات درستی که سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را همان سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می دهد و ایشان را همچون پیامبر صلی الله علیه و آله مظهر رحمت معرفی می کند، مخالف است.

۸-۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنُ شَيْبَانَ عَنْ يُونُسَ بْنِ كَلَيْبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ هَرَجًا فَأَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِنِي شَيْبَةَ فَيَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ وَ يُعَلِّقُهَا فِي الْكَعْبَةِ وَ يُنَادِي مُنَادِيَهُ هُوَ لَاءِ سُرَّاقِ اللَّهِ ثُمَّ يَتَنَاوَلُ قُرَيْشًا فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ. (۱)

ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ... و هشت ماه شمشیر برهنه بر دوش دارد و بی باکانه می کشد، نخستین مرحله شروعش با بنی شبیه است (پرده داران خانه کعبه) پس دستهای ایشان را می برد و آنها را در کعبه می آویزد و منادی آن حضرت اعلام می کند: اینان دزدان خدایند، سپس به قریش می پردازد، از ایشان جز شمشیر دریافت نمی کند و به ایشان جز شمشیر ارزانی نمی دارد.

ص: ۳۱

در سند روایت یونس کلیب وجود دارد که وی فردی ناشناخته است، همچنین حسن بن علی و پدرش دو تن از روایت بسیار ضعیف و واقفی مذهب هستند که ویژگی هایشان بیان شد.

۲-۳. روایات ابوهریره

تعداد دیگری از این روایات ضعیف از فردی به نام ابوهریره نقل شده است. یکی از مسائلی که بسیاری از علمای رجال اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند، این است که ابوهریره مدلس (۱) بود و سخنی که از دیگران می شنید را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می داد. ذهبی از بزرگترین رجالیون اهل سنت در شرح حال ابوهریره می نویسد:

قال يزيد بن هارون: «سَمِعْتُ شُعْبَةَ يَقُولُ: كَانَ أَبُو هُرَيْرَةَ يَدْلِسُ (۲)». ابوهریره تدلیس می کرد.

همچنین ابن ابی الحدید به نقل از استادش ابو جعفر اسکافی می نویسد: «عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: أَلَا إِنَّ أَكْذَبَ النَّاسِ - أَوْ قَالَ: أَكْذَبَ الْأَحْيَاءِ - عَلِيٌّ رَسُولَ اللَّهِ أَبُو هُرَيْرَةَ الدَّوسِيُّ». از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود: آگاه باشید

ص: ۳۲

۱- (۱) تدلیس: عملی که راوی خواسته است با دست بردن در حدیث عیبی که در سند حدیث است را مخفی کند (محمدرضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ۱ جلد، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، ص ۳۸).

۲- (۲) ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، چاپ سوم، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۶۰۸.

که دروغگوترین مردم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوهریره می باشد. (۱)

اکنون به ذکر روایاتی که از این شخص نقل شده، می پردازیم:

۱-۲-۳. حَدَّثَنَا ابُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي النَّضْرِ، حَدَّثَنَا ابُو النَّضْرِ قَالَ: حَدَّثَنِي الْمُرَجِّيُّ بْنُ رَجَاءِ الْيَشْكُرِيُّ، حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ هِلَالٍ، عَنْ بَشِيرِ بْنِ نَهِيكٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابا هُرَيْرَةَ، يَقُولُ: حَدَّثَنِي خَلِيلِي ابا الْقَاسِمِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَضْرِبُهُمْ حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى الْحَقِّ». قَالَ: قُلْتُ: وَكَمْ يَكُونُ؟ قَالَ: «خَمْسٌ، وَاثْنَانِ». قَالَ: قُلْتُ: مَا خَمْسٌ وَاثْنَانِ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي. (۲)

ابوهریره می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت برپا نمی شود تا اینکه مردی از اهلیت من به سوی آنها قیام می کند، سپس آن قدر آنها را می زند تا اینکه به سوی حق باز گردند. می گوید که گفتم: که چه قدر می باشد؟ فرمود: پنج و دو. گفتم: پنج و دو چیست؟ فرمود: نمی دانم.

۲-۲-۳. عُنْدَرُ، عَنْ شُعْبَةَ، عَنْ سِمَاكِ، عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: وَبِئْسَ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ: إِمَارَةُ الصَّبِيَّانِ؛ إِنْ أَطَاعُوهُمْ أَذْخَلُوهُمْ النَّارَ، وَإِنْ عَصَوْهُمْ ضَرَبُوا أَعْنَاقَهُمْ؛ (۳)

وای بر حال عرب از بدی و شری که نزدیک شده است: زمامداری کودکان؛ اگر آنها را اطاعت کنند، ایشان آنها را به

ص: ۳۳

۱- (۱) عبد الحميد بن هبه الله، ابن أبي الحديد، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۶۸.

۲- (۲) تمیمی، ابی یعلیٰ موصل احمد بن علی، مسند ابی یعلیٰ، تحقيق حسين سليم اسد، چاپ اول، دمشق، دارالمأمون للتراث، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۲، ص ۱۹، ح ۶۶۶۵.

۳- (۳) ابوبکر عبدالله بن محمد، ابن ابی شیبہ، المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقيق کمال يوسف الحوت، چاپ اول، الرياض، مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۴۶۱، ح ۳۷۲۳۶.

آتش وارد می کنند و اگر عصیان و نافرمانی کنند، گردن آنها را می زنند.

۳-۲-۳. حَدَّثَنَا ابْنُ تَمِيمٍ عَنْ حَنْظَلَةَ قَالَ: سَمِعْتُ سَالِمًا قَالَ سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُفْبِضُ الْعِلْمُ وَ يَطْهَرُ الْفِتْنُ وَ يَكْثُرُ الْهَرْجُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا الْهَرْجُ؟ قَالَ: الْقَتْلُ. (۱)

ابوهریره می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر حال عرب از بدی و شری که نزدیک شده است، علم کم میشود و هرج زیاد می شود. گفتم: ای رسول خدا هرج چیست؟ فرمود: همان قتل و کشتار است.

۳-۲-۴. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا تَقَوْمُ السَّاعَةِ حَتَّى يُقَابِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ فَيَقْتُلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ حَتَّى يَخْتَبِيَ الْيَهُودِيُّ وَرَاءَ الْحَجَرِ أَوْ الشَّجَرِ فَيَقُولُ الْحَجَرُ أَوْ الشَّجَرُ: يَا مُسْلِمُ! يَا عَبْدَ اللَّهِ! هَذَا يَهُودِيٌّ خَلَفِي فَتَعَالَ فَاقْتُلْهُ إِلَّا الْغُرْقَدَ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ الْيَهُودِ؛ (۲)

قیامت برپا نمی شود تا اینکه مسلمانان با یهودیان به جنگ پردازند، سپس مسلمانان به کشتار آنها می پردازند به طوریکه یهودیان پشت سنگ یا درخت پنهان می شوند، سپس آن سنگ یا درخت می گوید: ای مسلمان ای بنده خدا، همانا این یهودی است که پشت من پنهان است؛ پس بیا و او را بکش به جز غرقد (۳)، زیرا که آن درخت از یهودیان است.

ص: ۳۴

۱- (۱) شبیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالفکر، بیتا، ج ۳، ص ۵۳۶.

۲- (۲) همان، ج ۲، ص ۴۱۷.

۳- (۳) غرقد: درخت بزرگی است که از خانواده بوته های خاردار است. (محمد بن مکرّم، ابن منظور، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۳۵).

۳-۲-۵. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ يَعْنِي ابْنَ زَكَرِيَّا عَنْ سَهَيْلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَعُودَ أَرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا وَأَنْهَارًا وَحَتَّى يَسِيرَ الرَّازِكُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَمَكَّةَ لَا يَخَافُ إِلَّا ضَلَالَةَ الطَّرِيقِ وَحَتَّى يَكْثُرَ الْهَزْجُ. قَالُوا: وَمَا الْهَزْجُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْقَتْلُ. (۱)

ابوهریره گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت برپا نمی شود تا اینکه زمین عرب به مرغزارها و رودها تبدیل شود و تا اینکه سواره ای بین عراق و مکه سیر نمیکند و از چیزی نمیترسد مگر از گم شدن در راه و تا اینکه هرج زیاد شود. گفتند: ای رسول خدا هرج چیست؟ فرمود که قتل است.

یک اشکال و پاسخ:

ممکن است اشکال شود که با توجه به وجود کلمه «الساعة» در روایات پیشین، این روایات به قیامت مربوط است و به دوران ظهور امام ربطی ندارد؛ اما در پاسخ می گوئیم که در متن روایت آمده است که این قتل و کشتار پیش از برپایی قیامت است و مسلماً دوران ظهور حضرت نیز از مصداق های آشکار پیش از قیامت می باشد. همچنین عنوان این روایات در کتاب های حدیثی (بلاد العرب فی عصر ظهور الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است.

۳-۳. روایات مفضل بن عمر

مفضل بن عمر کسی است که هم مدح او را گفته اند و هم مورد طعن و سرزنش قرار گرفته؛ شیخ مفید درباره وی می گوید: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح می باشد ولی نجاشی درباره او می گوید: او

ص: ۳۵

فردی فاسد المذهب و مضطرب الروایه است؛^(۱) اما بنا بر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم می باشد.^(۲) بنابراین وی فردی غیر قابل قبول است.

۳-۳-۱. وَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا عَلَامَةُ الْقَائِمِ؟ قَالَ: إِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَكَ فَقِيلَ: مَاتَ أَوْ هَلَكَ؟ فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: لَا يَطْهَرُ إِلَّا بِالسَّيْفِ....^(۳)

مفضل بن عمر گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نشانه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟ فرمود: آنگاه روزگار گردش کند و گویند: او مرده یا هلاک شده؟ در کدامین سرزمین می گردد (به سر می برد)؟ عرض کردم: فدایت شوم سپس چه خواهد شد؟ فرمود: ظهور نمی کند مگر با شمشیر».

بررسی روایت

در سند این روایت افزون بر مفضل بن عمر، محمد بن علی کوفی وجود دارد که وی نیز شخصی ضعیف است و شرح حالش پیش از این بیان شده است.

۳-۳-۲. أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ رَبَاحٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَطَّانِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفْضَلِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ

ص: ۳۶

۱- (۱) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۱۶.

۲- (۲) رک: کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۳- (۳) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۱۵۹، ب ۱۰، ح ۱۹.

فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ مُنْذُ يَوْمٍ وُلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ لَا يُطْفَأُ. (۱)

مفضل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: «همانا صاحب این امر را خانه ای است که بدان «خانه حمد» گویند، در آن جا چراغی است که روشنی می بخشد و از آن هنگام که (صاحب امر) زاده شده تا روزی که با شمشیر قیام کند، خاموش نخواهد شد».

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر مفضل، روایان ضعیف دیگری همچون ابن ابی حمزه و حسن بن علی بن ابی حمزه هستند که درباره آنها پیش از این سخن به میان آمد.

۳-۳-۳. حمدویه قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاعَبِدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِكَذَابِي الشَّيْعَةَ فَقَتَلَهُمْ؛ (۲)

چنانچه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، ابتدا به دروغگویان شیعه می پردازد و آنها را به قتل می رساند.

نکته

آنچه با عقل به نظر می رسد این است که کشتن هر دروغگویی درست به نظر نمی رسد و با سیره حضرت سازگاری ندارد، زیرا امام مظهر رحمت است؛ بنابراین ابتدا روشنگری کرده، سپس وارد جنگ می شود و ناهلان را از بین می برد.

۳-۳-۴. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ، عَنْ حَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ، عَنْ حَفْصِ بْنِ عُمرِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُسَيْنِ بْنِ عَجَلَانَ، عَنْ مُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَاعَبِدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

ص: ۳۷

۱- (۱) همان، ص ۲۴۵، ب ۱۳، ح ۳۱.

۲- (۲) محمد بن حسن، طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۹۹، ش ۵۳۳.

(وَلَنَذِيْقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ) ۱ قَالَ: «الْأَذْنَى غِلَاءُ السَّعْرِ، وَالْأَكْبَرُ الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ» (۱).

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: عذاب ناچیزتر گرانی و بالارفتن قیمت هاست و اما عذاب بزرگتر (قیام) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با شمشیر.

۴-۳. روایات ابوجارود

دیگر راوی ضعیفی که در اسناد این روایات ضعیف وجود دارد، فردی به نام ابوجارود است، که مذهب زیدیه دارد. (۲) امام باقر علیه السلام به این فرد نسبت سرحوب را داده است. سرحوب نام شیطانی کور است که در دریا زندگی می کند. (۳)

۱-۴-۳. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمْرَانَ الْمَدَائِنِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: فَيَضَعُ السَّيْفَ فِيهِمْ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ عَشِيَّةَ الْاِثْنَيْنِ مِنَ الْعَصْرِ إِلَى الْعِشَاءِ، فَيَقْتُلُهُمْ أَسْرَعَ مِنْ جَزْرِ جَزُورٍ، فَلَا يَنْفُتُ مِنْهُمْ رَجُلٌ، وَلَا يُصَابُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَحَدٌ، دِمَاؤُهُمْ قُرْبَانٌ إِلَى اللَّهِ. ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ مُقَاتِلَيْهَا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ)... وَ يَفْتُحُ اللَّهُ عَلَيْهِ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا، يُقْتَلُ النَّاسُ حَتَّى لَا يَرَى إِلَّا دَيْنُ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله). (۴)

ص: ۳۸

۱- (۲) ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تاویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، تحقیق فارس تبریزیان، چاپ اول، قم، الهادی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۴۲، ح ۲۲۵.

۲- (۳) طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۰۴.

۳- (۴) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۲۹.

۴- (۵) طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، چاپ سوم، قم، مکتبه الرضی، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۴۱، ح ۴۳۵.

ابوجارود به نقل از امام صادق علیه السلام می گوید: سپس شمشیر را بر روی آنها می کشد تا پشت کوفه از عصرگاه دوشنبه تا شامگاه، سپس آنها را سریع تر از ذبح کردن حیوان قربانی می کشد، سپس هیچ یک از مردان ایشان طوری نمی شود، همانا خونهای آنها قربانی برای خداست. سپس به کوفه داخل می شود و آن قدر از سپاه آن جا را می کشد تا خدا راضی شود... و خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و آن قدر از مردم می کشد که جز دین محمد باقی نمی ماند.

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر ابوجارود، علی بن اسباط کوفی نیز وجود دارد که وی در آغاز فردی فطحی بوده است. (۱) اما در اینکه آیا او از مذهب فطحی به سوی حق بازگشته یا خیر اختلاف است.

۲-۳-۴. (مرسلاً) وَ رَوَى ابُو الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّهُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرُجُ مِنْهَا بِضَعَةِ عَشْرٍ أَلْفَ نَفْسٍ يُدْعَوْنَ الْبُتْرِيَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَيَقُولُونَ لَهُ ارْجِعْ مِنْ حَيْثُ جِئْتَ فَلَمَّا حَاجَهُ لَنَا فِي بَنِي فَاطِمَةَ فَيَضَعُ فِيهِمُ السَّيْفَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ بِهَا كُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَيَهْدِمُ قُصُورَهَا وَيَقْتُلُ مُقَاتِلَتَهَا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ عَلَا. (۲)

ابوجارود از امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کند که فرمود: چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند بسوی کوفه رهسپار شود، پس

ص: ۳۹

۱- (۱) طوسی، محمدبن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۶۲.

۲- (۲) محمدبن نعمان، مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص ۳۶۴.

متجاوز از ده هزار نفر از آن جا بیرون آیند که آنها را بتریه (۱) گویند و همگی سلاح جنگ بر تن دارند، و گویند: از همان جا که آمده ای بازگرد که ما نیازی به اولاد فاطمه نداریم، آن جناب شمشیر در ایشان نهد تا همه آنان را نابود سازد، سپس داخل کوفه شود و هر منافق دو دلی را بکشد، و قصرهای آن جا را ویران کند و جنگجویانش را بکشد تا خدای عزوجلّ خوشنود گردد.

بررسی روایت

علاوه بر وجود ابوجارود در سند، این روایت مرسل نیز می باشد.

۳-۴-۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ جُمُهَورٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهَورٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ سَلِيمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ أَبِي الْجَزَّارِودِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ الْهَمْدَانِيِّ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبِى ابْنِ خَيْرِهِ الْأَمَاءِ يَعْزِي الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسُومُهُمْ خَسْفًا وَ يَسْقِيهِمْ بِكَأْسٍ مُصَبَّرَةٍ وَ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرْجًا فَعِنْدَ ذَلِكَ تَتَمَنَّى فَجْرَهُ قُرَيْشٍ لَوْ أَنَّ لَهَا مُفَادَاةً مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لِيُغْفَرَ لَهَا لَا نَكْفُ عَنْهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ. (۲)

حارث بن عبد الله أعرور همدانی گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «پدرم فدای فرزند برگزیده کنیزان - یعنی قائم فرزندان عجل الله تعالی فرجه الشریف - که آنان را خوار می سازد و جام شرنگک به ایشان می نوشاند و به آنان جز شمشیر خونریز مرگ آفرین نخواهد داد، پس در این هنگام زشتکاران قریش آرزو می کنند که ای کاش دنیا و هر آنچه در آن است، از آن ایشان بود و آن را فدا می دادند تا گناهانشان

ص: ۴۰

۱- (۱) بتریه: یک دسته از زیدیه هستند که به کثیرالنواء منسوبند و او معروف به اَبتر بوده است (ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۶۱).

۲- (۲) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۴-۲۳۵، ب ۱۳، ح ۱۱.

بخشوده شود ولی دست از ایشان برنخواهیم داشت تا آنکه خداوند راضی شود».

بررسی روایت

این روایت مهمل (۱) نیز می باشد، زیرا یکی از روات سند به نام قاسم بن ولید همدانی نه اسمش در کتب رجالی موجود است و نه ویژگی های وی، همچنین محمد بن حسن بن جمهور که بنابر نظر آیت الله خویی همان محمد بن جمهور است (۲)، شخصی فاسدالمذهب و ضعیف است. (۳)

۵-۳. روایات مرفوعه، مرسل و غیر مسند

دسته دیگری از این روایات ضعیف از احادیث مرفوع (۴)، مرسل (۵) و غیر مسند است که در اصطلاح برخی از این دسته احادیث، روایاتی هستند که از وسط یا آخر سلسله سند آن یک یا چند نفر از راویان افتاده باشند، ولی راوی تصریح به رفع نماید و برخی دیگر روایاتی هستند که در سند آنها الفاظ مبهمی چون عن رجل و... به کار رفته است که اینها باعث ضعف این روایات گردیده و آنها را غیر قابل اعتماد می کند. اکنون به بیان و بررسی این روایات می پردازیم:

ص: ۴۱

۱- (۱) مهمل: حدیثی است که در سلسله سند آن، نام برخی از راویان در کتب رجالی ذکر نشده باشند (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۸۸).

۲- (۲) موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ سوم، قم، مدینه العلم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۵، ص ۱۷۸

۳- (۳) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۳۷.

۴- (۴) مرفوع: حدیثی که از وسط یا آخر سلسله سند آن یک یا چند نفر از راویان افتاده باشند لکن راوی تصریح به رفع نماید. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۵۸).

۵- (۵) مرسل: روایتی که در سند آن افتادگی بیش از یک نفر رخ داده باشد (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۸۰).

۱-۳-۵. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... فَيَكْبُرُ الْمُسْلِمُونَ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، فَتَكُونُ كَالرَّمْلَةِ عَلَى نَشْزٍ فَيَدْخُلُونَهَا، فَيَقْتُلُونَ بِهَا خَمْسَ مَائَةِ أَلْفِ مُقَاتِلٍ، وَيَقْتَسِمُونَ الْأَمْوَالَ، حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ فِي الْفَيْءِ شَيْئًا وَاحِدًا، لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ مِائَةُ أَلْفِ دِينَارٍ، وَمِائَةُ رَأْسٍ، مَا بَيْنَ جَارِيَةٍ وَغِلَامٍ؛ (۱)

... پس مسلمانان، سه تکبیر می گویند و مانند ریگ و شن های روانی که از بلندی ها فرو می ریزند، داخل [روم] می شوند و در آن جا، پانصد هزار جنگجو را می کشند و غنائم و اموال را به طور مساوی تقسیم می کنند، و به هر یک از آنان، صد هزار دینار و صد کنیز و یا غلام می رسد.

بررسی روایت

این روایت مرسل است. افزون بر مشکل سندی از نظر محتوا و مضمون نیز قابل اعتماد نیست. آشکار است که جاعلان اینگونه احادیث در خدمت حکومت های جائر بوده اند و برای توجیه پاره ای جنگ های پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قتل عام ها و کشتارهای زیادی که انجام شد، این چنین مجعولاتی را به کتاب های روایی وارد کرده اند.

۲-۳-۵. وَ فِي حَدِيثِ مُقَاتِلٍ عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... يَا وَلَدِي، يَا عَلِيُّ! وَاللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمُهْدِيَّ فَيَقْتُلَ عَلِيَّ دَمِي مِنَ الْمُتَنَافِقِينَ الْكُفْرَةَ الْفَسَقَةَ سَبْعِينَ أَلْفًا. (۲)

ص: ۴۲

۱- (۱) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، چاپ اول، قم، مسجد مقدس جمکران - نصاب، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۸۹-۱۹۱ ب ۹، ف ۱.

۲- (۲) ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، چاپ اول، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۸۵.

امام حسین علیه السلام به امام سجاد علیه السلام فرمودند: ای فرزندم ای علی جان! به خدا سوگند همانا خون من آرام نمی گیرد (همواره می جوشد) تا اینکه خدا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را برانگیزد و به انتقام خون من هفت هزار نفر از منافقان کافر فاسق را بکشد.

بررسی روایت

این روایت نیز مرسل بوده و قابل اعتماد نیست.

۳-۵-۳. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ: لَوْ قَدِ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِالَّذِينَ يَنْتَحِلُونَ حُبَّنَا، فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر قائم علیه السلام قیام کند، ابتدا از کسانی شروع می کند که به دروغ ادعای محبت ما را دارند، پس گردن آنها را می زند.

بررسی روایت

این روایت نیز مرسل بوده و قابل اعتماد نیست.

۴-۵-۳. مَا رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى جِدِّي أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيِّ عَنِ ابْنِ هَمَّامٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِيَّاحٍ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ أَبَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِالسَّنْدِيِّ نَقَلْنَاهُ مِنْ أَصِيلِهِ قَالَ... قَالَ (أَبَا عَبْدِ اللَّهِ): ... كَأَنِّي وَاللَّهِ صُفْرُ الْقَدَمَيْنِ حَمْسُ السَّاقَيْنِ ضَحْمُ الْبُطْنِ رَقِيقُ الْعُنُقِ ضَحْمُ الرَّأْسِ عَلَى هَذَا الرُّكْنِ وَأَشَارَ

ص: ۴۳

بِيَدِهِ إِلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ يَمْنَعُ النَّاسَ مِنَ الطَّوَافِ حَتَّى يَتَذَعَّرُوا مِنْهُ قَالَ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ لَهُ رَجُلًا مِّنِّي وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ فَيَقْتُلُهُ قَتْلَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَانِ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: پس خداوند مردی را از خاندان من بر می انگیزد (و با دستانش به سینه اش اشاره کرد) پس او را همچون کشتن قوم عاد و ثمود و فرعون دارنده میخ ها می کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت لفظ مبهم «جماعه» وجود دارد که باعث ارسال و ضعف آن گردیده است، افزون بر آن احمد بن رباح در کتب رجال توصیف و توثیق نشده است؛ بنابراین این حدیث مجهول نیز می باشد.

۵-۳-۵. به (حَدَّثَنَا أَبُو سَلَيْمَانَ أَحْمَدُ بْنُ هُوذَةَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهَائِنْدِيُّ) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ؛ (۲)

هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند، شمشیرهای جنگی فرود می آید که بر هر شمشیر نام مردی معین و نام پدرش نوشته شده است.

بررسی روایت

این روایت افزون بر وجود علی بن ابی حمزه که ویژگی آن پیش از این آمده است، مرسل نیز می باشد؛ زیرا علی بن ابی حمزه بدون واسطه و به صورت مستقیم از امام صادق علیه السلام نقل روایت می کند در صورتیکه باید بین وی و امام صادق علیه السلام واسطه وجود داشته باشد.

ص: ۴۴

۱- (۱) ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تعلیق شیخ حسین اعلمی، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۱۷ ق، ص ۵۸۲.

۲- (۲) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۵۱-۲۵۲، ب ۱۳، ح ۴۵.

۶-۵-۳. ابوالقاسم الشعزانی یَرْفَعُهُ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَلِيمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَتَى رَحْبَةَ الْكُوفَةِ فَقَالَ بِرِجْلِهِ هَكَذَا وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى مَوْضِعٍ ثُمَّ قَالَ: اخْفِرُوا هَاهُنَا فَيَحْفَرُونَ فَيَسْرِتُخْرِجُونَ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ دِرْعٍ وَ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ سَيْفٍ وَ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ بَيْضَةٍ لِكُلِّ بَيْضَةٍ وَجْهَيْنِ ثُمَّ يَدْعُو اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ رَجُلٍ مِنَ الْمَوَالِي مِنَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ فَيَلْبِسُهُمْ ذَلِكَ ثُمَّ يَقُولُ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَيْكُمْ فَاقْتُلُوهُ. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام به محلی در کوفه به نام «رحبه» وارد می شود، با پا و دست خود به مکانی اشاره می کند و دستور می دهد آن جا را حفر نمایند. سپس از آن محل دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاهخود که هر کلاهخودی دو رو دارد، بیرون می آورند، سپس دوازده هزار نفر از دوستان خود از عرب و عجم را فراخوانده و آن سلاحها را برای پوشیدن و حمل کردن به آنان تحویل می دهد؛ سپس می گوید: هر کس چنین پوششی نداشته باشد را، بکشید.

بررسی روایت

افزون بر اضطراب موجود در متن روایت و نامفهوم بودن آن، سند آن نیز از چند جهت ضعیف است؛ یکی اینکه ابوالقاسم شعرانی فردی ناشناخته است و نامی از وی در کتابهای رجال نیامده است و دیگری یونس بن ظبیان است که فردی ضعیف، غالی (۲) و شخصی است که نجاشی در مورد وی گفته است: کل

ص: ۴۵

۱- (۱) مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا، ص ۳۳۴.

۲- (۲) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ص ۳۶۳.

آنچه که وی نوشته مختلط (۱) است. (۲) علاوه بر اینها ابوالقاسم شعرانی نیز بدون ذکر طریق، این روایت را از ابن ظبیان نقل کرده است و به اصطلاح حدیث مرفوعه یا منقطع می باشد.

۷-۵-۳. وَمِنْهَا (عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ): ... بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرَجًا هَرَجًا مَوْضِعًا عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ حَتَّى تَقُولَ قُرَيْشٍ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَحِمْنَا. (۳)

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: پدرم به فدای فرزند برگزیده از کنیزان، به آنها جز شمشیر خونریز و با شدت نمی دهد، درحالی که شمشیرش را هشت ماه بر دوش می کشد تا اینکه قریش می گوید: اگر این شخص از فرزندان فاطمه بود قطعاً بر ما رحم می کرد.

بررسی روایت

این روایت مرسل و غیر معتمد است.

۸-۵-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ السَّعْدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُوسَى الْخَشَّابُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ فُلَانٍ الْكُرْخِيِّ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... قَالَ (أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ): وَكَذَلِكَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمْ يَطْهَرُوا أَبَدًا حَتَّى تَخْرُجَ وَدَائِعُ اللَّهِ؛ فَإِذَا خَرَجَتْ يَطْهَرُ عَلَيٌّ مَنْ يَطْهَرُ فَيَقْتُلُهُ. (۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: و همچنین است قائم ما اهل بیت، ظهور

ص: ۴۶

۱- (۱) تخریص: آمیختن یک حدیث با حدیث دیگر. (محمدرضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۱۵۱).

۲- (۲) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۴۸.

۳- (۳) ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۵۸.

۴- (۴) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۱۶.

نمی‌کند مگر اینکه امانت‌های الهی هویدا شوند؛ چنانچه این امانات آشکار شوند قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرده و بر هر کس که پیروز شود او را می‌کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت چندین لفظ و عبارت مبهم وجود دارد که عبارتند از: «عن بعض اصحابه»، «فلان الکرخی»، «رجل»، که این عبارت‌های مبهم باعث ارسال سند و ضعف آن گشته است.

۹-۵-۳. جاء مرفوعاً عن عمرو بن شمر عن جابر بن يزيد عن أبي عبد الله عليه السلام: ... وَإِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى فَأَنْذَرْتُكُمْ نَاراً تَلْظَى (۱) قَالَ: هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ وَيَقْتُلُ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعَ مِائَةٍ وَتِسْعَةً وَتِسْعِينَ؛ (۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند: او همان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است و هنگامی که با غضب و ناراحتی قیام کند، از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را می‌کشد.

بررسی روایت

این روایت هم مرفوع و بی اعتبار است و هم راویان آن افراد ضعیفی هستند. یکی از راویان آن عمرو بن شمر است که بنا بر گفته نجاشی بسیار ضعیف است. (۳) و راوی دیگر، جابر بن یزید است که او هم بنا بر سخن نجاشی فردی مختلط بوده است. (۴)

ص: ۴۷

۱- (۱) لیل (۹۲)، ۱۴.

۲- (۲) استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهره، جلد، چاپ اول، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۸۰۷ ح ۱.

۳- (۳) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۸۷.

۴- (۴) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۱۲۹.

۱۰-۵-۳. وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا (اسرا: ۳۳) قَالَ: ذَلِكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بِدَمِ الْحَسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ يَكُنْ مُسْرِفًا وَ قَوْلُهُ فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ لَمْ يَكُنْ لِيَضَعْ شَيْئًا يَكُونُ سَرَفًا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقْتُلُ وَ اللَّهُ ذَرَارِيَّ قَتَلَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِفَعَالٍ آبَائِهَا. (۱)

محمد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام از تفسیر آیه شریفه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا». پرسیدم، حضرت فرمودند: مقصود از «ولی» قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بوده که خروج نموده پس به خون خواهی حضرت سید الشهداء علیه السلام شروع به کشتن می نماید به طوری که اگر همه اهل زمین را بکشد، اسراف نکرده است. و در ذیل این فقره از آیه «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» می فرماید: حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود، نمی کنند. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اعقاب کشتندگان سید الشهداء علیه السلام را به واسطه عمل آباء و اجدادشان خواهد کشت.

بررسی روایت

در سند روایت لفظ مبهم «عن رجل» وجود دارد که باعث ارسال سند شده

ص: ۴۸

۱- (۱) ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق، ص ۶۳، ب ۱۸، ح ۵.

است، افزون بر آن محمد بن سنان کسی است که هم مدح آن آمده است و هم ضعیف شمرده شده است (۱) که بنابر قواعد رجالی و تعارض بین مدح و ذم، ضعف بر مدح مقدم می باشد.

۱۱-۵-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! مَا تَقُولُ فِي حَدِيثِ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذَرَارِيَّ قَتْلِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِفِعَالِ آبَائِهَا؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ كَذَلِكَ. فَقُلْتُ: فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَرْرُ وَازِرَةً وَزَّرَ أُخْرَى مَا مَعْنَاهُ؟ فَقَالَ: صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ لَكِنَّ ذَرَارِيَّ قَتْلِهِ الْحُسَيْنِ يَرْضَوْنَ أَفْعَالَ آبَائِهِمْ وَيَفْتَخِرُونَ بِهَا وَمَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي الْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاغِبُ عِنْدَ اللَّهِ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: بِأَيِّ شَيْءٍ يَبْدَأُ الْقَائِمُ فِيهِمْ إِذَا قَامَ؟ قَالَ: يَبْدَأُ بِبَنِي شَيْبَةَ وَ يَقَطَعُ أَيْدِيَهُمْ لِأَنَّهُمْ سُرَّاقُ بَيْتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (۲)

احمد بن زياد بن جعفر همدانی رضی الله عنها از علی بن ابراهیم، از پدرش، از عبد السلام ابن صالح هروی، نقل می کند که وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! درباره روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده و آن حضرت فرمودند: هر گاه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج

ص: ۴۹

۱- (۱) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۲۸.
۲- (۲) ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۲۲۹، ۱۶۴، ح ۱.

کنند فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را به دلیل کردار پدرانشان می کشد، چه می فرمایید؟ حضرت فرمودند: واقع همین است. عرض کردم: پس فرموده حق تعالی در قرآن: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد» معنایش چیست؟ حضرت فرمودند: خداوند در تمام اقوالش صادق است ولی با وجود این باید توجه داشته باشی که فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام به افعال و کردار پدرانشان راضی بوده و به آنها افتخار می کردند و به مقتضای «کسی که به چیزی راضی باشد، همچون شخصی است که آن چیز را انجام داده» آنها نیز همچون قاتلان سیدالشهداء می باشند. و اگر شخص در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب راضی و خوشنود باشد راضی با قاتل نزد خدا شریک در قتل می باشد و چون این فرزندان به کردار پدرانشان راضی می باشند لاجرم حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی خروج نمودند، ایشان را می کشند. راوی می گوید محضرش عرضه داشتم: چرا وقتی حضرت قیام فرمودند، اول ایشان را می کشد؟ حضرت فرمودند: حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ابتدا بنی شیبه را می کشند به این روش که دستهایشان را قطع می فرماید، زیرا آنها سارقان بیت الله عز و جل می باشند.

بررسی روایت

گرچه این حدیث در پی توضیح روایت و علت آن می باشد؛ اما از چند جهت مشکل دارد: اولاً: سند این روایت منقطع و ناشناخته است، زیرا احمد بن زیاد همدانی آن را از علی بن ابراهیم و او از پدرش (ابراهیم بن هاشم) و ابراهیم از عبدالسلام بن صالح هروی نقل نموده است در حالی که روایت باید بیش از چهار راوی داشته باشد تا به امام علیه السلام برسد، قطعاً افراد دیگری در زنجیره

ص: ۵۰

سلسله سند بوده اند که اکنون معلوم نیست چه کسانی هستند. ثانیاً: مضمون روایت با محکمت قرآن، فقه اسلامی و عقل منافات دارد، زیرا مجازات یک شخص راضی به قتل، شرعاً و عقلاً قصاص وی نیست.

۱۲-۵-۳. قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعْنَعًا عَنْ أَبِي عَزِيدٍ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... فَمَاذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَفُوا كُلَّ نَاصِبٍ [نَصَبٍ] عَلَيْهِ فَإِنْ أَقْرَ بِالْإِسْلَامِ وَهُوَ [وَهُي] الْوَلَايَةُ وَالْأَضْرِبَتْ عُقُقَهُ أَوْ أَقْرَ بِالْجَزِيَةِ فَأَذَاهَا كَمَا يُؤَدِّي [يُؤَدُّونَ] أَهْلُ الدِّمَّةِ. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: پس هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، افراد ناصبی را به حضور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می آورند؛ پس اگر به اسلام اقرار کند که همان ولایت ائمه است؛ رهايش می کند وگرنه گردنش زده می شود و یا از او مانند اهل ذمه جزیه می گیرد.

بررسی روایت

این روایت مرسل است زیرا راوی با حذف واسطه که معلوم نیست چه کسانی بوده اند، روایت را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است.

۱۳-۵-۳. وَ بِإِسْنَادِهِ (السَّيِّدِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ) إِلَى كِتَابِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ رَفَعَهُ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَقْتُلُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَبْلُغَ الشُّوقَ. قَالَ: فَيَقُولُ لَهُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ أَبِيهِ إِنَّكَ لَتَجْفِلُ النَّاسَ إِجْفَالَ النَّعَمِ فَيَعْهَدُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْ بِمَا ذَا قَالَ وَ لَيْسَ فِي النَّاسِ رَجُلٌ أَشَدَّ مِنْهُ بَأْسًا فَيَقُومُ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْمَوَالِي فَيَقُولُ لَهُ لَتَشْكُنَنَّ أَوْ لَأَضْرِبَنَّ عُقُقَكَ فَعِنْدَ ذَلِكَ

ص: ۵۱

۱- (۱) کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، قم، داوری، بی تا، ص ۲۹۲-۲۹۳، ح ۳۹۵.

يُخْرِجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَهْدًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف می کشد تا می رسد به بازار؛ سپس مردی از اولاد پدرش به او می گوید: تو با مردم مثل چهارپایان رفتار می کنی، آیا این برخورد به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد یا چیز دیگر؟ و در میان مردم مردی شدیدتر از او نیست، سپس مردی از موالی به سمت وی بلند می شود، پس به وی می گوید: ساکت می شوی یا گردنت را بزنم؛ سپس قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف در آن هنگام دستوری از پیامبر صلی الله علیه و آله را ارائه می دهد.

بررسی روایت

درباره سند این روایت نه از سند سید علی بن عبدالحمید (صاحب کتاب الغیبه) به کتاب فضل بن شاذان اطلاع درستی در دست است و نه از سند فضل بن شاذان به عبدالله بن سنان، بنابراین، این حدیث، مرسل و غیر قابل اعتماد است.

۱۴-۵-۳. وَ بِإِشْنَادِهِ (السَّيِّدِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِالْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ) عَنِ الْكَاثِلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَقْتُلُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْأَجْفَرِ. (۲)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف آن قدر از اهل مدینه می کشد تا به محلی به نام اجفر می رسد.

ص: ۵۲

۱- (۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۲، ص ۳۸۷ ب ۲۷، ح ۲۰۳.

۲- (۲) همان، ج ۵۲، ص ۳۸۷، ب ۲۷، ح ۲۰۴.

از سند الغیبه سید علی بن عبدالحمید به کابلی اطلاعی در دست نیست و نمی توان به آن اعتماد کرد.

۱۵-۵-۳. وَ بِإِسْنَادِهِ (السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِالْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ) رَفَعَهُ إِلَى أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ إِلَى أَنْ قَالَ: وَيُنْهَزِمُ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ حَتَّى يَلْحَقُوا بِأَرْضِ الرُّومِ... فَيَبْعَثُ إِلَيْهِمُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ أَخْرَجُوا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَدْخَلْتُمُوهُمْ... فَإِذَا قَرَأَ عَلَيْهِمُ الْكِتَابَ وَ رَأَوْا هَذَا الشَّرْطَ لَازِمًا لَهُمْ أَخْرَجُوهُمْ إِلَيْهِ فَيَقْتُلُ الرِّجَالَ وَ يَنْقُرُ بَطُونَ الْحَبَالِيِّ. (۱)

امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگام قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف عده زیادی از بنی امیه فرار می کنند و به کشور روم پناه می برند... سپس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف عده ای را همراه با دستور کتبی برای تحویل گرفتن آنها به آن کشور می فرستد که این کسانی را که به کشور خود راه داده اید، اخراج کنید... پس هنگامی که دستور را بر حاکم می خوانند، آن پناهندگان را اخراج می کنند، سپس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مردهای آنان را می کشد و شکم زنان آبستن را می درد.

بررسی روایت

از سند الغیبه به ابوبصیر اطلاعی در دست نیست، همچنین این روایت مرفوعه و ضعیف است، افزون بر ضعف سند متنی کاملاً مضطرب دارد، زیرا شکافتن و پاره کردن شکم زنان آبستن در هیچ حالتی حتی در حال جنگ جایز نیست.

ص: ۵۳

۱- (۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۰۳ ق، ج ۵۲، ص ۳۸۷، ب ۲۷، ح ۲۰۴.

۱۶-۵-۳. وَ بِإِشْنَادِهِ (السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ) رَفَعَهُ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا حَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ الْفُرْسِ إِلَّا السَّيْفُ لَا يَأْخُذُهَا إِلَّا بِالسَّيْفِ وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا بِهِ. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، بین او و عرب و عجم جز شمشیر نخواهد بود، جز شمشیر از آنها نمی گیرد و جز شمشیر به آنها نمی دهد.

بررسی روایت

علامه مجلسی رحمه الله این روایت را از کتاب الغیبه بدون ذکر سند از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که از سند کامل آن اطلاعی در دست نیست. همچنین متن روایت نیز دارای ضعف و اضطراب است، زیرا قرار دادن شمشیر یعنی زور و قدرت سلاح به عنوان ملاک حاکم نیز خلاف ضرورت دین و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

۱۷-۵-۳. وَ بِإِشْنَادِهِ (السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ) رَفَعَهُ إِلَى جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:.... وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينَ مُحَمَّدٍ؛ (۲)

... قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن قدر از مردم می کشد تا اینکه جز دین محمد باقی نماند.

بررسی روایت

سند این روایت نیز از الغیبه سید علی بن عبدالحمید می باشد که از سند آن تا

ص: ۵۴

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان، ج ۵۲، ص ۳۸۷، ب ۲۷، ح ۲۰۴.

امام باقر علیه السلام اطلاعی در دست نیست و همچنین روایت مرفوعه نیز می باشد، بنابراین قابل اعتماد نیست.

۱۸-۵-۳. وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقَامَ خَمْسَةَ جَائِهِ مِنْ قُرَيْشٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ أَقَامَ خَمْسَةَ جَائِهِ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ أَقَامَ خَمْسَةَ جَائِهِ أُخْرَى حَتَّى يَفْعَلَ ذَلِكَ سِتِّ مَرَّاتٍ. قُلْتُ: وَ يَبْلُغُ عَدَدُ هَؤُلَاءِ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ مَوَالِيهِمْ؛ (۱)

آنگاه که قائم آل محمد عليهم السلام قیام کند، پانصد تن از قریش را به پا دارد و گردنشان را بزند، سپس پانصد تن دیگر را به پا دارد و گردن زند، آنگاه پانصد تن دیگر تا شش بار (که روی هم سه هزار نفر شوند) گوید: من گفتم: شماره آنان به این حد رسد؟ فرمود: آری؛ خودشان و دوستانشان.

بررسی روایت

شیخ مفید نیز این روایت را بدون ذکر سند کامل بیان می کند و از سند آن اطلاعی در دست نیست و افزون بر مشکل سندی، متن روایت نیز دچار اضطراب است، بنابراین قابل اعتماد نیست.

۱۹-۵-۳. وَ ذَكَرَ الْإِمَامُ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عبيدِ الْكَسَائِي، فِي قِصَةِ الْأَنْبِيَاءِ، قَالَ: قَالَ كَعْبُ الْأَحْبَارِ: يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ إِلَى بِلَادِ الرُّومِ، وَجَيْشُهُ مَائَةُ أَلْفٍ، فَيَدْعُو مَلِكَ الرُّومِ إِلَى الْإِيمَانِ قِيَابِي، فَيَقْتَتِلَانِ شَهْرَيْنِ، فَيَنْصِرَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَهْدِيَّ، وَيَقْتُلُ مِنْ أَصْحَابِهِ خَلْقًا كَثِيرًا، وَيَنْهَزُهُمْ، وَيَدْخُلُ إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَةِ فَيَنْزِلُ الْمَهْدِيُّ عَلَى بَابِهَا، وَلَهَا يَوْمًا سَبْعَةُ أَسْوَارٍ، فَيَكْبُرُ الْمَهْدِيُّ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، فَيَخْرُ كُلُّ سَوْرٍ

ص: ۵۵

۱- (۱) مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص ۳۶۴.

مِنْهَا، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْخُذُهَا الْمَهْدِيُّ، وَيَقْتُلُ مِنَ الرُّومِ خَلْقًا كَثِيرًا، وَيُسَلِّمُ عَلَى يَدِيهِ خَلْقَ كَثِيرٍ؛^(۱)

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی سرزمین روم یورش می برد در حالی که سربازان وی صد هزار نفر می باشد، سپس پادشاه روم را به ایمان فرا می خواند ولی او سر باز می زند، سپس به مدت دو ماه با هم می جنگند و خداوند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری می کند و مهدی تعداد زیادی از اصحاب و یاران پادشاه روم را به قتل می رساند و به قسطنطنیه داخل می شود، پس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دروازه شهر وارد می شود در حالیکه دارای هفت دیوار است سپس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هفت مرتبه تکبیر گفته، پس از آن همه دیوارهای شهر فرو می ریزد، سپس در آن هنگام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شهر را در دست گرفته، تعداد زیادی از مردم آن جا را به قتل می رساند و به دست وی مردم زیادی به اسلام روی می آورند.

بررسی روایت

این حدیث از زبان کعب الاحبار است و چون به پیامبر عجل الله تعالی فرجه الشریف اسناد داده نشده، موقوف^(۲) است و اعتباری ندارد، افزون بر این کعب الاحبار شخصیت قابل قبولی نیست، بنابراین نمی توان به این روایت اعتماد کرد.

۲۰-۵-۳. قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعَنَّأً عَنْ أَبِي عَزِيدٍ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى... وَ إِنَّا لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى فَأَنْذَرْتُمْ نَارًا تَلْطَى الْقَائِمُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ فَقَتَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ

ص: ۵۶

۱- (۱) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقدالدرر، ص ۲۷۳.

۲- (۲) موقوف: حدیثی است که توسط صحابی معصوم نقل شده بدون اینکه آن را به معصوم اسناد دهد. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۷۹).

... قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف هنگامی که با غضب قیام کند، از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را می کشد.

بررسی روایت

این روایت مرسل می باشد، زیرا راوی با حذف واسطه که معلوم نیست چه کسانی بوده اند، روایت را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است. افزون بر این محمد بن قاسم بن عبید فردی ناشناخته است.

۲۱-۵-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَوْسُفَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ سَعِيدَانَ بْنِ مُشَلِّمٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُهُ وَ يَنْهَاهُ إِذْ قَالَ أَدِيرُوهُ فَيَدِيرُونَهُ إِلَى قُدَامِهِ فَيَأْمُرُ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا يَبْقَى فِي الْخَافِقَيْنِ شَيْءٌ إِلَّا خَافَهُ؛ (۲)

... در آن میان که مردی بر بالین قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف ایستاده و امر و نهی می کند، ناگاه حضرت می فرماید: او را برگردانید، پس او را به پیش روی آن حضرت باز می گردانند و آن حضرت دستور می دهد گردن او زده شود، پس در خاور و باختر چیزی باقی نمی ماند مگر اینکه از او می ترسد.

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر محمد بن علی کوفی که شرح حال او پیش از این بیان شد، همچنین علی بن حسن تیملی که طبق گفته آیت الله خویی همان

ص: ۵۷

۱- (۱) کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص ۲۱۴.

۲- (۲) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۴۵-۲۴۶، ب ۱۳، ح ۳۲.

علی بن حسن بن علی بن فضال است (۱) شخصی فطحی (۲) مذهب می باشد. (۳) همچنین این روایت با توجه به عبارت مبهم (عن بعض رجاله) موجود در سند آن، مرسل است.

۶-۳. روایات متفرقه

۱-۶-۳. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصِيرٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا يَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِأَحَبِّ أَكْثَرِهِمْ أَلَّا يَرَوْهُ مِمَّا يَقْتُلُ مِنَ النَّاسِ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبِيدُ إِلَّا بِقَرِيشٍ فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَهُ؛ (۴)

اگر مردم می دانستند هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند چه خواهد کرد، بیشتر آنان دوست می داشتند او را ملاقات نکنند؛ بس که خواهد کشت، بدانید که او شروع نخواهد کرد مگر با قریش، و از آنان جز شمشیر دریافت نمی کند و به قریش جز شمشیر ارزانی نمی دارد (معامله او با قریش تنها با شمشیر است) تا آن جا که بیشتر مردمان گویند: این مرد از تبار محمد نیست که اگر از آل محمد بود، حتماً رحمت و دلسوزی می داشت.

ص: ۵۸

۱- (۱) موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۱، ص ۳۴۵.

۲- (۲) فطحیه: این گروه قائل به امامت دوازده امام همراه با عبدالله افطح پسر امام صادق علیهم السلام هستند که او را میان امام صادق علیهم السلام و امام کاظم علیهم السلام قرار می دهند (محمدرضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۱۱۴).

۳- (۳) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۵۸.

۴- (۴) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۸، ب ۱۳، ح ۱۸.

الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ. فَقَالَ: اسْمُهُ اسْمِي. قُلْتُ: أَيْسِيرُ بِسِيرِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يَا زُرَّارَهُ، مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لِمَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِالْمَنْ، كَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ بِالسَّيْرِ بِالْقَتْلِ بِذَاكَ أَمْرٌ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَيْبَ أَحَدًا؛ وَيَلْ لِمَنْ نَاوَاه... (۱)

به آن حضرت عرض کردم: صالحی از صالحان را برایم نام ببر و منظورم حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بود، پس فرمود: اسم او اسم من است، عرض کردم: آیا همچون رفتار محمد صلی الله علیه و آله رفتار می کند؟ فرمود: هرگز هرگز ای زراره؛ رفتار او را پیش نمی گیرد. عرض کردم: فدایت شوم برای چه؟ فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در امت خود چنان رفتار می کرد که همراه با بخشش بود (مردم را عفو و مرهون منت خود می ساخت) و دل‌های مردم را به خود جذب می نمود؛ یعنی با مهر رفتار می کرد ولی رفتار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با خشونت و کشتار است، زیرا در کتابی که به همراه دارد مأمور شده است که با کشتار رفتار کند و از کسی توبه نپذیرد، وای بر کسی که با او دشمنی کند و به ستیز برخیزد.

بررسی روایت

در سند این روایت محمدبن علی کوفی وجود دارد که فردی ضعیف است و توصیف آن قبلاً بیان شده، مضمون روایت نیز با روایات درستی که سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند، مخالفت دارد.

۴-۳- أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ بِقَمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الرَّازِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ

ص: ۶۰

الْكُوفِيُّ عَنْ مُعْمَرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: ذُكِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَنْتُمْ الْيَوْمَ أَرْحَىٰ بَالًا مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ. قَالُوا: وَكَيْفَ؟ قَالَ: لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلْقُ وَالْعَرَقُ وَالنُّومُ عَلَى السُّرُوجِ وَ مَا لِبَاسِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْعَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛ (۱)

معمر بن خلاد گوید: نزد امام ابی الحسن الرضا علیه السلام از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شد، پس فرمود: شما امروز آسوده تر از آن روز هستید، عرض کردند: چگونه؟ فرمود: اگر قائم ما علیه السلام خروج کند جز خون بسته شده و عرق و بر روی زین های اسبان خفتن چیزی در کار نخواهد بود و لباس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جز جامه خشن و خوراک او جز غذای ناگوار و نامطبوع نخواهد بود.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز محمد بن علی کوفی وجود دارد که شرح حالش بیان شد.

۵-۶-۳. عَنْهُ عَنْ صَالِحِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَثِيمِ بْنِ سَيْلِيمَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهْ فِي عَافِيَةٍ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله رَحْمَةً وَ يَبْعَثُ الْقَائِمَ نَقْمَةً؛ (۲)

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کند که آن حضرت فرمود: هر گاه یکی از شما آرزوی دیدار حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را کند، باید آرزو کند که این دیدار در تندرستی و عافیت باشد (و

ص: ۶۱

۱- (۱) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۹۵-۲۹۶، ب ۱۵، ح ۵.

۲- (۲) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، تحقیق غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۲۳۳، ح ۳۰۶.

مشمول اصلاحات آن بزرگوار نگردد) زیرا خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به مهر و عطوفت مبعوث فرمود، و حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای انتقام برانگیزد.

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن عبدالله بن مهران وجود دارد که این شخص فردی متهم به غلو و ضعیف است^(۱)، همچنین این روایت مهمل نیز می باشد؛ زیرا در مورد دو تن از روایت این سند اطلاعی در کتاب های رجالی وجود ندارد، یکی عبدالملک بن بشیر و دیگری عیثم بن سلیمان.

۶-۳-۶. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ إِلَى أَنْ قَالَ: قُلْتُ قَوْلَهُ عَزَّ وَجَلَّ (هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْأُحْسَنِينَ)^۲ قَالَ: إِمَّا مَوْتُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ إِذْرَاكَ ظُهُورِ إِمَامٍ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِهِمْ مَعَ مَا نَحْنُ فِيهِ مِنَ الشَّدَةِ أَنْ يُصَِّبَهُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ. قَالَ: هُوَ الْمَسِيخُ أَوْ بِأَيْدِينَا وَ هُوَ الْقَتْلُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ وَ التَّرَبُّصُ انْتِظَارُ وَفُوعِ الْبَلَاءِ بِأَعْدَائِهِمْ؛^(۲)

(آن دو سرانجام نیک) یا مرگ در راه اطاعت خداست و یا درک ظهور امام، ولی ما در مورد آنها انتظار می بریم با این وضع سخت و ناهنجاری که داریم که خداوند از نزد خود عذابی بدانها بفرستد. فرمود که آن عذاب یا مسخ است یا به دست ما (آنها را عذاب

ص: ۶۲

۱- (۱) طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ۱۳۷۳ ش، ص ۳۹۱.

۲- (۳) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۸، ص ۲۸۵، ح ۴۳۱.

کند) که آن کشتن آنها است. خدای، به پیامبرش فرمود: بگو منتظر باشید که ما نیز با شما از منتظران هستیم و مقصود انتظار وقوع بلا به دشمنان است.

بررسی روایت

در سند روایت علی بن عباس وجود دارد که وی به غلو و ضعف شخصیت متهم است. (۱) همچنین این روایت مهمل نیز می باشد؛ زیرا از حسن بن عبدالرحمن (حمانی) اطلاعاتی در کتابهای رجالی وجود ندارد.

۳-۶-۷. بِهَذَا الْإِسْنَادِ (عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الرَّحْمَنِ عَنْ عِيسَى بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ إِنَّهُ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ) ... قال: وَ سَيَخْتَلِفُونَ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَ الْقَائِمِ الَّذِي يَأْتِيهِمْ بِهِ حَتَّى يُنْكِرَهُ نَاسٌ كَثِيرٌ فَيَقْدُمُهُمْ فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ؛ (۲)

محققاً در کتابی که با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است و برای آنها خواهد آورد، اختلاف خواهند کرد تا بدان حد که جمع زیادی آن را انکار می کنند، سپس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آنها را پیش آورده و گردن آنها را می زند.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن عباس و حسن بن عبدالرحمن (حمانی) وجود دارد که شرح حالشان پیش از این بیان شد.

۳-۶-۸. حَدَّثَنَا رِشْدِينٌ، عَنْ ابْنِ لَهْيَعَةَ، عَنْ عِيَّاشِ بْنِ عَبَّاسِ الزُّرَقِيِّ،

ص: ۶۳

۱- (۱) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۵۵.

۲- (۲) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۸، ص ۲۸۷، ح ۴۳۲.

عَنْ ابْنِ زُرَيْرٍ، عَنْ عَلِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يُوسِلُ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الشَّامِ مَنْ يُفَرِّقُ جَمَاعَتَهُمْ، حَتَّى لَوْ قَاتَلَتْهُمْ النَّعَالِبُ غَلَبَتْهُمْ، وَعِنْدَ ذَلِكَ يُخْرَجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي ثَلَاثِ رَايَاتٍ، ...، أَمَّارَتُهُمْ: أَمْتُ أُمْتُ... (١)

خداوند کسی را به سوی شام می فرستد که جماعت آنان را متفرق می سازد به طوریکه اگر گرگ ها به مقابله با آنان بیایند، آنها را شکست می دهند. در آن هنگام است مردی از خاندان من قیام می کند در قالب سه پرچم... شعار آنها بکُش بکُش است.

بررسی روایت

در سند روایت ابن لهیعه وجود دارد که وی فردی ضعیف است چنان که ابن معین در توصیف وی گفته است: «ضعیف لا یحتج به» (٢).

٩-٦-٣. حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ، عَنْ ابْنِ لَهَيْعَةَ، عَنِ الْخَارِثِ بْنِ يَزِيدَ، سَمِعَ ابْنَ زُرَيْرٍ الْعُفَاقِيَّ، سَمِعَ عَلِيًّا، يَقُولُ: ... لَمَّا يَلْقَاهُ عِدُوٌّ إِلَّا هَزَمَهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ، شِعَارُهُمْ: أَمْتُ أُمْتُ؛ (٣)

... قائم به دشمنی بر نمی خورد مگر اینکه به اذن خداوند او را شکست می دهد؛ شعار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحابش بکُش بکُش است.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز ابن لهیعه وجود دارد که شرح حال وی گذشت.

١٠-٦-٣. حَدَّثَنَا سُؤَيْدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ أَبِي فَرْوَةَ، وَابْنَ شَابُورَ، جَمِيعًا عَنْ مَكْحُولٍ، عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

ص: ٦٤

١- (١) مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ١، ص ٣٤٩، ح ١٠٠٧.

٢- (٢) ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٩٩٥ م، ج ٤، ص ١٦٧.

٣- (٣) مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ١، ص ٣٤٨، ح ١٠٠٥.

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ... ثُمَّ يَفْتَرِقُونَ وَيَحْتَبِئُونَ تَحْتَ كُلِّ شَجَرٍ وَحَجْرٍ، حَتَّى يَقُولَ الشَّجَرُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ يَا مُسْلِمًا! تَعَالَ، هَذَا يَهُودِيٌّ وَرَأَيْتُ فَاقْتُلْهُ؛ (۱)

سپس پراکنده می شوند و زیر هر درخت و سنگی پنهان می گردند تا اینکه درخت می گوید: ای بنده خدا، ای مسلمان! بیا این جا، این یک یهودی است که پشت سر من است، پس او را بکش.

بررسی روایت

در سند روایت سویدبن عبد العزیز وجود دارد که نسائی در مورد وی گفته است او ثقه نیست و ضعیف است. (۲)

۱۱-۶-۳ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَيْهَلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَمَانٌ فِي الْأَسْدِيَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ لَا يُرِيدُ عَلَيْهِمَا بَيْنَهُ الزَّانِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَانِعَ الزَّكَاهِ يَضْرِبُ عُنُقَهُ؛ (۳)

ابن شمون گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: دو خون است که ریختن آنها از طرف خداوند حلال است، ولی تا قبل از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اجازه آنها داده نشده است، پس هر گاه خداوند او را برانگیزد، بدون بینة قضاوت کرده (و اجازه ریختن آنها را خواهد

ص: ۶۵

۱- (۱) همان، ج ۲، ص ۵۶۸، ح ۱۵۹۱.

۲- (۲) عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۲۴۲.

۳- (۳) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۵.

داد) یکی خون زناکاری است که دارای همسر است و او را سنگسار می کند و دیگری خون مانع الزکات است که حضرت گردن وی را می زند.

بررسی روایت

در سند این روایت افراد بسیار ضعیفی وجود دارد؛ یکی محمد بن حسن شمون که وی فردی غالی(۱)، واقفی مذهب، ضعیف و فاسد المذهب است(۲). دیگری عبدالله بن عبدالرحمن الاصبم فردی ضعیف و غالی که از دروغسازان بصره بوده است(۳).

نکته

همین روایت در کمال الدین نیز با سندی متفاوت نقل شده است که سند آن عبارت است از:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:.....(۴)

۱۲-۶-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ ابْنِ عُقْمَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ بِيَّاعِ الْأَنْمَاطِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا فَسَأَلَهُ الْمُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ أَبِي سِيرٍ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِيرِهِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ نَعَمْ وَ ذَاكَ أَنَّ عَلِيًّا سَارَ بِالْمَنْ وَالْكَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شَيْعَتَهُ

ص: ۶۶

۱- (۱) طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۴۰۲.

۲- (۲) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۳۵.

۳- (۳) حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۳۸.

۴- (۴) ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۲۱.

سَيُظْهَرُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالسَّيْفِ وَ السَّبِي وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يُظْهَرْ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا؛(۱)

حسن بن هارون نمدفروش گوید: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که معلی بن خنیس از آن حضرت پرسید: آیا وقتی امام قائم علیه السلام قیام نمود بر خلاف روش علی علیه السلام رفتار خواهد کرد؟ فرمود:

آری، بدان جهت که علی با منت گذاشتن و دست برداشتن (از مردم و مخالفین) رفتار می نمود برای اینکه می دانست پس از او پیروانش به زودی مغلوب دشمنان خواهند شد و اینکه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چون قیام کند در میان ایشان با شمشیر و اسیر ساختن رفتار خواهد کرد، زیرا او می داند که شیعه او پس از او هرگز مغلوب دشمنان نمی شوند.

بررسی روایت

در سند این روایت محمد بن خالد وجود دارد که مرحوم آیت الله خویی وی را به نظر نجاشی مهمل دانسته است(۲)، همچنین حسن بن هارون نیز ناشناخته است. افزون بر اینها مضمون روایت نیز با روایتهای دیگری که سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را همان سیره امیرالمومنین علیه السلام می داند، مخالف است؛ بنابراین نمی توان به آن اعتماد کرد.

۱۳-۶-۳. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنَ عُمَرَ بْنِ عُمَرَ عَنْ رِزْقِ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْعَلَاءِ الرَّازِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يُنْتَبِجُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مَنِيٌّ وَ أَنَا مِنْهُ يَسُوقُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَيَنْزِلُ السَّمَاءَ فَطَرَهَا وَ يُخْرِجُ

ص: ۶۷

۱- (۱) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۷، ب ۱۳، ح ۱۶.

۲- (۲) موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۶، ص ۶۲.

الْأَرْضُ بِيَدِهَا وَتَأْمَنُ وَحُوشُهَا وَسَبَاغُهَا وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قَشِيظًا وَعَيْدًا كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَيَقْتُلُ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ دُرِّيهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَرَحِمَ؛(۱)

خداوند متعال در این امت مردی را به وجود می آورد که او از من است و من از او می باشم. خداوند به سبب وی برکات آسمانها و زمین را به پیش می راند، سپس آسمان باران خود را فرو می فرستد و زمین ثمره خود را آشکار می کند و حیوانات نا اهلی و وحشی قابل اعتماد می شوند، وی زمین را پر از عدل و داد می کند همانطور که از ظلم و جور پر شده است، وچنان می کشد که فرد جاهل می گوید: اگر این مرد از ذریه محمد بود قطعاً رحم می کرد.

بررسی روایت

در سند روایت احمد بن عثمان وجود دارد که وی فردی ناشناخته است، خود این روایت نیز مجهول است زیرا یکی از روات آن (علی بن فضل) مجهول الحال(۲) می باشد.

۱۴-۶-۳ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَرِيكِ الْعَامِرِيِّ عَنْ بَشْرِ بْنِ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: قَالَ لِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا بَشْرُ مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ الْمُهَدِيُّ مِنْهُمْ خَمْسِمَائِهِ رَجُلٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسِمَائِهِ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا ثُمَّ

ص: ۶۸

۱- (۱) طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، ص ۱۸۸، ح ۱۴۹.

۲- (۲) مجهول الحال: راوی که توثیق نشده است (محمد رضا، جدیدی نژاد معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۱۴۷).

حَمْسِمَائِهِ فَضْرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَيْبَلُغُونَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْهُمْ قَالَ فَقَالَ لِي بِشِيرِ بْنِ غَالِبٍ أَخُو بَشِيرِ بْنِ غَالِبٍ: أَشْهَدُ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَدَّ عَلِيَّ أَوْ قَالَ سِتِّ عَدَاتٍ أَوْ قَالَ سِتِّ عَدَدَاتٍ عَلَيَّ اخْتِلَافِ الرَّوَايَةِ؛ (۱)

بشیر بن غالب اسدی گوید: حسین بن علی علیهما السلام به من فرمود: ای بشر، قریش را چه به جای می ماند هنگامی که قائم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پانصد نفر از ایشان را پیش کشد و دست بسته گردن آنها را بزند، سپس پانصد نفر دیگر از ایشان را جملگی دست بسته گردنهایشان را بزند و دیگر بار پانصد نفر از آنان را دست بسته گردن بزند. راوی گوید: به آن حضرت عرض کردم: خداوند حال شما را اصلاح فرماید، آیا آنان بدان مقدار می رسند؟ پس حسین بن علی علیهما السلام فرمود: همانا هم پیمان و هم عقیده هر قوم جزئی از آنان محسوب می شود. راوی گوید: بشیر بن غالب برادر بشیر بن غالب به من گفت: من گواهم که حسین بن علی علیهما السلام شش مرتبه برای برادرم بر شمرد - یا شش بار گفت - بر اساس اختلاف روایات.

بررسی روایت

در سند روایت قاسم بن محمد بن حسن بن حازم وجود دارد که وی فردی ناشناخته است و بشیر بن غالب اسدی فردی است که ویژگی وی در کتب رجالی بیان نشده است و به اصطلاح حدیثی مجهول می باشد، مضمون روایات نیز با محکّمات دینی و عقلی تطبیق نمی کند، به ویژه کشتن به شکل «صبراً» یعنی کشتن با بستن و در تنگنا قرار دادن مقتول.

ص: ۶۹

۱۵-۶-۳. حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ يَعْلَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنِ الرَّبِيعِيِّ عَنْ رُفَيْدِ مَوْلَى أَبِي هُبَيْرَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! يَسْتَبِيرُ الْقَائِمُ بِسَيْرِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ السَّوَادِ؟ فَقَالَ: لَمَّا، يَا رُفَيْدُ! إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ سَارَ فِي أَهْلِ السَّوَادِ بِمَا فِي الْجَنْفِ الْأَبْيَضِ وَإِنَّ الْقَائِمَ يَسْتَبِيرُ فِي الْعَرَبِ بِمَا فِي الْجَنْفِ الْأَحْمَرِ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا الْجَنْفُ الْأَحْمَرُ؟ قَالَ: فَأَمَرَ إِصْبَعَهُ إِلَى حَلْقِهِ فَقَالَ: هَكَذَا، يَعْنِي الذَّبْحُ...؛(۱)

رفید گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: یابن رسول الله، آیا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مطابق سیره علی بن ابی طالب علیه السلام با مردم سواد (عراق) عمل می کند؟ فرمود: نه ای رفید! همانا علی بن ابی طالب با اهل سواد مطابق آنچه در جفر ابیض بود عمل می نمود، ولی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با اعراب مطابق آنچه در جفر احمر هست عمل خواهد کرد. پرسیدم: فدایت شوم جفر احمر چیست؟ رفید گفت: حضرت انگشت خود را به حلق خود کشید و فرمود: این چنین، یعنی ذبح.

بررسی روایت

جناب رفید در کتاب های رجالی توثیق نشده است، همچنین محمد بن فضیل فردی ضعیف (۲) و متهم به غلو است. (۳)

در توضیح جفر ابیض و جفر احمر از امام صادق علیه السلام روایتی وارد شده است که بدان اشاره می کنیم:

ص: ۷۰

۱- (۱) صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، تصحیح محسن بن عباسعلی کوچه باغی، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۵۲، ب ۱۴، ح ۴.

۲- (۲) طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۴۳.

۳- (۳) موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۷، ص ۱۴۵، ش ۱۱۵۴۶.

عَدَّةٌ مِنْ أَضِحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاعَبِدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ عِنْدِي الْجَفْرَ الْأَبْيَضَ. قَالَ: قُلْتُ: فَأَيُّ شَيْءٍ فِيهِ؟ قَالَ: زُبُورُ دَاوُدَ وَتُورَاهُ مُوسَى وَإِنْجِيلُ عِيسَى وَصُحُفُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَ مُصْحَفُ فَاطِمَةَ مَا أُرْعَمُ أَنْ فِيهِ قُرْآنًا وَ فِيهِ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْنَا وَ لَا نَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ حَتَّى فِيهِ الْجِلْدَةُ وَ نِصْفُ الْجِلْدَةِ وَ رُبْعُ الْجِلْدَةِ وَ أَرَشُ الْحَدَشِ وَ عِنْدِي الْجَفْرَ الْأَحْمَرَ. قَالَ: قُلْتُ: وَ أَيُّ شَيْءٍ فِي الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ؟ قَالَ: السَّلَاحُ وَ ذَلِكَ إِنَّمَا يُفْتَحُ لِلدَّمِ يَفْتَحُهُ صَاحِبُ السَّيْفِ لِلْقَتْلِ. فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَيْعَرِفُ هَذَا بَنُو الْحَسَنِ؟ فَقَالَ: إِي وَ اللَّهُ كَمَا يَعْرِفُونَ اللَّيْلَ أَنَّهُ لَيْلٌ وَ النَّهَارَ أَنَّهُ نَهَارٌ وَ لَكِنَّهُمْ يَحْمِلُهُمُ الْحَسِدُ وَ طَلَبُ الدُّنْيَا عَلَى الْجُحُودِ وَ الْإِنْكَارِ وَ لَوْ طَلَبُوا الْحَقَّ بِالْحَقِّ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ؛ (۱)

حسین بن ابی العلاء گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: همانا جفر سفید نزد من است. عرض کردم: در آن چیست؟ فرمود: زبور داود، تورات موسی، انجیل عیسی، صحف ابراهیم و حلال و حرام و مصحف فاطمه و معتقد نیستم که در مصحف چیزی از قرآن باشد؛ در آن است آنچه مردم به ما احتیاج دارند و ما به کسی احتیاج نداریم، حتی مجازات یک تازیانه و نصف تازیانه و یک چهارم تازیانه و جریمه خراش در آن هست. و جفر سرخ هم نزد من است. عرض کردم: در جفر سرخ چیست؟ فرمود: اسلحه است و آن تنها برای خونخواهی گشوده می شود و صاحب شمشیر (امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن را برای کشتن باز می کند. ابن ابی یعفر به حضرتش عرض کرد: اصلحک الله. پسران حسن او را می شناسند؟ فرمود:

ص: ۷۱

آری، به خدا می شناسند؛ چنانکه روز و شب را می شناسند و تشخیص می دهند که این روز است و این شب، ولی حسد و دنیاطلبی ایشان را بر سرپیچی و انکار وامی دارد و اگر ایشان حق را از راه حق جویند، برایشان بهتر است.

۱۶-۶-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ رُفَيْدِ مَوْلَى أَبِي هُبَيْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي: يَا رُفَيْدُ! كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ قَدْ ضَرَبُوا فَسَاطِيطَهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ثُمَّ أَخْرَجَ الْمِثَالَ الْجَدِيدَ عَلَى الْعَرَبِ الشَّدِيدِ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا هُوَ؟ قَالَ: الذَّبْحُ. قَالَ: قُلْتُ: بِأَيِّ شَيْءٍ يَسْتِيرُ فِيهِمْ بِمَا سَارَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ السَّوَادِ؟ قَالَ: لَا يَا رُفَيْدُ! إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَارَ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَهُوَ الْكُفُّ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيُظْهِرُ عَلَى شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَخْمَرِ وَهُوَ الذَّبْحُ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَظْهِرُ عَلَى شِيعَتِهِ؛ (۱)

رفید گوید که امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای رفید! چگونه هستی وقتی اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را مشاهده کنی که خیمه های خود را در مسجد کوفه برپا می دارند، سپس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف برنامه ای جدید را که برای اعراب شدید است، ارائه می دهد. رفید گفت: پرسیدم: فدایت شوم، آن برنامه چیست؟ حضرت فرمود: کشتن، گفتم به چه روشی عمل خواهد کرد در مورد آنان، آیا همچون سیره علی در مورد مردم سواد عمل خواهد کرد؟ فرمود: خیر ای رفید! همانا علی بن ابی طالب با جفر ابیض که همان گذشت و کف از دشمن است، عمل می کرد، زیرا او می دانست که در آینده نزدیکی شیعیانش مغلوب دشمنان می شوند؛ اما قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مطابق با جفر

ص: ۷۲

۱- (۱) صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل صلی الله علیه و آله، ص ۱۵۵، ب ۱۴، ۱۳.

احمر که همان کشتن است، عمل می کند، زیرا او می داند که شیعیانش شکست نخواهند خورد.

بررسی روایت

در سند رفید وجود دارد که شرح وی در حدیث پیشین گذشت. همچنین ابن سنان نیز مشترک (۱) بین محمد و عبدالله است که محمد بن سنان در رجال نجاشی تضعیف شده است. (۲)

۱۷-۶-۳. عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ شَيْطَاناً - فَلَا يُشِيرُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً» (۳) قَالَ: هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُتِلَ مَظْلُوماً وَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ، وَ الْقَائِمُ مِنَّا إِذَا قَامَ مِنَّا طَلَبَ بَنَارِ الْحُسَيْنِ، فَيَقْتُلُ حَتَّى يُقَالَ: قَدْ أَسْرَفَ فِي الْقَتْلِ، وَ قَالَ: ... الْمَقْتُولُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وُلِّيَهُ الْقَائِمُ، وَ الْإِسْرَافُ فِي الْقَتْلِ - أَنْ يَقْتُلَ غَيْرَ قَاتِلِهِ؛ (۴)

از سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه بالا روایت است که فرمودند: همانا مقتول مظلوم حسین است و ما اولیاء وی هستیم و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که از ماست هنگامی که قیام کند خونخواهی حسین علیه السلام را خواهد نمود، پس چنان می کشد که گفته می شود در قتل و کشتار اسراف کرده است... همچنین فرمود: مقتول حسین است و ولی (خونخواه) وی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است و مراد از اسراف در قتل آن است که کسی غیر از قاتل او را می کشد.

ص: ۷۳

۱- (۱) مشترک: حدیثی که یکی از رجال سند آن بین ثقه و غیر ثقه مشترک باشد. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۷۶).

۲- (۲) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۲۸.

۳- (۳) اسراء (۱۷)، ۳۳.

۴- (۴) عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۶۷.

راوی این حدیث سلام بن مستنیر می باشد که وی فردی است که در کتاب های رجالی توصیف و توثیق وی نیامده است، بنابراین به این حدیث نمی توان اعتماد کرد.

۱۸-۶-۳. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكَ فِي حَدِيثٍ لَهُ اخْتَصِرَ نَاهُ قَالَ: مَرَّ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى حَلَقَةٍ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَ هُمْ جُلُوسٌ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ: أَمَّا وَاللَّهِ لَمَا تَذَهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ مِنِّي رَجُلًا يَقْتُلُ مِنْكُمْ أَلْفًا وَ مَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا وَ مَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا. فَقُلْتُ: جَعَلْتُ فِيمَا كُنْتُ مِنْ هَؤُلَاءِ أَوْلَادًا كَذَا وَ كَذَا لَا يَبْلُغُونَ هَذَا فَقَالَ: وَيَحْكُكَ إِنَّ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَكُونُ لِلرَّجُلِ مِنْ صِيبِهِ كَذَا وَ كَذَا رَجُلًا وَ إِنَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؛ (۱)

عبدالله بن شریک گوید: امام حسین علیه السلام از کنار گروهی از بنی امیه که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودند، گذشت، سپس فرمود: به خدا سوگند دنیا به پایان نمی رسد تا اینکه خداوند مردی که از من است را بر می انگیزد و از شما هزار و همراه هزار، هزار نفر و همچنین همراه هزار نفر، هزار نفر را می کشد، سپس گفتم: فدایت شوم همانا اینان فرزندان چنین و چنان به این تعداد نمی رسند، پس امام علیه السلام فرمود: وای بر تو، در آن زمان مرد از صلب وی چنین و چنان مرد است و همانا هم پیمان و هم عقیده هر قوم جزء آنان محسوب می شود.

ص: ۷۴

در سند روایت عقبه بن یونس و عبیدالله بن شریک هر دو مجهول هستند و نامی از ایشان در کتاب های رجالی نیست.

۱۹-۶-۳. عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنِ سَلَامِ بْنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَدِّثُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَتِهِ وَإِلَّا ضَرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُؤَدِّي الْجَزِيَّةَ كَمَا يُؤَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الدَّمِّهِ وَ يَشُدُّ عَلَى وَسَطِهِ الْهِمِيَانَ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الْأَمْصَارِ إِلَى السَّوَادِ؛ (۱)

سلام بن مستنیر گوید: شنیدم از امام باقر علیه السلام که می فرمود: هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، ایمان را بر هر شخص ناصبی عرضه کنند. پس اگر از روی حقیقت ایمان آورد که هیچ، و گر نه گردنش را می زنند یا باید جزیه پردازد چنانچه امروزه اهل ذمه (کافرانی که بر اساس شرایطی در پناه اسلام زندگی می کنند) آن را می پردازند، و همیانی به کمرشان می بندند و آنها را از شهرها بیرون کرده به روستاها می فرستند.

بررسی روایت

این روایت از سلام بن مستنیر نقل شده است و همانطور که پیش از این اشاره شد وی فردی مجهول است؛ بنابراین، این روایت ضعیف است و نمی توان به آن اعتماد کرد.

۲۰-۶-۳. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ سُوْرَةَ بْنِ كَلَيْبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتِ التَّقِيَةُ وَجَرَّدَ السَّيْفُ،

ص: ۷۵

وَلَمْ يَأْخُذْ مِنَ النَّاسِ وَلَمْ يُعْطِهِمُ إِلَّا بِالسَّيْفِ؛ (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، تقیه باطل می شود و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شمشیرش را برهنه می کند و از مردم جز شمشیر نمی گیرد و به آنها جز شمشیر نمی دهد.

بررسی روایت

در سند روایت حسین بن احمد مالکی وجود دارد که وی فردی مجهول است و از مذهب وی اطلاعی در دست نیست.

پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی

اشاره

در پاسخ به وهابی ها و پیروان مکتب سقیفه که این روایات ضعیف را مستمسک قرار می دهند تا مردم را نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدبین نمایند، باید گفت چرا خود سری به پرونده خلفای سه گانه نمی زنند؟

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اجرای عدالت، دنیا طلبان و زورمدارانی که تسلیم حق نمی شوند را از سر راه اسلام و مسلمانان برخواهد داشت؛ اما خلفای سه گانه برای رسیدن به چه هدفی مردم را قتل عام می کردند؟

در تاریخ ۲۵ ساله حکومت خلفای سه گانه، کشتارهایی در کشورهای همسایه انجام شده است که در طول تاریخ بشریت سابقه نداشته است. اکنون به چند نمونه از این کشتارها اشاره می کنیم:

الف) جنگ ذات العیون (سال دوازده هـ - ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)

۱. خالد بن ولید، همان کسی که اهل سنت از او با عنوان «سیف الله» یاد می کنند و دست راست خلیفه اول به شمار می آمد، در نبرد فتح الانبار، به

ص: ۷۶

۱- (۱) ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تأویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، ص ۲۸۸، ح ۳۰۱.

تیراندازان خود دستور داد که چشمان مردم را هدف بگیرند. آنان نیز در آن روز هزار نفر را کور کردند؛ تا آنجا که این جنگ به «ذات العیون» معروف گشت.

قَدِمَ خَالِدٌ عَلَى الْمُقَدَّمِ، فَأَطَافَ بِالْخَنْدَقِ وَأَنْشَبَ الْقِتَالَ، وَكَانَ قَلِيلَ الصَّبْرِ عِنْدَهُ إِذَا رَأَهُ أَوْ سَمِعَ بِهِ، وَتَقَدَّمَ إِلَى رُمَاتِهِ فَأَوْصَاهُمْ، وَقَالَ: إِنِّي أَرَى أَقْوَامًا لَا عِلْمَ لَهُمْ بِالْحَرْبِ، فَارْمُوا عُيُونَهُمْ وَلَا تَوَخُّوا غَيْرَهَا، فَرَمَوْا رَشْقًا وَاحِدًا ثُمَّ تَابَعُوا فَفُقِيَ أَلْفٌ عَيْنٍ يَوْمَئِذٍ، فَسُمِّيَتْ تِلْكَ الْوَقْعَةُ ذَاتَ الْعُيُونِ، وَتَصَاحَ الْقَوْمُ: ذَهَبَتْ عُيُونُ أَهْلِ الْأَنْبَارِ؛ (۱)

خالد، پیشاپیش لشکر آمد. اطراف خندق می چرخید و آتش جنگ را شعله ور می کرد. او هر وقت جنگی را می دید و یا می شنید، بسیار کم طاقت می شد، پیش تیراندازان رفت و به آن ها این چنین سفارش کرد: من می بینم که این مردم جنگیدن نمی دانند؛ پس چشمان آن ها را هدف تیر قرار دهید و جای دیگر هدر ندهید؛ سپس خودش یک تیر رها کرد و تیراندازان به دنبال او هزار چشم را در این روز هدف قرار دادند؛ از این رو، این روز به «ذات العیون» نام گرفت، مردم فریاد می زدند که چشمان مردم انبار کور شد.

۲. ابن اثیر در الکامل فی التاریخ می نویسد:

ذَكَرَ فَتْحَ الْأَنْبَارِ: ثُمَّ سَارَ خَالِدٌ عَلَى تَعْبِيَتِهِ إِلَى الْأَنْبَارِ، وَأَنَّمَا سَمِيَ الْأَنْبَارُ لِأَنَّ أَهْرَاءَ الطَّعَامِ كَانَتْ بِهَا أَنْبَارٌ، وَعَلَى مُقَدَّمَتِهِ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ. فَلَمَّا بَلَغَهَا أَطَافَ بِهَا، وَأَنْشَبَ الْقِتَالَ، وَكَانَ قَلِيلَ الصَّبْرِ عَنْهُ وَتَقَدَّمَ إِلَى رُمَاتِهِ أَنْ يَقْضُوا عُيُونَهُمْ فَرَمَوْا رَشْقًا وَاحِدًا،

ص: ۷۷

۱- (۱) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک (تاریخ الطبری)، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۳۲۳.

ثم تابعوا فأصابوا ألف عين، فَسُمِّيَتْ تِلْكَ الْوَقْعَةُ ذَاتَ الْعَيْنِ؛(۱)

وقتی که شهر انبار فتح شد، خالد مأمور سر و سامان دادن به آن شهر شد (این شهر به آن دلیل انبار نامیده می شد که محل ذخیره مواد غذایی بود). پیشاپیش لشکریان وی شخصی به نام اقرع بن جابس بود که به محض رسیدن به شهر، اطراف آن را محاصره کرد و آتش جنگ را شعله ور ساخت. او مردی کم صبر بود، تیر اندازان را جلوی لشکر گذاشت و دستور داد تا چشم های مردم را هدف بگیرند و خود او نیز اولین تیر را رها کرد و لشکریان به دنبال او، چشم های مردم را هدف قرار دادند که به هزار چشم برخورد کرد؛ از این رو، این نبرد «ذات العین» نام گرفت.

۳. شهاب الدین نویری در نهایه الأرب فی فنون الأدب می نویسد:

ذكر فتح الأنبار: قال: ثم سار خالد إلى الأنبار، وإنما سميت الأنبار، لأن أهراء الطعام كانت بها أنابيب، وكان على من بها من الجند شيرزاد صاحب سباط، فلما التقوا أمر خالد رامة برشق السهام، وأن يقصدوا عيونهم، فرشقوا رشقاً واحداً، ثم تابعوا، فأصابوا ألف عين، فسميت هذه الواقعة ذات العيون؛(۲)

داستان فتح الأنبار: سپس خالد به سوی الأنبار حرکت کرد، این شهر از آن رو انبار نامیده شده که محل نگهداری مواد غذایی بوده است، نگهبانان این شهر از لشکر شیرزاد صاحب سباط بوده است.

ص: ۷۸

۱- (۱) جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، تحقیق عبد الله القاضی، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۲۴۵.

۲- (۲) نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب، نهایه الأرب فی فنون الأدب، تحقیق مفید قمحیه وجماعه، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۱۹، ص ۷۰.

هنگامی که با خالد روبه رو شدند، خالد دستور داد که آن‌ها به سوی آنان تیراندازی کنند و چشمان آن‌ها را هدف بگیرند، نخست خودش تیری پرتاب کرد و لشکریان نیز از او پیروی کردند؛ پس تیرهای آنان به هزار چشم برخورد کرد، به همین دلیل، این نبرد را «ذات العیون» نامیده اند.

۴. ابن کثیر در البدایه و النهایه می گوید:

فتح خالد للأنبار، وتسمى هذه الغزوات ذات العیون ركب خالد فی جیوشه فسار حتی انتهى إلى الأنبار وعلیها رجل من أعقل الفرس وأسودهم فی أنفسهم، یقال له شیرزاد، فأحاط بها خالد وعلیها خندق وحوله أعراب من قومهم علی دینهم، واجتمع معهم أهل أرضهم، فمانعوا خالداً أن یصل إلى الخندق فضرب معهم رأساً، ولما تواجه الفریقان أمر خالد أصحابه فرشقوهم بالنبال حتی فقأوا منهم ألف عین، فتصایح الناس، ذهب عیون أهل الأنبار، وسمیت هذه الغزوه ذات العیون؛(۱)

خالد، شهر انبار را فتح کرد و این جنگ‌ها «ذات العیون» نامیده شد. خالد سوار بر مرکب خود به انتهای شهر رفت و مردی از عاقل‌های فارس به نام «شیرزاد» همراه او بود. خالد شهر را محاصره کرد؛ ولی مردم در اطراف شهر خندق ایجاد کرده بودند. عده‌ای از مردان عرب زبان، اطراف خندق جمع شده بودند که به همراه صاحبان زمین‌ها مانع از نفوذ لشکر به داخل شهر شدند. خالد دستور داد سر یک نفر از آنان را جدا کنند. سپس فرمان داد که با تیر مردم را هدف قرار دهند تا این که چشم هزاران نفر از آنان

ص: ۷۹

۱- (۱) ابن کثیر الدمشقی، إسماعیل بن عمر ابوالفداء القرشی، البدایه والنهایه، بیروت، مکتبه المعارف، بی تا، ج ۶، ص ۳۴۹.

کور شود. فریاد و ناله مردم سراسر آن جا را فرا گرفت که چشم های مردمان کور شد. بنابراین، این جنگ را «ذات العیون» نامیدند.

تذکر

اکنون جا دارد که از برادران اهل سنت پرسیم: خداوند در کجای قرآن گفته است که اگر کسی اسلام را قبول نکرد، چشمانش را کور کنید؟! آیا چنین کارهایی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله سابقه داشت یا از بدعت های خلیفه دوم بوده است؟

(ب) کشتار هفتاد هزار نفر برای یک قسم (سال دوازده هـ - ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)

ابن اثیر جزری این مطلب را نقل کرده که خالد قسم خورد اگر به مشرکین دست پیدا کند، جوی خون راه بیندازد، به این ترتیب فقط برای یک قسم هفتاد هزار نفر را کشت:

واقتلوا قتالا- شدیداً والمشرکون یزیدهم کلبا وثبوتا توقعهم قدوم بهمین جاذویه فصا برو المسلمین فقال خالد: اللهم إن هزمتهم فعلى أن لا أستبقی منهم من أقدر علیه حتى أجرى من دمائهم نهرهم فانهمزمت فارس فنادی منادی خالد الأسراء الأسراء إلا من امتنع فاقتلوه فأقبل بهم المسلمون أسراء ووکل بهم من یضرب أعناقهم یوما ولیله. فقال له القعقاع وغيره لو قتلت أهل الأرض لم تجر دماؤهم فأرسل علیها الماء تبر یمینک ففعل وسمى نهر الدم... وبلغ عدد القتلى سبعین ألفاً؛(۱)

ص: ۸۰

۱- (۱) جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۴۲.

جنگ شدیدی در گرفت، مشرکین ایستادگی و پایداری می کردند و منتظر آمدن بهمن جاذویه بودند، مسلمانان نیز مقاومت کردند؛ پس خالد گفت: خدایا اگر آن ها را شکست دادم، سوگند یاد می کنم هیچ یک از کسانی را که به آن ها دست یافتم باقی نگذارم؛ مگر اینکه رود خون به راه بیندازم. اهالی فارس شکست خوردند، شخصی از مأموران خالد فریاد می زد: اسراء را بگیرید و هرکس مقاومت کرد، بکشید؛ پس مسلمانان آن ها را اسیر کردند و افرادی را مأمور کردند که شبانه روز گردن آن ها را بزنند. قعقاع و دیگران به خالد گفتند: اگر تمام مردم روی زمین را نیز بکشی، جوی خون راه نخواهد افتاد، آب را بر خون ها جاری کنید، تا از دست سوگندی که یاد کرده اید، آزاد شوید؛ خالد همین کار را کرد و نام آن رود را «رود خون» گذاشت. در این روز تعداد کشته شدگان به هفتاد هزار نفر می رسید.

(پ) کشتار سی هزار نفر در یک روز (سال ۱۲ هجری قمری، زمان خلیفه اول ابوبکر)

ذکر وقعه الثنی: لما وصل کتاب هرمز الی أردشیر بخر خالد آمده بقارن بن قریانس فخرج قارن من المدائن ممد الهرمز فلما انتهى الی المذار لقیته المنهزمون فاجتمعوا ورجعوا ومعهم قباذ وأنوشجان ونزلوا الثنی وهو النهر وسار إلیهم خالد فلقیهم واقتتلوا فبرز قارن فقتله معقل بن الأعشی بن النباش وقتل عاصم أنوشجان وقتل عدی بن حاتم قباذ وکان شرف قارن قد انتهى ولم یقاتل المسلمون بعده أحدا انتهى شرفه فی الأعاجم وقتل من الفرس مقتله عظیمه یبلغون ثلاثین ألفا سوی من غرق ومنعت المیاه المسلمین من

جنگ ثنی: وقتی نامه هرمز به اردشیر رسید و خبر خالد را برای او آورد، به قارن بن قریانس دستور داد که از مدائن به کمک هرمز برود. وقتی که به مذار رسید، شکست خوردگان به او رسیدند و همگی با هم جمع شدند و دوباره بازگشتند و در میان آنان قباد و انوشجان نیز بودند و در ثنی منزل گزیدند که نام نهری بود. خالد به سمت آنان رفت و جنگ کردند. قارن به جنگ آمد اما معقل بن اعشی بن نباش او را کشت؛ عاصم نیز انوشجان را کشت و عدی بن حاتم قباد را. و از ایرانیان گروه بسیاری کشته شدند که به سی هزار نفر می رسیدند! جدا از کسانی که در رود غرق شدند و آب مانع آن شد که مسلمانان بقیه ایرانیان را بگیرند!

(ت) کشتار یک صد هزار نفر را در یک روز (سال سیزده هـ - ق، زمان خلیفه دوم عمر)

ابن اثیر درباره جنگ های خلیفه دوم با ایرانیان می نویسد:

فما كانت بين المسلمين والفرس وقعة أبقى رمة منها بقیت عظام القتلى دهرًا طويلا و كانوا يحزرون القتلى مائة ألف؛(۲)

هیچ جنگی بین مسلمانان و ایرانیان نبود که پس از آن جنازه ها مانند این جنگ بر جای بماند؛ استخوان کشته ها مدتی طولانی باقی ماند و کشته ها را یکصد هزار نفر می دانستند!

(د) کشتار چهل هزار نفر، در یک روز (سال ۱۴، زمان خلیفه دوم عمر)

۱. طبری در تاریخ خود می نویسد:

فأما المقترون فإنهم جشعوا فتهافتوا في العتيق فوخزهم المسلمون

ص: ۸۲

۱- (۱) همان، ص ۲۴۰.

۲- (۲) همان، ص ۲۹۰.

برماحهم فما أفلت منهم مخبر وهم ثلاثون ألفاً وأخذ ضرار بن الخطاب درفش کابیان... وقتلوا فی المعركة عشرة آلاف سوی من قتلوا فی الأيام قبله؛(۱)

اما لشکر احتیاط، آنها فرار کرده و به صورت نامنظم در بیابان به راه افتادند؛ مسلمانان آنان را تیرباران کردند؛ به صورتی که حتی یک نفر از آنان زنده نماند و آنان سی هزار نفر بودند! پس از این ضرار بن خطاب پرچم کویان را برداشت... و در جنگ ده هزار نفر کشته شد؛ جدا از کسانی که در روزهای بعد کشته شدند!

۲. ابن خلدون در مقدمه خود می نویسد:

فانهزم قلب المشركين وقام الجالنوس على الردم ونادى الفرس إلى العبور وتهافت المقترون بالسلاسل فى العتيق وكانوا ثلاثين فهلكوا وأخذ ضرار بن الخطاب رايه الفرس العظيمة وهى درفش کابیان فعوض منها ثلاثين ألفاً وكانت قيمتها ألف ألف ومائة ألف وقتل ذلك اليوم من الأعاجم عشرة آلاف فى المعركة وقتل من المشركين فى ذلك اليوم ستة آلاف دفنوا بالخذق سوى ألفين وخمسائة قتلوا ليله الهرير وجمع من الأسلاب والأموال ما لم يجمع قبله ولا بعده مثله؛(۲)

قلب مشرکان شکست خورد، جالنوس بر بالای دیوار خرابه ای ایستاد و فریاد زد که فارس ها عبور کنند. لشکر احتیاط به صورت منظم و زنجیروار در بیابان به راه افتادند، آنان در آن روز سی هزار

ص: ۸۳

۱- (۱) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک (تاریخ الطبری)، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲- (۲) ابن خلدون الحضرمی، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، چاپ پنجم، بیروت، دارالقلم، ۱۹۸۴ م، ج ۲، ص ۵۳۵.

نفر بودند؛ پس همگی هلاک شدند. ضرار بن خطاب پرچم فارس ها را که پرچم بزرگ کابیان بود، برداشت... در این روز ده هزار نفر از فارس ها در میدان جنگ کشته شدند. شش هزار نفر از مشرکانی که این روز کشته شده بودند را داخل گودالی دفن کردند؛ غیر از دوهزار و پانصد نفری که در شب هریر کشته شده بودند. مال و اموال غارت شده در این جنگ به اندازه ای جمع شده بود که نه پیش از آن سابقه داشت و نه پس از آن جمع شد.

(ذ) جنگ برای آب و غذا و غنیمت (سال چهارده هـ - ق، زمان خلیفه دوم عمر)

شمس الدین ذهبی در سیر أعلام النبلاء می نویسد:

لما كان يوم القادسية ذهب المغيرة بن شعبه في عشرة إلى صاحب فارس فقال: إنا قوم مجوس وإنا نكره قتلکم لأنکم تنجسون علينا أرضنا. فقال: إنا كنا نعبد الحجاره حتى بعث الله إلينا رسولا فاتبعناه ولم نجىء لطعام بل أمرنا بقتال عدونا فجئنا لنقتل مقاتلتکم ونسبي ذراریکم وأما ما ذكرت من الطعام فما نجد ما نشبع منه فجئنا فوجدنا في أرضکم طعاما كثيرا وماء فلا نبرح حتى يكون لنا ولكم فقال العليج: صدق. قال وأنت تفقأ عينك غذا ففقت عینه بسهم؛(۱)

زمانی که روز جنگ قادسیه شد مغیره بن شعبه (فرمانده مسلمانان) به سوی فرمانده سپاه فارس رفت، فرمانده سپاه فارس به او گفت: ما قومی مجوس هستیم و دوست نداریم با شما بجنگیم، شما سرزمین ما را (با آمدنتان) نجس کرده اید. مغیره به او گفت: ما قومی بودیم که سنگ می پرستیدیم تا اینکه خداوند برای ما پیامبرش را فرستاد و ما از ایشان پیروی کردیم و آیین آن پیامبر را پذیرفتیم، و برای غذا هم به سرزمین شما نیامدیم؛ بلکه به ما دستور

ص: ۸۴

۱- (۱) ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۲.

داده شده بود که با دشمنان بجنگیم؛ پس به هدف جنگ با شما و اسیر کردن فرزندانان به این دیار آمدیم؛ اما آنچه در مورد غذا گفتیم: ما (در سرزمین خودمان) چیزی نیافتیم که سیرمان کند، وقتی به سرزمین شما آمدیم در این سرزمین آب و غذای فراوانی پیدا کردیم؛ بنابراین از این جا نمی رویم تا اینکه این مواد غذایی بین ما و شما تقسیم شود. علج گفت: راست می گوید.

(و فتح همدان و کشته های بی شمار (سال ۲۷ هـ - ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

طبری در تاریخ خود می نویسد:

وحدثني ربيعة بن عثمان أن فتح همدان كان في جمادى الأولى على رأس سته أشهر من مقتل عمر بن الخطاب وكان أميرها المغيرة بن شعبه قال: ويقال كان فتح الري قبل وفاه عمر بستين ويقال قتل عمر وجوشه عليها (رجع الحديث إلى حديث سيف) قال فينما نعيم في مدينة همدان في توطئتها في اثني عشر ألفاً من الجند تكاتب الديلم وأهل الري وأهل أذربيجان ثم خرج موتا في الديلم حتى ينزل بواج رود وأقبل الزينبي ابوالفرخان في أهل الري حتى انضم إليه وأقبل إسفندياذ أخو رستم في أهل أذربيجان حتى انضم إليه وتحصن أمراء مسالح دستبي وبعثوا إلى نعيم بالخبر فاستخلف يزيد بن قيس وخرج إليهم في الناس حتى نزل عليهم بواج الروذ فاقتتلوا بها قتالا شديدا وكانت وقعه عظيمة تعدل نهاوند ولم تكن دونها وقتل من القوم مقتله عظيمة لا يحصون ولا تقصر ملحمتهم من الملاحم الكبار: (۱)

ص: ۸۵

۱- (۱) طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک (تاریخ الطبری)، ج ۲، ص ۵۳۶.

ربیعہ بن عثمان برایم نقل کرد که جنگ همدان در جمادی الأولى و شش ماه گذشته از کشته شدن عمر، اتفاق افتاد. فرمانده این جنگ مغیره بن شعبه بود. برخی گفته اند که فتح ری، دو سال پیش از کشته شدن عمر بوده و زمانی که عمر کشته شده، نیروهایش در آن جا ساکن بوده اند. سیف گفته است وقتی ما در همدان بودیم، مقدمه لشکر ایران دوازده هزار نفر بودند که به اهل دیلم و ری و آذربایجان نامه نوشتند، سپس همگی آماده برای جنگ به دیلم آمدند تا به واجرود رسیدند. زینبی با اهل ری و اسفندیار برادر رستم نیز با اهل آذربایجان به کمک او آمدند. امرای لشکر عمر در قلعه گرد آمده، به نعیم خبر فرستادند. او یزید بن قیس را جانشین خود کرد و خود به سمت ایرانیان به راه افتاد تا به واجرود رسید و در آن جا جنگ شدیدی کردند که مانند جنگ نهاوند بود. از ایرانیان گروهی بسیاری که قابل شمارش نبود، کشته شد و جنگ با آنان از جنگهای بزرگ چیزی کم نداشت!

ه - (بول بدهید، از شهرتان خارج می شویم (سال ۲۷ هـ - ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

عبد الرحمن قرشی می نویسد:

وهرب جيش جرجير فبث عبد الله بن سعد السرايا وفرقها فأصابوا غنائم كثيرة فلما رأى ذلك رؤساء أهل أفریقیه طلبوا إلی عبد الله بن سعد أن يأخذ منهم مالا علی أن یخرج من بلادهم فقبل منهم ذلك ورجع إلی مصر ولم یول علیهم أحدا ولم یتخذ بها قیروانا؛(۱)

لشکریان جرجیر فرار کردند. عبدالله بن سعد لشکریان او را شکست

ص: ۸۶

۱- (۱) قرشی المصری، ابوالقاسم عبد الرحمن بن عبد الله عبدالحکم بن أعین، فتوح مصر وأخبارها، تحقیق محمد الحجیری، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۳۱۲.

داد و آنها را متفرق نمود. آنان به غنائم زیادی دست پیدا نمودند، رؤسای اهل آفریقا وقتی با چنین صحنه ای روبه رو شدند، از عبدالله بن سعد درخواست کردند که در مقابل دریافت مالی از آنها از سرزمین آنها خارج شود، عبدالله این پیشنهاد را پذیرفت و (پس از گرفتن پول) به مصر بازگشت و هیچ کسی را به عنوان خلیفه برای آنها مشخص نکرد و از ایشان سوارکار (برای جنگ) نگرفت.

ی) جنگ گرگان، همه را کشتند، جز یک نفر (سال سی هـ - ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

در این جنگ هم جنایت بزرگی اتفاق افتاد. غیر مسلمانان، از فرمانده به ظاهر مسلمان درخواست کردند که ما درهای شهر را بر روی شما می گشاییم، به شرطی که حتی یک نفر از ما کشته نشود؛ اما لشکریان خلیفه همه را جز یک نفر کشتند و گفتند ما گفته بودیم که یک نفر از شما را نمی کشیم.

محمد بن جریر طبری در تاریخ خود می نویسد:

فأتی جرجان فصالحوه علی مائتی ألف ثم أتی طمیسه وهی کلها من طبرستان متاخمه جرجان وهی مدینه علی ساحل البحر فقاتله أهلها فصلى صلاه الخوف أعلمه حذیفه کیفيتها وهم یقتلون وضرب سعید یومئذ رجلا بالسيف علی حبل عاتقه فخرج السيف من تحت مرفقه وحاصرهم فسألوا الأمان فأعطاهم علی أن لا یقتل منهم رجلا واحدا ففتحوا الحصن فقتلوا أجمعین إلا رجلا واحدا ففتحوا الحصن وحوی ما فی الحصن؛(۱)

ص: ۸۷

۱- (۱) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسول والملوک (تاریخ الطبری)، ج ۲، ص ۳۲۳.

به گرگان وارد شدند و با گرفتن دویست هزار دینار با آنان مصالحه کردند. سپس به اطراف طمیسه که شهری در کنار ساحل دریا و بعد از گرگان واقع و جزو مازندران بود، رفتند. با مردم آن جا جنگ کردند. نماز خوف که حذیفه که کیفیت خواندن آن را می دانست، خوانده شد و با آنان نیز به مقابله برخاستند و سعید با شمشیر بر سر مردم کوبید که از زیر بغل او درآمد و آنان را محاصره کردند. آنان درخواست امان کردند، به آنان این امان داده شد تا کسی از آنان را نکشند و لذا قلعه را باز کردند؛ ولی آنان همه را کشتند به جز یک مرد. سپس در قلعه را گشودند و آن چه که در قلعه بود غارت کردند.

۴. یک شبهه و پاسخ به آن

برخی ادعا کرده اند امام زمان ساخته امامیه با امام زمان راستین متفاوت است به طوریکه مهدی راستین، یاران پیامبر را گرامی می دارد، ایشان دعای خیر می کند و امهات المؤمنین را نیز دوست دارد و از آنها به نیکی یاد می کند؛ اما امام زمان ساخته روحانیت امامیه نه اینکه بر یاران رسول بغض می ورزند بلکه پیکرهای آنها را از قبرهایشان بیرون می آورد، آتش می زند. او حتی امهات المؤمنین را قصاص می کند و عایشه را حد می زند. این شبهه افکن مقصود خود از یاران رسول را شرح می دهد و می گوید: دو یار و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی ابوبکر و عمر را از قبرهایشان بیرون می آورد و از همه ستم هایی که در دنیا، پیش و پس از آن ها رخ داده است، از ابوبکر و عمر انتقام می گیرد؛ از انتقام قتل هابیل و قابیل گرفته تا گناه برادران یوسف که او را به چاه انداختند و ظلم نمود که ابراهیم علیه السلام را به آتش انداخت و حتی انتقام گناه آتش پرستان را نیز از آن دو می گیرد.

ادعای این شبهه افکنان بر دو بخش است:

۱. امام زمان شیعه از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله انتقام می گیرد و پیکرهای آنها را آتش می زند.

۲. بر عایشه ام المؤمنین تازیانه می زند.

۱. ابتدا به بررسی بخش اول یعنی انتقام گرفتن و آتش زدن پیکر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله می پردازیم. مستندات این ادعا چند روایت ضعیف و غیرقابل اعتماد است. همچنین روایات زیاد و متواتری که دلالت دارد حضرت مهدی به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می کند و خلق و خوی او همانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله از رحمت و عطف نسبت به بندگان خدا سرشار است، با این روایت ضعیف تعارض و مخالفت کامل دارد که در این جا به بررسی و نقد این روایات می پردازیم تا حقیقت امر مشخص شود.

۱-۱. رُوِيَ فِي بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمْدَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَعَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ نُصَيْرٍ عَنِ عَمْرِو (عمر) بْنِ الْفُرَاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ (عن ابی عبدالله): ... كُذِّبَ رَيْنٌ وَ حُبْثٌ وَ فَمَاحِشُهُ وَ إِنَّمْ وَ ظُلْمٌ وَ حِوْرٌ وَ عَشْمٌ مُنْذُ عَهْدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى وَفَتْ قِيَامِ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلُّ ذَلِكَ يُعِيدُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِمَا وَ يُلْزِمُهُمَا إِيَّاهُ فَيَعْتَرِفَانِ بِهِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِمَا فَيَقْتَضُ مِنْهُمَا فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ بِمِطَالِمٍ مَنْ حَضَرَ ثُمَّ يَصِيلُهُمَا عَلَى الشَّجَرَةِ وَ يَأْمُرُ نَارًا تَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ فَتَحْرِقُهُمَا... لَيَقْتَضَنَّ مِنْهُمَا لِجَمِيعِهِمْ حَتَّى إِنَّهُمَا لَيُقْتَلَانِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی پس از بیرون آوردن جنازه های ابوبکر و عمر از قبر و به دار آویختن آنها دستور می دهد آنها را با آتشی که از زمین بیرون می آید بسوزانند؛ سپس باد سیاهی می وزد و خاکستر آنها به دریا ریخته می شود و این کار در هر روز و هر شب هزار مرتبه تکرار می شود و نیز تمام گناهان خلایق از ابتدای عالم تا روز قیام مهدی به حساب ابوبکر و عمر می باشد و آنها باید عذاب همگی را تحمل کنند.

بررسی روایت

در سند روایت است که علامه مجلسی این روایت را از کتاب یکی از اصحاب نقل می کند که نام وی معلوم نیست. همچنین در سند روایت مفضل بن عمر وجود دارد که وی هم مدح شده و هم مورد طعن قرار گرفته است؛ شیخ مفید درباره وی گفته است: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح می باشد (۲)، ولی نجاشی درباره وی گفته است که او فردی فاسدالمذهب و مضطرب الروایه می باشد؛ (۳) اما بر اساس قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم است. اما در مورد دیگر راوی این روایت محمدبن نصیر شیخ طوسی در مورد وی آورده است: محمدبن نصیر مدعی رسالت و نبوت شد و به تناسخ و مدعی ربوبیت امام هادی علیه السلام قائل بود، و نکاح

ص: ۹۰

۱- (۱) محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۵۳، ص ۱۴، ب ۲۸.

۲- (۲) مفید، محمدبن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۱۶.

۳- (۳) نجاشی، احمدبن علی، رجال نجاشی، ص ۴۱۶.

با محارم و همجنس بازی مردها را حلال می دانست. (۱) عمر بن فرات نیز فردی غالی است (۲)، حسین بن حمدان نیز فردی بسیار ضعیف و فاسدالمذهب می باشد (۳)، همچنین علی بن عبدالله حسنی فردی مجهول است، بنابراین در بی اعتباری این روایت و ضعف سندی آن هیچ شکی نیست و این روایت به هیچ وجه قابل قبول و اعتماد نیست.

۱-۲. وَ يَأْسِنَادِهِ إِلَى بَشِيرِ النَّبَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: هَلْ تَدْرِي أَوَّلَ مَا يَبْدَأُ بِهِ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: يُخْرِجُ هَذَيْنِ رَطْبَيْنِ غَضَّيْنِ فَيُخْرِقُهُمَا وَيُذْرِيهِمَا فِي الرِّيحِ وَيَكْسِرُ الْمَسْجِدَ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله قَالَ: عَرِيشُ كَعْرِيشِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذَكَرَ أَنَّ مُقَدَّمِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ طِينًا وَ جَاتِيَهُ جَرِيدَ النَّخْلِ. (۴)

بررسی روایت

بشیر نبال که راوی این حدیث است توثیق نشده و علامه حلی درباره وی گفته است: من در روایت او متوقف هستم. (۵)

۱-۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِيُّ (السناني) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسِينِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا فَقَالَ: ... الْقَائِمُ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ عَرَّ وَ جَلَّ

ص: ۹۱

۱- (۱) طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، ص ۳۹۸.

۲- (۲) همان، رجال طوسی، ص ۳۶۲.

۳- (۳) حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۱۷.

۴- (۴) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۵- (۵) حسن بن یوسف، حلی، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۵.

بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصَهُ... خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ...
فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَالْعُزَّى فَأَحْرَقَهُمَا؛ (۱)

عبدالعظیم حسنی به امام رضا علیه السلام می گوید: من امیدوارم تو همان قائم از اهل بیت محمد باشی که زمین را پس از اینکه پر از ظلم و جور شده است، از عدالت پر می کند. حضرت در جواب او فرمود: آن قائمی که زمین را از عدالت پر می کند، ولادت او مخفی است و سپس غایب می شود و... هنگامی که ظاهر می شود... و وارد مدینه می گردد "لات" و "عزی" را می سوزاند. (روشن است که مراد از لات و عزی همان ابوبکر و عمر هستند)

نکته

دلیل بر اینکه همانا مراد از لات و عزی، ابوبکر و عمر هستند روایتی از بحار است که به بیان آن می پردازیم:

«عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ مِثْلَهُ بَيَانٌ بِاللَّاتِ وَالْعُزَّى صَنَمَيْ قُرَيْشِ ابَابِكْرٍ وَعُمَرَ.» (۲)

بررسی روایت

در سند روایت محمدبن احمد سنانی وجود دارد که وی فردی مجهول است. همچنین محمد بن ابی عبدالله - که به نظر مرحوم آیت الله خویی همان محمدبن جعفر اسدی است - (۳) شخصی است که به گفته نجاشی از ضعف نقل

ص: ۹۲

-
- ۱- (۱) ابن بابویه، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷-۳۷۸، ح ۲.
 - ۲- (۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۵۲، ص ۲۸۴.
 - ۳- (۳) موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۴، ص ۲۷۱.

کرده و به جبر و تشبیه قائل است. (۱)

۴-۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَا بُوْدَادَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آيَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَّالُهُ... هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحَلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي... فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى طَرِيئِينَ فَيُحْرِقُهُمَا؛ (۲)

مفضل از امام صادق صلی الله علیه و آله از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: هنگامی که به معراج برده شدم، خداوند به من مسائلی را وحی کرد... و از جمله اینکه: این قائم همان است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند و به دست او از دشمنان خود انتقام می گیرم... سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه "لات" و "عزی" را درحالی که تر و تازه هستند، خارج نموده و آنان را می سوزاند.

بررسی روایت

در سند روایت احمد بن هلال وجود دارد که شخصی غالی و متهم در دین شمرده می شود (۳)، همچنین علامه حلی (۴) و نجاشی درباره وی گفته اند: مذمت هایی درباره او از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است. (۵)

ص: ۹۳

۱- (۱) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۷۳.

۲- (۲) ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۳، ح ۲.

۳- (۳) طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۸۳.

۴- (۴) حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۰۲.

۵- (۵) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۸۳.

۵-۱. وَ يَأْسِنَادِهِ (الغيبه سيد علي بن عبدالحميد) عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... ثُمَّ يُخْرِجُهُمَا غَضَبَيْنِ رَطْبَيْنِ فَيَلْعَنُهُمَا وَ يَتَّبِرُ مِنْهُمَا وَ يَصْلِبُهُمَا ثُمَّ يُنْزِلُهُمَا وَ يُحْرِقُهُمَا ثُمَّ يُدْرِيهِمَا فِي الرِّيحِ؛ (۱)

اسحاق بن عمار از امام صادق عليه السلام چنین نقل می کند: ... سپس قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف آن دو نفر را درحالی که تر و تازه هستند، از قبر خارج می کند و مورد لعنت قرار می دهد و از آنان اظهار براءت می نماید و سپس آنان را به صلیب و دار می کشد و سپس پایین می آورد، می سوزاند و خاکستر آنان را در هوا پخش می کند.

بررسی روایت

این روایت را مرحوم مجلسی در بحار از کتاب غیبت سید علی بن عبدالحمید بدون ذکر سند از اسحاق بن عمار نقل می کند که اطلاعی از سند آن در دست نیست. در نتیجه این روایت مرسل است و نمی توان به آن اعتماد کرد.

۲. بخش دوم این شبهه درباره حد زدن بر عایشه به دست حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف است. مستند این شبهه نیز یک روایت ضعیف است که به بیان و بررسی آن می پردازیم:

۲-۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيُّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (البرقي) عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصَبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدَّ رُدَّتْ إِلَيْهِ الْحُمَيْرَاءُ حَتَّى يَجْلِدَهَا الْحَدَّ وَ حَتَّى يَنْتَقِمَ لِابْنِهِ مُحَمَّدٍ فَاطْمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْهَا. قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ لِمَ يَجْلِدُهَا الْحَدَّ

ص: ۹۴

۱- (۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۵۲، ص ۳۸۶، ح ۲۰۱.

؟ قَالَ لِفِرْيَتِهَا عَلِيٌّ أُمَّ إِبْرَاهِيمَ. قُلْتُ: فَكَيْفَ أَخْرَهُ اللَّهُ لِلصَّائِمِ. فَقَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً وَبَعَثَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ نَقَمَهُ؛ (۱)

عبدالرحيم قصير مي گويد: امام باقر عليه السلام فرمودند: وقتي قائم ما قيام مي کند، همانا حميراء (يعني عايشه) به او تحويل داده مي شود تا حد بر او جاري شود و نيز انتقام فاطمه عليه السلام، دختر محمد صلي الله عليه و آله، از او گرفته شود. سپس مي گويد: پرسيدم فدای شما کردم چرا حد بر عايشه جاري مي شود؟ حضرت فرمود: برای اتهامی است که به ام ابراهيم [کنيزی به نام ماريه قبطيه که همسر پیامبر صلي الله عليه و آله بود] وارد کرد [و او را به زنا با مردی قبطی متهم نمود]. پرسيدم: چرا خداوند اجرای حد عايشه را تا زمان قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف تأخير انداخت؟ حضرت در پاسخ فرمود: برای اینکه خداوند پیامبر صلي الله عليه و آله را برای رحمت جهانيان مبعوث کرد و قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف را برای نقيمت يعني انتقام و عذاب.

بررسی روایت

در سند روایت هست که ماجيلويه اين روایت را از عمويش نقل کرده است. خود ماجيلويه فردی موثق است؛ اما عموی وی ناشناخته است، محمدبن سليمان (بصری یا ديلمی) فردی متهم به غلو می باشد (۲) و عبدالرحيم قصير نيز توثيق نشده است. اين روایت افزون بر ضعف سندی از نظر متنی نيز مخالف روایاتی است که حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف را در خلق، ویژگی و سيره عملی همچون پیامبر

ص: ۹۵

۱- (۱) ابن بابويه، محمدبن علی، علل الشرائع، چاپ اول، قم، داوری، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۶۷۹-۵۸۰، ح ۱۰.

۲- (۲) طوسی، محمدبن حسن، رجال طوسی، ص ۳۴۳.

اسلام صلی الله علیه و آله و پیامبران دیگری مانند ابراهیم علیه السلام، یوسف علیه السلام، ایوب علیه السلام، موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام معرفی می نماید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بنا بر نصّ قرآن مجید "رحمه للعالمین" بود؛ چگونه آخرین خلیفه او به جای رحمت، نقتت برای جهانیان می باشد؟ افزون بر این، پیامبر رحمت در اجرای حدود الهی میان خویشاوندان خود و مسلمانان دیگر تفاوتی نمی گذاشت؛ و اگر عایشه شایسته حد می بود به طور قطع پیامبر صلی الله علیه و آله از اجرای آن کوتاهی نمی کرد.

بنابراین باید گفت شیعه هرگز به آنچه این شبهه بیان می دارد، معتقد نیست، بلکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در رفتار و کردار هم خوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می داند.

نتیجه گیری

بنابر آنچه گذشت و پس از بررسی روایات مشخص شد روایاتی که درباره جنگ و کشتار وجود دارد، چند دسته هستند؛ تعدادی از این روایات به زمان پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تعدادی از آنها به زمان پس از اتمام حکومت حضرت مربوط است و هیچ ربطی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد و نباید آنها را به وی نسبت داد.

اما پس از بررسی دقیق مشخص شد که آن دسته از روایاتی که به ظهور حضرت مربوط می باشد و چهره قیام او را خشن و خونین و همراه با جنگ و کشتار بسیار زیاد جلوه می دهد، دچار مشکل سندی و متنی جدی هستند. این روایات از سوی افراد بسیار ضعیفی همچون محمدبن علی کوفی و ابوجارود و... نقل شده است و بنابراین نمی توان برای این روایات اعتباری قائل بود و بر اساس آن چهره و عملکرد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به هنگام قیام خونین و خشن دانست، بلکه

چنان که در فصل های بعدی به آن اشاره خواهد شد، سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان سیره جدّ بزرگوارشان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است. آن چنان که امام مظهر «رحمه للعالمین» می باشد و با مردم با محبت و مهربانی رفتار می کند و تنها با دشمنان حقیقی خداوند که همچنان خواستار ظلم و ستم هستند و به هیچ وجه هدایت الهی را نمی پذیرند وارد جنگ می شود و آنها را از صحنه روزگار محو خواهد کرد.

فصل دوم: انقیاد تام خلاق بدون هیچگونه خونریزی و کشتار (دیدگاه تقریبی)

اشاره

ص: ۹۹

در مقابل دیدگاه افراطی که در فصل پیشین آمد، یک دیدگاه دیگر به نام دیدگاه تفریطی وجود دارد که بنا بر آن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام ظهور از راه ولایت و تصرف تکوینی همه خلائق را مطیع و مسخر می کند و امور جهان را با اعجاز و به صورت غیر عادی انجام می دهد، بنابراین کشتار و اعدام خیلی اندک خواهد بود و حتی به اندازه خون حجامت هم خونی ریخته نخواهد شد.

برای روشن شدن این مطلب و دریافت پاسخ درست به احادیثی که در این باره وارد شده، می پردازیم. این احادیث به دو دسته تقسیم می شوند؛ یک دسته، آن احادیثی است که این دیدگاه را بیان و تقویت می کنند که به طور عمده این روایات دارای مشکل سندی جدی است و دسته دیگر احادیثی است که این دیدگاه را نادرست می داند و به بیان دیدگاه درست می پردازند.

۱. بیان و نقد روایاتی که این دیدگاه را بازگو و تقویت می کند

ابتدا روایاتی را بیان می کنیم که این دیدگاه را تقویت می کنند و در ادامه به بررسی و نقد آنها می پردازیم:

۱-۱. قَالَ الْوَلِيدُ: عَنْ أَبِي رَافِعٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَافِعٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلَةُ يَعْشُوبُهَا، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْزًا، حَتَّى يَكُونَ

ص: ۱۰۰

النَّاسُ عَلَىٰ مِثْلِ أُمْرِهِمُ الْأَوَّلِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛ (۱)

امت وی به سوی او پناه می برند چنانچه زنبور عسل به ملکه اش پناه می برد، زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و جور شده است تا اینکه مردم به حالت اولشان (امنیت) بازگردند. (به هنگام قیام او) هیچ در خواب فرو رفته ای را بیدار نمی کند و هیچ خون و خونریزی نمی کند.

بررسی روایت

این روایت ضعیف و غیر قابل اعتماد است؛ زیرا یحیی بن معین از رجالیون اهل سنت درباره اسماعیل بن رافع واژه ضعیف را به کار برده است. (۲) همچنین در سند، عبارت مبهم «عَمَّن» وجود دارد که باعث ارسال و ضعف سند شده است.

۱-۲. حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُفٍ، عَنِ فِطْرَيْنَ خَلِيفَةَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعُكْلِيِّ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يَبَايِعُ الْمَهْدِيُّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا، وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛ (۳)

ابوهریره گوید: با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بین رکن و مقام بیعت می شود، وی نه در خواب فرورفته ای را بیدار میکند و نه قطره ای خون می ریزد. (در قیام وی قطره ای خونریزی نمی شود).

بررسی روایت

اولاً- این روایت موقوف و غیر مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد؛ ثانیاً راوی آن ابوهریره است که وی فردی بسیار ضعیف است و شرح حال وی پیش از این بیان شد.

ص: ۱۰۱

۱- (۱) مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۵۹، ح ۱۰۴۰.

۲- (۲) جرجانی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد ابوالاحمد، الکامل فی ضعف الرجال، تحقیق یحیی مختار غزاوی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۲۸۰، ش ۱۱۹.

۳- (۳) مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۴۳، ح ۹۹۱.

۳-۱. حَدَّثَنَا ابْنُ عَفَّانَ، حَدَّثَنَا قَاسِمٌ، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زُهَيْرٍ، حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا أَبُو هِلَالٍ، عَنْ قَتَادَةَ، قَالَ: يُجَاءُ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَهُوَ فِي بَيْتِهِ وَالنَّاسُ فِي فِتْنَةٍ تُهْرَاقُ فِيهَا الدَّمَاءُ، فَيَقَالُ لَهُ: قُمْ عَلَيْنَا فَيَأْتِي حَتَّى يُخَوِّفَ بِالْقَتْلِ، فَمِذَا خُوِّفَ بِالْقَتْلِ قَامَ عَلَيْهِمْ، فَلَا يُهْرَاقُ فِي سَبَبِهِ مَحْجَمُهُ دَمٌ؛ (۱)

قتاده گوید: مردم به سوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آیند درحالی که او در منزلش است و مردم در فتنه ای که در آن خونریزی شدیدی می شود، دچار هستند سپس به او گفته می شود که به سوی ما برخیز و قیام کن، سپس او ابا کرده و سر باز می زند تا اینکه از قتل خویش می هراسد، پس هنگامی که از قتل هراسید، به سوی مردم قیام می کند، سپس به هنگام قیام وی به سبب آن هیچ خونی ریخته نمی شود.

بررسی روایت

این روایت افزون بر اضطراب متن دچار ضعف سندی است؛ زیرا این روایت موقوف و غیر مسند به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و اعتباری ندارد.

۲. روایات متعارض و بیان دیدگاه صحیح

در این بخش به بیان روایاتی می پردازیم که این دیدگاه را نادرست می داند و سرانجام به بیان دیدگاه درست می پردازد:

۱-۲. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بن عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ مِنْ كِتَابِهِ فِي صِفْرِ سِنَةِ أَرْبَعٍ وَ سَبْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَامِرٍ بن رَبَاحِ الثَّقَفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ

ص: ۱۰۲

۱- (۱) دانی، عثمان بن سعید، السنن الواردة فی الفتن، د. ضاء الله بن محمد إدريس المبارکفوری، چاپ اول، الرياض، دار العاصمة، ۱۴۱۶ ق، ج، ۵، ص ۱۰۴۲، ح ۵۵۷.

بَشِيرِ النَّبَالِ وَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَنْدَنِجِيُّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ بَشِيرِ بْنِ أَبِي أَرَاكَةَ النَّبَالِ وَ لَفْظُ الْحَدِيثِ عَلَى رِوَايَةِ ابْنِ عُقْدَةَ قَالَ: لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ انْتَهَيْتُ إِلَى مَنْزِلِ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ اسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ فَلَا يُهْرِيْقُ مِحْجَمَهُ دَمٌ فَقَالَ كَلَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى جَبْهَتِهِ؛(۱)

بشیربن ابی اراکه گوید: چون به مدینه رسیدم به خانه ابی جعفر علیه السلام گذرم افتاد. عرض کردم: آنان (مرجئه) می گویند: چون این کار روی دهد (ظهور رخ دهد)، همه کارها برای او درست شود و به اندازه خون یک حجامت هم خون ریخته نخواهد شد. فرمود: هرگز چنین نیست. سوگند به آن کسی که جانم به دست اوست، کار به آن جا خواهد کشید که ما و شما عرق و خون بسته را پاک کنیم و با دست خود به پیشانی خود اشاره کرد. (کنایه از برطرف کردن عرق پیشانی است).

نکته

علامه مجلسی در توضیح عبارت «مسح عرق و علق» گفته است که این عبارت کنایه از سختی ها و دشواری های جنگ و درگیری است که موجب پدید آمدن عرق و ایجاد زخم های خونین می شود.(۲)

۲-۲. مُوسَى بْنُ بَكْرِ الْوَاسِطِيُّ عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ قَالَ: قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ وَ ذَكَرَ مِثْلَ الْحَدِيثِ الْمُتَقَدِّمِ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدَى لَوْ قَامَ لَأَسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوًا وَ

ص: ۱۰۳

۱- (۱) نعمانی، محمدبن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۸۳، ب ۱۵، ح ۱.

۲- (۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۲، ص ۳۵۷.

لَا يُهْرِيْقُ مِحْجَمَهُ دَمٌ فَقَالَ: كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ أَدْمَيْتُ رَبَاعِيَّتَهُ وَ شُجَّ فِي وَجْهِهِ؛ كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ؛(۱)

موسی بن بکر واسطی از بشیر نبال گوید: به مدینه رسیدم و همانند حدیث پیشین را ذکر کرد جز اینکه گوید: چون به مدینه رسیدم، به ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: آنان می گویند که چون مهدی قیام کند، همه کارها از برای او به خودی خود درست شود و به اندازه حجامتی خون نمی ریزد. فرمود: هرگز چنین نیست. سوگند به آن کس که جان من به دست اوست، اگر کارها به خودی خود برای کسی درست می شد، هر آینه برای رسول خدا درست می شد آنگاه که دندان های جلوی آن حضرت شکست و صورت مبارکش زخم برداشت. نه، هرگز، سوگند به آن کس که جان من به دست اوست، کارها به آن جا می انجامد که ما و شما عرق و خون بسته را پاک کنیم، سپس پیشانی خود را پاک کرد.

۲-۳. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبُنْدَنِي جِيُّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ الْعَبَّاسِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ ذَكَرَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ أَمْرُهُ فِي سَهْوِهِ فَقَالَ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَ الْعَرَقَ؛(۲)

مفضل بن عمر گوید: اباعبد الله علیه السلام از امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد می کرد و من عرض کردم: من امیدوارم که کار او به آسانی انجام پذیرد

ص: ۱۰۴

۱- (۱) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۸۳، ب ۱۵، ح ۱.

۲- (۲) همان، ص ۲۹۵، ب ۱۵، ح ۳.

شنیدم که فرمود: این کار صورت نمی پذیرد تا آنکه عرق و خون بسته را پاک کنید.

نتیجه گیری

با بررسی این روایات می بینیم آن طور نیست که همه کارها در زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، به خودی خود و با اعجاز و تصرفات تکوینی انجام شود، هر چند در ولایت و تصرف تکوینی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و امامان معصوم دیگر، هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. بلکه کار، دشوارتر از آن چیزی است که افرادی چون مرجئه به آن اعتقاد دارند. بنابر روایات متعدد، نمی توانیم ادعا کنیم که در هنگام ظهور، هیچ قتل و کشتاری رخ نمی دهد؛ زیرا در آن دوران بحث از انتقام، اجرای حدود الهی و اقامه حکومت عدل جهانی است و مسلماً، این امر بزرگ بدون برطرف کردن خاها و سنگ های سر راه آن حضرت، میسر و محقق نمی شود.

از طرفی، تاریخ گواه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام سعی کردند، امور جهان را به طور عادی و در مسیر طبیعی خود انجام دهند، بنابر همین اصل است که دندان های پیشین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ شکسته شد و زخم هایی در جنگ احد و... بر ایشان وارد گشت. امیرالمومنین علیه السلام نیز در جنگ احد نود زخم برداشت. (۱) البته هم رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم اهل بیت او، به ویژه بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر تصرف تکوینی قدرت دارند و

ص: ۱۰۵

۱- (۱) مجلسی، محمد باقرین محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۲۰، ص ۵۴.

همواره معجزات و امدادهای غیبی و الهی، همراه آن حضرات و همچنین مؤمنان مخلص و ایثارگر مستضعفان بوده و خواهد بود. به هر حال، لزومی ندارد که ادعا کنیم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام کارها را از راه امور غیرعادی و به صورت اعجاز گونه انجام می دهد و هیچ خونی را نخواهد ریخت.

ص: ۱۰۶

فصل سوم: همسانی سیره حکومتی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (دیدگاه میانه)

اشاره

ص: ۱۰۷

۱. وحدت رویه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام

احادیث صحیح و معتبری است که صریحاً روش حکومتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را همان روش حکومتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام معرفی می کند. چند نمونه از این روایات به شرح زیر است:

۱-۱. حَدَّثَنَا شَيْخُنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ حُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَ مَهْدِيُّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِهِ؛ (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: نهمین فرزند وی امام حسین علیه السلام قائم اهل بیت من است و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امت من شبیه ترین مردم نسبت به من در شمائل و گفتار و کردار است.

۱-۲. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ

ص: ۱۰۸

۱- (۱) خزاز رازی، علی بن محمد، کفایه الاثر، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۰-۱۱.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَمَّالٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ الْقَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ إِذَا قَامَ بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ فَقَالَ: بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامَ؛ (١)

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که می گوید: از ابو جعفر باقر علیه السلام درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم و گفتم: هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، با چه روشی در میان مردم عمل خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: با همان شیوه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله در پیش گرفت در میان مردم عمل خواهد کرد، تا اسلام فراگیر و غالب شود.

٣-١. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟ فَقَالَ: يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَيَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا. (٢)

عبدالله بن عطاء گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور، چه سیره و روشی در حکومت خواهند داشت؟ امام علیه السلام پاسخ می دهند: درست مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله، تمام آنچه را که به نام اسلام بر دنیا حاکم است، از بین خواهد برد و اسلام را از نو عرضه خواهد کرد.

ص: ١٠٩

١- (١) طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق حسن الموسوی خراسان، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ١٤٠٧ ق، ج ٦، ص ١٥٤.

٢- (٢) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران، صدوق، ١٣٩٧ ق، ص ٢٣٢، ب ١٣، ح ١٧.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرموده قرآن(۱) با نرمی و عدم خشونت، ماقبل خود را بی اعتبار کرد. پیامبر با همه مردم این چنین بود حتی با کافران هم این گونه رفتار می کرد و این رفتار وی به مسلمانها اختصاص نداشت. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز درباره کافران همان سیره را به کار خواهد بست؛ به طور مسلم اگر امام با غیر مسلمانان با لطف و مهربانی رفتار کند، با مسلمانان مهربان تر خواهد بود.

۴-۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبُرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: ... أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ لِبَسِ ثِيَابَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَارَ بِسِيرِهِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛(۲)

هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، لباسی همچون جامه های علی علیه السلام بر تن می کند و دقیقاً به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام عمل خواهد کرد.

مراد از «عده من اصحابنا» در سندس روایت علی بن ابراهیم و علی بن محمد بن عبد الله بن اذینه و احمد بن عبدالله بن امینه و علی بن حسن می باشند که همگی مورد اعتماد هستند(۳). سند این روایت درست است و هیچ شک و شبهه ای در آن وجود ندارد؛ چرا که راویانش یکی از دیگری بهتر است و متن آن نیز با سیره معصومین علیه السلام موافق است.

۱- (۱) آل عمران (۳)، ۱۵۹.

۲- (۲) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ه، ح ۴.

۳- (۳) حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۷۲.

مدلول این روایات آن است که چون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، همه مردم، از خرد و کلان و پیر و جوان به او عشق می ورزند و از صمیم قلب او را دوست دارند.

۵-۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ فَضْلِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحِذَائِيِّ قَالَ:.. فَقَالَ (ابوجعفر عليه السلام) يَا ابَاعُيْبَةَ إِنَّهُ لَا يَمُوتُ مِمَّا مَيِّتٌ حَتَّى يُخَلَّفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْمَلُ بِمِثْلِ عَمَلِهِ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ وَ يَدْعُو إِلَى مَا دَعَا إِلَيْهِ؛(۱)

ای اباعبیده کسی از ما چشم از جهان فرو نمی بندد مگر اینکه پس از خود کسی را قرار می دهد که مانند او عمل می کند و به روش او رفتار می نماید و به آنچه او می خوانده، فرا می خواند.

نکته

بر اساس این روایت سیره هر امام لاحقی همچون سیره امام پیشین است، پس همه امامان معصوم علیهم السلام از سنت و سیرتی همگون برخوردارند و در نتیجه امام علی علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیرتی یکسان خواهند داشت.

۲. چگونگی رفتار امیر المومنین علی علیه السلام با دشمنان

اکنون که معلوم شد سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است، باید ببینیم که سیره این بزرگواران در رویارویی با دشمنان چگونه بوده است تا آن روش را برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز قائل باشیم.

۱-۲. حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

ص: ۱۱۱

۱- (۱) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱.

أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجُورِ فِيمَنْ وُلِّيَتْ عَلَيْهِ؟ (۱)

آیا مرا فرمان می دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن در باره آن که والی او هستیم.

به طور یقین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از همین روش پیروی خواهد کرد، و امکان ندارد که بخواهد از راه ستم، حکومت بر مردم را به دست گیرد.

۲-۲. وَ سَأَلَهُ (سَأَلَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ) عَمَّا رَجَعَ حِينَ دَخَلَ الْبَصْرَةَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِأَيِّ شَيْءٍ تَسِيرُ فِي هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: بِالْمَنْ وَالْعَفْوِ كَمَا سَارَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي أَهْلِ مَكَّةَ حِينَ افْتَتَحَهَا بِالْمَنْ وَالْعَفْوِ؛ (۲)

چون امام علی علیه السلام به بصره وارد شدند، عمار عرض کرد: ای امیرمؤمنان با اینها چگونه رفتار خواهی کرد؟ حضرت فرمود: با گذشت و رحمت، هم چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چون مکه را فتح کرد، با گذشت و رحمت با آنها رفتار نمود.

۳-۲. یک نقل تاریخی

دغدغه و سیره امام علی علیه السلام درباره روشنگری، نمایان کردن حقیقت و چگونگی رویارویی با دشمنان را از نقل های تاریخی نیز آشکارا می توان دریافت. برای نمونه به یک نقل تاریخی اشاره می کنیم:

آن حضرت در پگاه روز یازدهم جمادی الاولی درحالی که در میمنه سپاه مالک اشتر و در میسره آن عمار یاسر حضور داشت و پرچم به دست فرزندش محمد حنفیه بود، به سمت سپاه جمل حرکت نمود. آنگاه حضرت بر جایگاهی

ص: ۱۱۲

۱- (۱) شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، چاپ اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۸۳، خ ۱۲۶.

۲- (۲) ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۳۹۴.

ایستادند و با صدای بلند خطاب به سپاه خود فرمود: شتاب نکنید تا بر آنها حجت اقامه کنم. پس ابن عباس را خواند و قرآنی به او داد و فرمود: این قرآن را به سوی طلحه، زبیر و عایشه ببر و آنها را به آنچه در آن است، فراخوان و به طلحه و زبیر بگو آیا شما با اختیار با من بیعت نکردید؟ پس چه چیز سبب شد بیعت مرا بشکنید درحالی که این قرآن میان من و شما حکم می کند. او می گوید: به خدا سوگند هنوز از جایم حرکت نکرده بودم که تیرهایشان همچون ملخ های پراکنده به سویم باریدن گرفت، به علی علیه السلام عرض کردم: ای امیر مؤمنان تا کی با ما چنین کنند؟! اجازه دهید از خود دفاع کنیم.

حضرت فرمود: بگذارید بار دیگر بر آنها حجت را تمام کنم. سپس فرمود: چه کسی این قرآن را می گیرد و آنها را به آن فرا می خواند و بداند که کشته می شود و من ضمانت بهشت او را از سوی خداوند برعهده می گیرم. هیچ کس از جای خود برخواست جز جوانی کم سن از عبدالقیس که قبای سفیدی بر تن داشت و نامش مسلم بود. او گفت: ای امیرمؤمنان! من این کار را انجام می دهم و جان خود را به خاطر خدا بر این کار می گزارم.

حضرت از سر دلسوزی از او روی بازگرداند و فرمود: چه کسی این قرآن را می گیرد و بر آنها عرضه می کند و بداند که کشته می شود و بهشت برای اوست. مسلم دوباره سخن خود را تکرار کرد و گفت: من چنین می کنم. امام علیه السلام برای سومین بار سخن خود را تکرار کرد و غیر از آن جوان کسی به پا نخواست. علی علیه السلام قرآن را به او داد و فرمود: به سوی آنان برو و قرآن را بر آنها عرضه نما و به آن چه در قرآن است دعوتشان کن. او حرکت کرد و مقابل سپاه جمل ایستاد و قرآن را باز کرد و گفت: این کتاب خداست و امیرمؤمنان شما را به آن چه در آن است، فرا می خواند. عایشه گفت: خداوند صورتش را زشت کند با

نیزه بزیدش و آنها نیز بر نیزه زدن به او بر یکدگیر سبقت گرفتند و از هر سو نیزه اش زدند.

امام علیه السلام در این حال آماده نبرد شدند و پرچم را به فرزندشان محمد بن حنیفه دادند و در میان سپاه فریاد زدند: هیچ فراری را نکشید و مجروحی را از پا در نیاورید، پرده کسی را ندرید، زنی را نترسانید و کشته ای را مثله نکنید. آن حضرت در حال سفارش به لشکر بودند که مردی از اصحابشان کشته شد. آن حضرت با مشاهده این واقعه فرمودند: خدایا تو شاهد باش. (۱)

نکته

البته برخی از محققان بر این باورند که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در رویارویی با خروج کنندگان بر آن حضرت روشی متفاوت با روش امام علی علیه السلام برخوردار است؛ یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام جنگ می تواند اموال آنها را به غنیمت بگیرد، خانواده آنان را به اسارت ببرد و اسیران، فراریان و مجروحانشان را از پای در آورد؛ ولی رفتار حضرت علی علیه السلام تقیه و مصلحت یاران پس از خود بود که مبادا گرفتار دشمن شوند و دشمن با آنها بد رفتاری کند؛ به همین دلیل بود که در جنگ ها فراریان و مجروحان دشمن را تعقیب نمی کرد و آنها را نمی کشت، ولی بنده با این قول موافق نیستم زیرا احادیثی که این نظر را بیان و تقویت می کنند از نظر سندی مشکل دارند و نمی توان به آنها اعتماد کرد. برای نمونه به یکی از این روایات اشاره می کنیم:

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بِهِذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ

ص: ۱۱۴

۱- (۱) مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصره لسيد العتره في حرب البصره، تحقيق على مير شريفى، چاپ اول، قم، کنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۳۶-۳۴۲.

قَالَ إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ لِي أَنْ أَقْتَلَ الْمُؤَلَّى وَ أُجْهَزَ عَلَى الْجَرِيحِ وَ لَكِنِّي تَرَكْتُ ذَلِكَ لِلْعَاقِبَةِ مِنْ أَصْحَابِي إِنْ جُرِحُوا لَمْ يُقْتَلُوا وَ الْقَائِمُ لَهُ أَنْ يُقْتَلَ الْمُؤَلَّى وَ يُجْهَزَ عَلَى الْجَرِيحِ؛ (١)

مرا چنین حقی بود که فراریان از جبهه جنگ را بکشم و زخمی ها را کارشان یکسره کنم، ولی این کار را به ملاحظه آینده یاران نکردم، باشد که اگر آنان نیز زخمی شدند، کشته نشوند و از برای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که فراریان را بکشد و کار زخمی را یکسره کند.

بررسی روایت

این روایت از سوی محمد بن علی الکوفی نقل شده است که وی فردی بد نام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند، شرح حال وی پیش از این به طور مفصل بررسی شد. (٢)

٣. چگونگی مقابله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با دشمنان حقیقی

یقیناً، پیش از ظهور و مقارن با آن ستمگران خون ریزی بر دنیا حکومت می کنند که از هیچ جنایتی فرو نمی گذارند. حال، امامی که قیام می کند، در برابر این همه کج روی ها و بیدادگری ها باید چگونه برخورد کند تا جهان را پر از عدل و داد سازد؟ بی تردید، دشمنانی که دست شان به خون بشریت آلوده است، حق مردم را غصب کرده اند و یا پست و مقامشان به خطر افتاده است، در برابر حرکت اصلاح گرانه و نهضت امام ایستادگی می کنند. بنابراین، امامی که قیام می کند و مأموریت دارد حکومت جهانی اسلام را تشکیل دهد، باید برای برطرف کردن موانع خود، نقشه و برنامه داشته باشد. اکنون مروری بر این

ص: ۱۱۵

۱- (۱) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۳۷، ب ۱۳، ح ۱۵.

۲- (۲) رک: ص ۱۶.

برنامه ها خواهیم داشت.

امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف برای انتقام و خون خواهی از دشمنان اسلام، به ثمر رساندن انقلاب جهانی، اجرای حدود الهی و برقراری حکومت عدل جهانی ناگزیر از جنگ خواهد بود و در مقابل آن، دشمنان تا دندان مسلح و کج اندیشان دنیانگر، با در دست داشتن امکانات گسترده اقتصادی، برخورداری از فن آوری پیشرفته و سازماندهی ارتش های قدرت مند پرچم مخالفت بر می دارند و مانع مسیر اصلاح گرانه امام می شوند. از سوی دیگر پیش از قیام، جنگاوران دریا دل و دست یارانی توان مند و کارآمد با هدایت خاص و عام آن حضرت تربیت می شوند که تعداد آنان، در برخی روایات، سیصد و سیزده نفر^(۱) و در برخی، ده هزار نفر و در تعدادی از آن ها، صد هزار نفر و... بیان شده است.

اینک به نقل تعدادی از روایات می پردازیم که بیانگر رویارویی حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف با دشمنان حقیقی و غلبه بر آنان است:

۳-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ... قَالَ: وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى قَالَ: النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَتَهُ الْبَاطِلَ. (۲)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: او قائم اهل بیت علیهم السلام است، هنگامی که قیام کرده و بر دولت باطل پیروز می شود.

۳-۲. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الشَّيْبَانِيُّ فِي «كَشْفِ الْبَيَانِ» قَالَ: رَوَى فِي أَخْبَارِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ (وَأُرِيدُ أَنْ

ص: ۱۱۶

۱- (۱) رک: نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، صدوق، ص ۳۱۳.

۲- (۲) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ - وَ نَمَكَّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ) ۱ مخصوصه بصاحب الامر الندی يظهر في آخر الزمان و يبسط الجبارة و الفراعنه و يملك الأرض شرقاً و غرباً فيملأها عدلاً كما مُلئت جوراً؛(۱)

از صادقین علیهما السلام روایت است که فرموده اند این آیه درباره صاحب الامر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد که وی در آخر الزمان ظهور کرده، ستمگران و فراعنه را نابود کرده، شرق و غرب را فتح کرده، زمین را همان طور که پر از ظلم و ستم شده، پر از عدل و داد می کند.

۳-۳. اَبی عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... وَ يُؤَلَّوْنَ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى يَدْخُلَهُمْ أَبْيَاتِ الْكُوفَةِ وَ يُنَادِي مُنَادِيَهُ أَلَا لَا تَتَّبِعُوا مَوْلِيَّ وَ لَا تَجْهَرُوا عَلَيَّ جَرِيحٍ وَ يَسِيرٌ بِهِمْ كَمَا سَارَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْبَصْرَةِ؛(۲)

امام صادق علیه السلام در روایتی با اشاره به درگیری سپاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سپاه سفیانی می فرماید: ... و سپاه سفیانی می گریزند و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنها را می کشد تا اینکه می گریزند و به خانه های کوفه پناه می برند، منادی آن حضرت فریاد برمی آورد: هیچ فراری را تعقیب نکنید و مجروحی را از پا در نیاورید و با آنان همچون سیره امام علی علیه السلام در روز بصره رفتار می نماید.

ص: ۱۱۷

۱- (۲) بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۲۸۰.

۲- (۳) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام، ج ۵۲، ص ۳۸۸.

چنان که آمد روایاتی که به جنگ و کشتار بسیار زیاد اشاره می کند به سه دسته تقسیم می شوند که دو دسته از آنها یکی به زمان پیش از ظهور و دیگری به زمان پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط است که نباید این دو دسته را به حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داد؛ و اما آن روایاتی که به زمان ظهور حضرت مربوط است و چهره قیام حضرت را بسیار خشن نشان می دهد، چنانچه بیان شد، از نظر سندی و متنی دچار مشکل جدی بودند که در این میان نقش پررنگ غالیان و افراد ضعیفی همچون حسن بن علی بن ابی حمزه و پدرش و... در نقل این روایات مشاهده گردید.

در برابر روایاتی که قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بسیار خشن نشان می دهد، دسته ای روایات نشان می دهند که در هنگام ظهور امام هیچ جنگ و کشتاری رخ نمی دهد. پس از بررسی آنها مشخص شد این روایات نیز قابل اعتماد نیستند و افزون بر آن امامان معصوم علیهم السلام نیز با این دیدگاه به شدت مخالفت کرده اند.

بررسی دقیق این روایات نشان می دهد که همه کارها در زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، به خودی خود و با اعجاز و تصرفات تکوینی انجام نمی شود، زیرا در آن دوران، بحث از انتقام، اجرای حدود الهی و اقامه حکومت عدل جهانی وجود دارد و مسلماً، این امر بزرگ بدون برطرف کردن خاها و سنگ های سر راه آن حضرت میسر و محقق نمی شود.

در پایان به این نتیجه می رسیم که با توجه به روایات درست، سیره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در رویارویی با دشمنان همان سیره جد بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام خواهد بود و اصولاً حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای برقراری عدل،

که خواسته طبیعی و فطری انسان هاست، ظهور خواهد کرد، بنابراین هرگز رفتار او به گونه ای نیست که مردم آرزو کنند، ای کاش او را نبینند یا به دلیل بی رحمی هایی که انجام می دهد، او را از آل محمد صلی الله علیه و آله ندانند. در حقیقت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابتدا به روشنگری شریعت حق و آموزه های الهی برای دشمنان می پردازد و آنها را به سوی حق دعوت کند، سپس با کسانی که در واقعیت و حقیقت دشمن خدا و اهلیت علیهم السلام هستند و حتی پس از دعوت به حق نیز لجاجت کرده، به ظلم و کارهای نابکارانه خود ادامه می دهند (سفیانی و...) وارد جنگ می شود و آنها را از بین می برند.

ملحقات و ضمائم

اشاره

ص: ۱۲۱

فهرست روایات

| صفحه | راوی | روایت | ردیف |
|------|-------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|
| ۹۰ | حماد بن عثمان | أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ لَيْسَ نِيَابَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ | ۱ |
| ۲۷ | مفضل بن عمر | الْأَدْنَى غِلَاءُ السَّعْرِ، وَالْأَكْبَرُ الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ | ۲ |
| ۴۸ | معاویه بن عمار | إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهْ فِي عَافِيَةٍ | ۳ |
| ۴۱ | عبدالله بن سنان | إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ | ۴ |
| ۱۷ | ابو بصیر | إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ وَ قُرَيْشٍ إِلَّا السَّيْفُ | ۵ |
| ۱۶ | ابو بصیر | إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ | ۶ |
| ۳۳ | عبدالرحمن بن حجاج | إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَتَى رَحْبَةَ الْكُوفَةِ | ۷ |
| ۶۰ | سلام بن مستنیر | إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ | ۸ |
| ۳۲ | ابن ابی حمزه | إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ | ۹ |
| ۴۳ | قاسم بن عبید | إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ فَقَتَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعِمِائَةَ | ۱۰ |
| ۷۷ | عبدالرحیم قصیر | أَمَّا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدْ رُدَّتْ إِلَيْهِ الْحُمَيْرَاءُ | ۱۱ |

| رقم | روایت | راوی | صفحه |
|-----|-----------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------|------|
| ۱۲ | إِمَّا مَوْتٌ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ إِذْرَاكُ ظُهُورِ | ابو حمزه ثمالی | ۴۸ |
| ۱۳ | إِنْ أَوْلَ مَنْ يَكْرُ إِلَى الدُّنْيَا الْحَسِينُ بْنُ عَلِيٍّ <small>عليه السلام</small> | رفاعة بن موسى | ۱۴ |
| ۱۴ | إِنَّ عِنْدِي الْجَفْرَ الْأَبْيَضَ | حسين بن ابى علاء | ۵۷ |
| ۱۵ | إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا | مفضل بن عمر | ۲۶ |
| ۱۶ | أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ (وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى | محمد بن حسن شيباني | ۹۶ |
| ۱۷ | أَنَّهُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ <small>عليه السلام</small> سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ | ابو جارود | ۲۸ |
| ۱۸ | أَسِيرُ الْقَائِمِ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِيرَةِ عَلِيِّ <small>عليه السلام</small> | حسن بن هارون | ۵۳ |
| ۱۹ | بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ | مرسلا عن علي <small>عليه السلام</small> | ۳۴ |
| ۲۰ | بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ يَعْنِي الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِهِ <small>عليه السلام</small> | حارث اعور همداني | ۲۹ |
| ۲۱ | بِالْمَنْ وَالْعَفْوِ كَمَا سَارَ النَّبِيُّ <small>صلى الله عليه وآله</small> | عمار | ۹۲ |
| ۲۲ | بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ - رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> | محمد بن مسلم | ۸۹ |
| ۲۳ | بَيْنَ يَدَيْ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ | اعلم ازدي | ۱۰ |
| ۲۴ | بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُهُ وَيَنْهَاهُ | سعدان بن مسلم | ۴۴ |
| ۲۵ | التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَ مَهْدِي أُمَّتِي | عبدالله بن عباس | ۸۸ |
| ۲۶ | تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلَةُ يَعْسُوبَهَا | ابو سعيد خدری | ۸۱ |
| ۲۷ | ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ لَهُ رَجُلًا مَنِيَّ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ فَيَقْتُلُهُ | ابوالفرج ابان بن محمد | ۳۲ |
| ۲۸ | ثُمَّ يَتَوَجَّهُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْزِلُهَا | ابو بصير | ۱۹ |
| ۲۹ | ثُمَّ يُخْرِجُهُمَا غَضَبَيْنِ رَطْبَيْنِ | اسحاق بن عمار | ۷۶ |
| ۳۰ | ثُمَّ يَفْتَرِقُونَ وَيَخْتَبِئُونَ تَحْتَ كُلِّ شَجَرٍ وَحَجَرٍ | حذيفه بن يمان | ۵۱ |

| صفحة | راوي | روایت | ج.ع. |
|------|-------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------|------|
| ٥١ | ابان بن تغلب | دَمَانٍ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَفْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ | ٣١ |
| ٤٧ | معمر بن خلاد | ذُكِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا | ٣٢ |
| ٣٥ | مرسلا عن الصادق (عليه السلام) | ذَلِكَ قَائِمٌ آلُ مُحَمَّدٍ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) | ٣٣ |
| ١٠ | ابو طفيل عامر بن واثله | عُمَرُ وَ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا تَقُولُ | ٣٤ |
| ٣٨ | محمد بن قاسم | فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَفُوا كُلَّ نَاصِبٍ [نَصَبٍ] عَلَيْهِ | ٣٥ |
| ٦١ | سلام بن مستنير | فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتِ التَّقِيَّةُ | ٣٦ |
| ٢٠ | ابو بصير | فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنٌ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ | ٣٧ |
| ١٤ | جابر | فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رَبُّمَا يُودُّ الَّذِينَ | ٣٨ |
| ١٨ | ابو بصير | فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ . . . | ٣٩ |
| ٤٩ | ابو حمزه | فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ | ٤٠ |
| ١٩ | ابو بصير | فِي قَوْلِهِ (. . . أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا) لَوْ قَتَبَتْ بَعَثَ الْقَائِمَ | ٤١ |
| ٢٧ | ابو جارود | فَيَضَعُ السِّيفَ فِيهِمْ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ | ٤٢ |
| ٣٠ | مرسلا عن علي (عليه السلام) | فَيَكْبُرُ الْمُسْلِمُونَ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، | ٤٣ |
| ٧٥ | عبد العظيم حسني | الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ | ٤٤ |
| ١٤ | جابر | قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ (عليه السلام) لِأَصْحَابِ | ٤٥ |

| رقم | روایت | راوی | صفحه |
|-----|-------------------------------------------------------------------------------|-----------------|------|
| ٤٦ | قُدَامَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلُ يَبُوحٍ | محمد بن ابی نصر | ٧ |
| ٤٧ | قُدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ | سليمان بن خالد | ٧ |
| ٤٨ | قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلْتُ فِدَاكَ | رفيد | ٥٦ |
| ٤٩ | قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ | ابو بصير | ٨ |
| ٥٠ | قُلْتُ لَهُ صَالِحٌ مِنَ الصَّالِحِينَ سَمَّه لِي | زراره بن اعين | ٤٦ |
| ٥١ | كَانَ لِي أَنْ أَقْتَلَ الْمُؤَلَّى | ابو خديجه | ٤٥ |
| ٥٢ | كُلُّ رَيْنٍ وَ خُبْثٍ وَ فَاحِشَةٍ وَ إِثْمٍ | مفضل بن عمر | ٧٣ |
| ٥٣ | لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ | ابو بصير | ٩ |
| ٥٤ | لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَعُودَ أَرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا | ابو هريره | ٢٤ |
| ٥٥ | لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي | ابو هريره | ٢٢ |
| ٥٦ | لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ | ابو هريره | ٢٣ |
| ٥٧ | لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثَلَاثَ | كيسان رواسي | ١٠ |
| ٥٨ | لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ سَدِيدٍ [شديد] | ابو بصير | ١١ |
| ٥٩ | لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَالْعَرَقَ | مفضل بن عمر | ٨٥ |
| ٦٠ | لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثَلَاثَ [ثَلَاثًا] النَّاسِ | محمد بن مسلم | ٨ |

| رقم | روایت | راوی | صفحه |
|-----|-----------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------|------|
| ٦١ | لَا يَلْقَاهُ عَدُوٌّ إِلَّا هَزَمَهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ | ابن زريق | ٥١ |
| ٦٢ | لَوْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِكَذَابِي الشَّيْعَةِ | مفضل بن عمر | ٢٦ |
| ٦٣ | لَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِالَّذِينَ يَنْتَحِلُونَ حُبَّنَا | مرسلا عن الباقر ع | ٣١ |
| ٦٤ | لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا يَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ | محمد بن مسلم | ٤٥ |
| ٦٥ | مَا عَلَامَةُ الْقَائِمِ | مفضل بن عمر | ٢٥ |
| ٦٦ | مَرَّ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَى حَلْقَةٍ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةَ | عبد الله بن شريك | ٥٩ |
| ٦٧ | النِّدَاءُ حَقٌّ قَالَ إِي وَاللَّهِ | زراره بن اعين | ٨ |
| ٦٨ | هَلْ تَدْرِي أَوَّلَ مَا يَبْدَأُ بِهِ الْقَائِمُ عَلَيْهِ عَلَيْهِ | بشير نبال | ٧٤ |
| ٦٩ | هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ عَلَيْهِ قَتَلَ مَظْلُومًا | سلام بن مستنير | ٥٩ |
| ٧٠ | هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ | جابر بن يزيد | ٣٥ |
| ٧١ | وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى قَالَ النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ | محمد بن مسلم | ٩٥ |
| ٧٢ | وَكَذَلِكَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمْ يَظْهَرُوا أَبَدًا حَتَّى | مرسلا عن الصادق عليه السلام | ٣٤ |
| ٧٣ | وَيَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دَيْنُ مُحَمَّدٍ | جابر | ٤١ |
| ٧٤ | وَيَنْهَزِمُ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةَ | ابو بصير | ٤٠ |
| ٧٥ | وَيُؤَلُّونَ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى يَدْخُلَهُمْ آيَاتُ الْكُوفَةِ | فضل بن شاذان | ٩٦ |
| ٧٦ | وَيَلُّ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ | ابو هريره | ٢٣ |
| ٧٧ | يَا أَبَاعُبَيْدَةَ إِنَّهُ لَا يَمُوتُ مِنَّا مَيِّتٌ حَتَّى | ابو عبيده حذاء | ٩١ |
| ٧٨ | يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي حَدِيثِ | عبد السلام بن صالح | ٣٦ |
| ٧٩ | يَا بَشْرُ مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ | بشر بن غالب اسدي | ٥٥ |

| رقم | روایت | راوی | صفحه |
|-----|--------------------------------------------------------------------------------------|-----------------|------|
| ۸۰ | يَا رُفَيْدُ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ | رفيد | ۵۸ |
| ۸۱ | يَا وَلَدِي يَا عَلِيُّ وَاللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي | مقاتل | ۳۱ |
| ۸۲ | يُبَايِعُ الْمُهْدِيَّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ | ابوهريره | ۸۲ |
| ۸۳ | يَبْعَثُ السُّفْيَانِيَّ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ | اباقبيل | ۱۳ |
| ۸۴ | يُجَاءُ إِلَى الْمُهْدِيِّ وَهُوَ فِي بَيْتِهِ | قتاده | ۸۲ |
| ۸۵ | يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ | ابوبصير | ۲۱ |
| ۸۶ | يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ فَيُقَاتِلُ حَتَّى يَبْشُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ | عبدالله بن عباس | ۱۲ |
| ۸۷ | يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ إِلَى بِلَادِ الرُّومِ | كعب الاحبار | ۴۲ |
| ۸۸ | يَدْخُلُ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ فَيَسْبِيهَا | ارطاه | ۱۳ |
| ۸۹ | يُرْسِلُ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الشَّامِ مَنْ يُفَرِّقُ جَمَاعَتَهُمْ | ابن زبير | ۵۰ |
| ۹۰ | يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتًا وَقَتْلًا | عبدالله بن سنان | ۱۱ |
| ۹۱ | يُقْبِضُ الْعِلْمَ وَيُظْهِرُ الْفِتْنَ وَيَكْثُرُ الْهَرْجُ | ابوهريره | ۲۳ |
| ۹۲ | يَقْتُلُ السُّفْيَانِيُّ كُلَّ مَنْ عَصَاهُ | ارطاه | ۱۳ |
| ۹۳ | يَقْتُلُ الْقَائِمُ <small>عليه السلام</small> حَتَّى يَبْلُغَ السُّوقَ | عبدالله بن سنان | ۳۸ |
| ۹۴ | يَقْتُلُ الْقَائِمُ <small>عليه السلام</small> مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ | كابلي | ۳۹ |
| ۹۵ | يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ | ابوبصير | ۱۵ |
| ۹۶ | يُنْتِجُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مَنِيَّ | يحيى بن علاء | ۵۴ |
| ۹۷ | يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> | عبدالله بن عطاء | ۸۹ |
| ۹۸ | يَقُولُ لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى | ابوبصير | ۱۲ |

۱. ابان بن عثمان: وی در اصل اهل بصره و در کوفه ساکن بوده و مذهب وی ناووسی است. (۱)

۲. ابوهریره: درباره اسم وی اختلاف وجود دارد که برترین آن عبدالرحمن بن صخر است. یکی از مسائلی که بسیاری از علمای رجال اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند، این است که ابوهریره مدلس بوده و سخنی را که از دیگران می شنیده، به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می داده است. ذهبی از بزرگترین رجالیون اهل سنت در شرح حال ابوهریره می نویسد: «قال یزید بن هارون: سمعتُ شُعبهَ یقول: کانَ أبوهریره یدلُّسُ (۲)؛ ابوهریره تدلیس می کرد».

همچنین ابن ابی الحدید به نقل از استادش ابوجعفر اسکافی می نویسد: «عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: أَلَا إِنَّ أَكْذَبَ النَّاسِ - أَوْ قَالَ: أَكْذَبَ الْأَحْيَاءِ - عَلِيٌّ رَسُولَ اللَّهِ أَبُوهِرَيْرَةَ الدُّوسِيَّ؛ از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود: آگاه باشید که دروغگوترین مردم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوهریره می باشد (۳)».

۴. ابوالقاسم شعرانی: وی فردی مجهول است.

۵. احمد بن هلال عبرتایی: وی شخصی غالی و متهم در دین شمرده شده است (۴)، همچنین علامه حلی (۵) ونجاشی درباره وی گفته اند: «مذمت هائی درباره او

ص: ۱۲۸

۱- (۱) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۳۵۲.

۲- (۲) ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۶۰۸.

۳- (۳) ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۸.

۴- (۴) همان، ص ۸۳.

۵- (۵) حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۰۲.

از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است» (۱).

۶. اسماعیل بن رافع ابورافع مدنی: یحیی بن معین از رجالیون اهل سنت درباره وی واژه ضعیف را به کار برده است (۲).

۷. بشیر نبال: علامه حلی درباره وی گفته است: «من در روایت او متوقف هستم» (۳).

۸. جابر بن یزید: نجاشی گفته است که وی فردی مختلط بوده است (۴).

۹. حسن بن عبدالرحمن (حمانی): وی فردی مجهول است.

۱۰. حسن بن علی بن ابی حمزه: وی شخصی بسیار ضعیف، دروغگو و غالی بوده (۵) و علامه حلی در خلاصه، وی را واقفی دانسته است (۶).

۱۱. حسن بن هارون: وی فردی مجهول است.

۱۲. حسین بن احمد مالکی: وی فردی مجهول است.

۱۳. حسین بن حمدان: وی فردی بسیار ضعیف و فاسدالمذهب است (۷).

۱۴. زیاد بن منذر: کنیه وی ابو جارود است. امام باقر علیه السلام به این فرد نسبت سرحوب را داده است، سرحوب نام شیطانی کور است که در دریا زندگی

ص: ۱۲۹

۱- (۱) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۸۳.

۲- (۲) جرجانی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد ابوالاحمد، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۱، ص ۲۸۰، ش ۱۱۹.

۳- (۳) حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۵.

۴- (۴) همان، ص ۱۲۹.

۵- (۵) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۴۴۳.

۶- (۶) حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۱۳.

۷- (۷) همان، ص ۲۱۷.

می کند. (۱) همچنین مذهب او زیدیه است. (۲)

۱۵. سلام بن مستنیر: وی فردی مجهول است.

۱۶. در سند سویدین عبد العزیز وجود دارد که نسائی درباره وی گفته است او ثقه نیست و ضعیف است. (۳)

۱۷. عبد الله بن لهیعه بن عقبه الحضرمی: وی فردی ضعیف است، چنان که ابن معین در توصیف وی گفته است: ضعیف لا یحتج به. (۴)

۱۸. عبدالله بن عبدالرحمن الاصبم: وی فردی ضعیف، غالی و از دروغ سازان بصره بوده است. (۵)

۱۹. عبدالملک بن بشیر: وی فردی مجهول است.

۲۰. عبیدالله بن شریک: وی فردی مجهول است.

۲۱. عقبه بن یونس: وی فردی مجهول است.

۲۲. علی بن ابی حمزه بطائنی: این شخص یکی از سران و بزرگان واقفیه است (۶). شیخ طوسی نیز به واقفی بودن وی اشاره کرده و (۷) ابن غضائری او را لعن

ص: ۱۳۰

۱- (۱) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۲۹.

۲- (۲) همان، الفهرست، ص ۲۰۴.

۳- (۳) عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل، تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۴۲.

۴- (۴) ذهبی، شمس الدین ابوعبد الله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۴، ص ۱۶۷.

۵- (۵) حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ص ۲۳۸.

۶- (۶) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۵۰.

۷- (۷) طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۸۳.

نموده است(۱).

۲۳. علی بن اسباط کوفی: وی ابتدا فردی فطحی بوده(۲) اما در اینکه آیا او از مذهب فطحی به سوی حق بازگشته یا خیر اختلاف وجود دارد.

۲۴. علی بن حسن تیملی: بنا بر گفته آیت الله خویی وی همان علی بن حسن بن علی بن فضال بوده(۳) که شخصی فطحی مذهب می باشد.(۴)

۲۵. علی بن عباس جرازینی رازی: وی شخصی متهم به غلو و ضعیف است.(۵)

۲۶. علی بن عبدالله حسنی: وی فردی مجهول است.

۲۷. عمر بن فرات: وی فردی غالی است.(۶)

۲۸. عمرو بن شمر ابو عبدالله جعفی: نجاشی گفته است که وی فردی بسیار ضعیف است.(۷)

۲۹. عیثم بن سلیمان: وی فردی مجهول است.

۳۰. قاسم بن محمد بن حسن بن حازم: وی فردی مجهول است.

۳۱. قاسم بن ولید همدانی: وی مجهول است.

۳۲. محمد بن ابی عبدالله: به نظر مرحوم آیت الله خویی وی همان

ص: ۱۳۱

۱- (۱) واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، ص ۸۳.

۲- (۲) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۶۲.

۳- (۳) موسوی خویی، ابوالقاسم، ج ۱۱، ص ۳۴۵.

۴- (۴) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۵۸.

۵- (۵) همان، ص ۲۵۵.

۶- (۶) طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۶۲.

۷- (۷) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۸۷.

محمد بن جعفر اسدی است (۱) که به گفته نجاشی وی شخصی است که روایت هایش را از ضعفا نقل می کند و به جبر و تشبیه قائل است. (۲)

۳۳. محمد بن حسن بن جمهور: بنابر نظر آیت الله خوئی وی همان محمد بن جمهور است (۳) که فاسد المذهب و ضعیف است. (۴)

۳۴. محمد بن خالد: مرحوم آیت الله خوئی نقل کرده است که به نظر نجاشی وی فردی مهمل است. (۵)

۳۵. محمد بن سلیمان (بصری یا دیلمی): وی فردی متهم به غلو است. (۶)

۳۶. محمد بن سنان: این فرد هم مدح شده و هم ضعیف به شمار می آید (۷) و بنابر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم می باشد. (۸)

۳۷. محمد بن عبدالله بن مهران: این شخص فردی متهم به غلو و ضعیف است. (۹)

۳۸. محمد بن علی کوفی: وی فردی بسیار بدنام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند. این شخص در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می زیسته و از معاصران جناب فضل بن شاذان بوده است.

ص: ۱۳۲

۱- (۱) موسوی خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۴، ص ۲۷۱.

۲- (۲) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۷۳.

۳- (۳) موسوی خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۵، ص ۱۷۸.

۴- (۴) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۳۷.

۵- (۵) موسوی خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۶، ص ۶۲.

۶- (۶) طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۴۳.

۷- (۷) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۲۸.

۸- (۸) شانه چی، کاظم، درایه الحدیث، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۹- (۹) طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۹۱.

فضل بن شاذان در وصف محمد بن علی کوفی می گوید: «رجلٌ كذابٌ: او مردی بسیار دروغگوست». همچنین فضل درباره وی گفته: «كِدْتُ أَقْنُتُ عليه: نزدیک بود در قنوت نماز لعن و نفرینش کنم».(۱)

۳۹. محمد بن فضیل ازدی: فردی ضعیف (۲) و متهم به غلو است.(۳)

۴۰. محمد بن قاسم بن عبید: وی فردی مجهول است.

۴۱. محمد بن حسن شمون: وی فردی غالی (۴)، واقفی مذهب و فاسد المذهب است.(۵)

۴۲. مفضل بن عمر ابو عبدالله: وی هم مدح شده و هم مورد طعن قرار گرفته است. شیخ مفید درباره وی می گوید: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح است(۶) ولی نجاشی درباره وی می گوید: او فردی فاسد المذهب و مضطرب الروایه می باشد.(۷) بنا بر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم است.(۸)

۴۳. یونس بن ظبیان: وی فردی ضعیف و غالی است؛(۹) همچنین نجاشی درباره وی می گوید که هرآنچه که وی نوشته، مختلط است.(۱۰)

۴۴. یونس بن کلیب: وی فردی مجهول است.

ص: ۱۳۳

۱- (۱) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۴۶.

۲- (۲) طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۴۳.

۳- (۳) موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الروه، ج ۱۷، ص ۱۴۵، ش ۱۱۵۴۶.

۴- (۴) طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۴۰۲.

۵- (۵) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۳۵.

۶- (۶) مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۱۶.

۷- (۷) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۱۶.

۸- (۸) شانه چی، کاظم، درایه الحدیث، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۹- (۹) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص ۳۶۳.

۱۰- (۱۰) نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۴۸.

حال رجال در یک نگاه

| ردیف | نام راوی | غالی | ناووسی | فطحی | مجهول | زیدی | جارودی | مختلط | واقفی | ضعیف و غیره |
|------|------------------------|------|--------|------|-------|------|--------|-------|-------|-------------|
| ۱ | ابوهریره | | | | | | | | | × |
| ۲ | ابوالقاسم شعرانی | | | | × | | | | | |
| ۳ | احمد بن هلال | × | | | | | | | | |
| ۴ | اسماعیل بن رافع | | | | | | | | | × |
| ۵ | بشیر تبّال | | | | | | | | | × |
| ۶ | جابر بن یزید | | | | | | | × | | |
| ۷ | حسن بن عبدالرحمن | | | | × | | | | | |
| ۸ | حسن بن علی بن ابی حمزه | × | | | | | | | × | × |
| ۹ | حسن بن هارون | | | | × | | | | | |
| ۱۰ | حسین بن احمد مالکی | | | | × | | | | | |
| ۱۱ | حسین بن حمدان | | | | | | | | | × |
| ۱۲ | زیاد بن منذر | | | | | × | | | | |
| ۱۳ | سلام بن مستنیر | | | | × | | | | | |
| ۱۴ | سوید بن عبدالعزیز | | | | | | | | | × |
| ۱۵ | عبداللّه بن لهیعه | | | | | | | | | × |
| ۱۶ | عبداللّه بن عبدالرحمن | × | | | | | | | | |

| ردیف | نام راوی | غالی | ناووسی | فطحی | مجهول | زیدی | جارودی | مختلط | واقفی | ضعیف و غیره |
|------|--------------------------|------|--------|------|-------|------|--------|-------|-------|-------------|
| ۱۷ | عبدالملک بن بشیر | | | | × | | | | | |
| ۱۸ | عبدالله بن شریک | | | | × | | | | | |
| ۱۹ | عقبه بن یونس | | | | × | | | | | |
| ۲۰ | علی بن ابی حمزه | | | | | | | × | | |
| ۲۱ | علی بن اسباط | | | × | | | | | | |
| ۲۲ | علی بن حسن تیملی | | | × | | | | | | |
| ۲۳ | علی بن عباس | × | | | | | | | | |
| ۲۴ | علی بن عبدالله حسنی | | | | × | | | | | |
| ۲۵ | عمر بن فرات | × | | | | | | | | |
| ۲۶ | عمر و بن شمر | | | | | | | | × | |
| ۲۷ | عیشم بن سلیمان | | | | × | | | | | |
| ۲۸ | قاسم بن محمد بن حسن | | | | × | | | | | |
| ۲۹ | قاسم بن ولید | | | | × | | | | | |
| ۳۰ | محمد بن ابی عبدالله | | | | | | | | × | |
| ۳۱ | محمد بن حسن بن جمهور | | | | | | | | × | |
| ۳۲ | محمد بن سلیمان | × | | | | | | | | |
| ۳۳ | محمد بن سنان | | | | | | | | × | |
| ۳۴ | محمد بن عبدالله بن مهران | × | | | | | | | | |
| ۳۵ | محمد بن علی کوفی | | | | | | | | | × |

| ردیف | نام راوی | غالی | ناووسی | فطحی | مجهول | زیدی | جارودی | مختلط | واقفی | ضعیف و غیره |
|------|------------------|------|--------|------|-------|------|--------|-------|-------|-------------|
| ۳۶ | محمد بن فضیل | × | | | | | | | | |
| ۳۷ | محمد بن قاسم | | | | × | | | | | |
| ۳۸ | مفضل بن عمر | | | | | | | | | × |
| ۳۹ | محمد بن حسن شمون | × | | | | | | | × | |
| ۴۰ | یونس بن ظبیان | × | | | | | | × | | |
| ۴۱ | یونس بن کلیب | | | | × | | | | | |

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ۲ جلد، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، مومنین، چ اول، ۱۳۸۰ ش.
۲. کمال الدین و تمام النعمه، ۲ جلد، ترجمه منصور پهلوان، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دارالحدیث، چ اول، ۱۳۸۰ ش.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ۱ جلد، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، چ اول، ۱۳۷۷ ش.
۴. آیتی، نصرت الله، بررسی تطبیقی سیره امام علی علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در رویارویی با اهل بغی، مجموعه مقالات همایش بین المللی دکتترین مهدویت، شماره ۴، ۱۳۸۸.
۵. جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر، ۲ جلد، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ یازدهم، ۱۳۹۰ ش.
۶. زبری قاینی، محمد حسن، فرهنگ اصطلاحات علم الحدیث، ۱ جلد، مشهد، آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۸۹ ش.
۸. طبسی، نجم الدین؛ واعظی، سید حسن، درنگی در روایات قتل های آغازین دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مجله انتظار موعود، شماره ۶، ۱۳۸۱ ش، صفحه ۳۵۵.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضه من الکافی، ۲ جلد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، چ اول، ۱۳۶۴ ش.
۱۰. مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، ۲ جلد، تهران، اسلامیة، چ دوم، بی تا.

۱۱. منتظری، حسینعلی، موعود ادیان، ۱ جلد، تهران، خردآوا، چ دوم، ۱۳۸۴ ش.

۱۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ۱ جلد، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۳۶۲ ش.

۱۳. _، الغیبه، ۱ جلد، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، صدوق، چ دوم، ۱۳۷۶ ش.

ب. منابع عربی

۱۴. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ۱۰ جلد، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

۱۵. ابن ابی شیبہ، ابوبکر عبد الله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، ۷ جلد، تحقیق کمال یوسف الحوت، الرياض، مکتبه الرشید، چ اول، ۱۴۰۹ ق.

۱۶. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ۲ جلد، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.

۱۷. _، کمال الدین و تمام النعمه، ۱ جلد، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ق.

۱۸. ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تاویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، ۱ جلد، تحقیق فارس تبریزیان، قم، الهادی، چ اول، ۱۴۲۰ ق.

۱۹. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، ۲ جلد، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ دوم، ۱۳۸۵ ق.

۲۰. ابن خلدون الحضرمی، عبد الرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارالقلم، چ پنجم، ۱۹۸۴ م.

۲۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ۴ جلد، قم، علامه، چ اول، ۱۳۷۹ ق.

ص: ۱۳۹

٢٢. ابن طاووس، على بن موسى، اقبال الاعمال، ١ جلد، تعليق شيخ حسين اعلمى، بيروت، مؤسسه الاعلمى، چاپ اول، ١٤١٧ ق.
٢٣. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، ١ جلد، تحقيق جواد قيومي، قم، مؤسسه نشر اسلامى، چاپ اول، ١٤١٧ ق.
٢٤. ابن كثير الدمشقى، إسماعيل بن عمر ابوالفداء القرشى، البدايه والنهائيه، ١٤ جلد، بيروت، مكتبه المعارف، بی تا.
٢٥. اردبیلی، محمد بن على، جامع الرواه، ٢ جلد، قم، مكتبه محمدی.
٢٦. ازدی نیشابوری، ابو محمد فضل بن شاذان، الايضاح، بيروت، مؤسسه الاعلمى، چاپ اول، ١٤٠٢ ق.
٢٧. استرآبادی، على، تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره، ٢ جلد، قم، مدرسه امام مهدى، چاپ اول، ١٤٠٧ ق.
٢٨. بحرانی، سيد هاشم بن سليمان، حليه الأبرار فى احوال محمد و آله الأطهار عليهم السلام، ٥ جلد، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، چاپ اول، ١٤١١ ق.
٢٩. تمیمی، ابی يعلى موصلى احمد بن على، مسند ابی يعلى، ١٣ جلد، تحقيق حسين سليم اسد، دمشق، دارالمأمون للتراث، چاپ اول، ١٤٠٤ ق.
٣٠. جرجانى، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد ابواحمد، الكامل فى ضعفاء الرجال، ٧ جلد، تحقيق يحيى مختار غزاوى، بيروت، دار الفكر، چاپ سوم، ١٤٠٩ ق - ١٩٨٨ م.
٣١. جزرى، عزالدين بن الأثير أبى الحسن على بن محمد، الكامل فى التاريخ، ٧ جلد، تحقيق عبد الله القاضى، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ دوم، ١٤١٥ ق.
٣٢. حلى، حسن بن يوسف، خلاصه الاقوال (رجال)، ١ جلد، تصحيح سيد محمد صادق بحر العلوم، قم، مكتبه الرضى، چاپ دوم، ١٣٨١ ق.

۳۳. حلی، عزالدین حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، ۱ جلد، نجف، الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۷۰ ق.

۳۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ۱ جلد، تحقیق موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ اول، ۱۴۱۳ ق.

۳۵. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ۱ جلد، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.

۳۶. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ۱ جلد، بیروت، موسسه البلاغ، چ اول، ۱۴۰۶ ق.

۳۷. دانی، عثمان بن سعید، السنن الوارده فی الفتن، ۶ جلد، ضیاء الله بن محمد إدريس المبارک فوری، الرياض، دار العاصمه، چ اول، ۱۴۱۶ ق.

۳۸. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ۸ جلد، تحقیق الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵ م.

۳۹. _، سیر اعلام النبلاء، ۲۳ جلد، بیروت، موسسه الرساله، چ سوم، ۱۴۰۵ ق.

۴۰. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، ۳ جلد، تصحیح موسسه امام مهدی، قم، موسسه امام مهدی، چ اول، ۱۴۰۹ ق.

۴۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ۱ جلد، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، چ اول، ۱۴۱۴ ق.

۴۲. شیانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، ۶ جلد، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۴۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، ۱ جلد، تصحیح محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی،

چ دوم، ۱۴۰۴ ق.

۴۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسول والملوک (تاریخ الطبری)، ۵ جلد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۰۷ ق.

۴۵. _ دلائل الامامہ، ۱ جلد، قم، مکتبه الرضی، چ سوم، ۱۳۶۳ ش.

۴۶. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ۱ جلد، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.

۴۷. _ تهذیب الأحکام، ۱۰ جلد، تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۴۸. _ رجال طوسی، ۱ جلد، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.

۴۹. _ الغیبه، ۱ جلد، تحقیق عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چ اول، ۱۴۱۱ ق.

۵۰. _ الفهرست، ۱ جلد، تصحیح جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهه، چ اول، ۱۴۱۷ ق.

۵۱. عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل، تهذیب التهذیب، ۱۴ جلد، بیروت، دارالفکر، چ اول، ۱۴۰۴ ق.

۵۲. عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.

۵۳. قرشی المصری، ابوالقاسم عبد الرحمن بن عبد الله عبد الحکم بن أعین، فتوح مصر وأخبارها، ۱ جلد، تحقیق محمد الحجیری، بیروت، دار الفکر، چ اول، ۱۴۱۶ ق - ۱۹۹۶ م.

۵۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ۲ جلد، تصحیح سید طیب موسوی

ص: ۱۴۲

جزائری، قم، مکتبه علامه، ۱۳۸۷ ق.

۵۵. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ۱ جلد، قم، داوری، بی تا.

۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۸ جلد، تحقیق غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۵۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیه السلام، ۱۱۱ جلد، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۵۸. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ۱ جلد، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

۵۹. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ۱ جلد، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

۶۰. _، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، ۱ جلد، تحقیق علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید، چ اول، ۱۴۱۳ ق.

۶۱. _، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ۲ جلد، تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، دارالمفید، ۱۴۱۳ ق.

۶۲. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، ۱ جلد، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، قم، مسجد مقدس جمکران - نصاب، چ اول، ۱۴۱۶ ق.

۶۳. موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ۲۳ جلد، قم، مدینه العلم، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

۶۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ۱ جلد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، چ ششم، ۱۳۶۵ ش.

۶۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ۱ جلد، تحقیق فارس حسون، قم،

ص: ۱۴۳

انوارالهدی، چ اول، ۱۴۲۲ ق.

۶۶. نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب، نهاییه الأرب فی فنون الأدب، ۳۳ جلد، تحقیق مفید قمحیه وجماعه، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۲۴ ق - ۲۰۰۴ م.

۶۷. واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، ۱ جلد، تحقیق سید محمد رضا جلالی، قم، دارالحدیث، چ اول، ۱۴۲۲ ق.

۶۸. هیئت علمی موسسه معارف اسلامی، معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ۸ جلد، قم، موسسه معارف اسلامی، چ اول، ۱۴۲۸ ق.

نرم افزارها:

۱. جامع الاحادیث نور، نسخه ۳/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۹۰ ش.

ص: ۱۴۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

° يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر/ ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

